

دوفصل نامه علمی - پژوهشی

عصر آدینه

ویژه هنر موعود

سال هجدهم، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

دوفصل نامه «عصر آدینه» ویژه هنر موعود براساس نامه شماره ۱۸۵۹ از شماره ۱۵ به بعد دارای درجه علمی - پژوهشی می باشد و براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، امتیاز نشریات حوزوی با نشریات وزارت علوم و وزارت بهداشت یکسان است.

هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله
عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود
استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد
استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر
عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
دکتر رامین، فرح
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق
عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر غنوی، امیر
دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی
استاد حوزه علمیه قم

صاحب امتیاز:

حجت الاسلام والمسلمین

سیدمسعود پورسیدآقای

مدیرمسئول:

حجت الاسلام والمسلمین

سیدمسعود پورسیدآقای

سرمدیور:

دکتر سیدرضی موسوی گیلانی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

اسلام پورخادمی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

حروف نگار:

ناصر احمدپور

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

همکاران این شماره:

رضا شجاعی مهر و محمدفاضل الهیاری

دفتر نشریه: قم - خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۳۷۸۳۳۳۴۸ - ۰۲۵ دورنگار: ۳۷۷۳۸۲۴۰ - ۰۲۵

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

سامانه الکترونیکی نشریه: asreadineh.sinaweb.net نشانی پست الکترونیک: asr.adineh@gmail.com



مسئله هنر و هنرمند جزو مسائلی است که هم وظیفه است و هم
به شدت حساس و دقیق است و مرزهای دشواری در این زمینه وجود
دارد.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

-
- ۷..... واکاوی نقش رسانه‌های نوین در ترویج یا تضعیف باور به مهدویت در نسل نوجوان.....
سیدمحمد قلمکاریان، اسما آسترکی
- ۲۳..... تحلیل مقایسه‌ای مؤلفه‌های معنایی «تَرَقُّب» در قرآن کریم با محوریت اندیشه انتظار.....
رحمان عشریه، امیرحسین عشریه
- ۴۳..... ارتباط غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه.....
نفیسه ایرانی، میلاد موحدی‌راد، شهریار شادی‌گو
- ۷۱..... بررسی اصول اعتقادی با محوریت انتظار در اشعار «محمدعلی مجاهدی».....
مرضیه حسینی رکن‌آبادی، رضا فهیمی، منیژه فلاحی
- ۹۵..... استعاره و ایده‌آل‌گزینی در جامعه منتظر: نقشی دوگانه در اتحاد و تفرقه.....
رضا عیسی‌نیا
- عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی در رسانه شعر مهدوی (مورد مطالعاتی: اشعار علی جعفرآل
ابراهیم القطیفی)..... ۱۲۵
حجت‌اله فسنقری، انسبه برگی

فصل نامه «عصر آدینه» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی رویکردهای هنری استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله به‌طور همزمان به دیگر مجلات ارسال نشده یا در جای دیگر منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث هنری امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای محتوای پژوهشی (مسئله‌محور و دارای نوآوری) باشد.
۴. نویسنده مقاله دارای درجه دکتری یا سطح چهار حوزوی (حداقل استادیار) باشد یا از راهنمایی شخصی با این شرایط بهره گیرد.
۵. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد. (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه)
۶. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (چکیده فارسی و انگلیسی، حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا براساس نام خانوادگی نویسنده).

۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش APA (درون متنی) باشد و از درج پاورقی یا پی نوشت پرهیز شود. آدرس دهی به کتاب ها و نشریات در متن، پس از پایان مطلب در داخل پرانتز و بدین صورت انجام می پذیرد: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب، صفحه. مانند: (نعمانی، ۱۴۰۸: ۲۵۳). روش آدرس دهی به کتاب های چند جلدی نیز بدین شکل است: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۷۴). ممکن است در کتب روایی «باب» و «حدیث» نیز به آن افزوده گردد که به شکل: (...، ب ۴، ح ۹) ذکر می شود. آدرس دهی به نشریات نیز مانند کتاب هاست و ابتدا نام خانوادگی نویسنده، سپس سال انتشار نشریه و بعد شماره صفحه مطلب مورد اشاره نوشته می شود. همچنین، در آدرس دهی به آیات قرآن، تنها نام سوره و شماره آیه بدین شکل می آید: (انبیاء: ۱۰۵)

۲. فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده سال نشر (داخل پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده، تاریخ انتشار.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.

۲. مجله در ویرایش، تلخیص، تقطیع، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.

۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.

۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

۵. از نظریات اندیشه وران، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

Analyzing the role of new media in promoting or weakening belief in Mahdism among teenagers

Dr. Seyyed Mohammad Ghalamkarian¹
Asma Astaraki²

Abstract

In the era of new media- where adolescents are more exposed than ever to vast volumes of information, imagery, and often contradictory messages- preserving and strengthening religious beliefs, particularly the doctrine of Mahdism as a core tenet of Shia Islam, has become increasingly critical. This study adopts an analytical-descriptive approach to examine the role of new medias in either weakening or promoting belief in Mahdism among adolescents. Data were collected through theoretical sources, previous field studies, and media content analysis. The findings indicate that in the absence of effective religious education and media literacy, new medias can lead to confusion, doubt, and weaking of adolescents' belief in Mahdism. Conversely, conscious and purposeful use of media—accompanied by the production of engaging religious content, integrated religious-media education, active involvement of parents and educators, and the cultivation of critical thinking skills—can deepen belief in the Promised Mahdi (A.F) and promote Mahdist teachings. Therefore, the intelligent utilization of media capacities in cooperation with educational, cultural, and family institutions not only protects adolescents from ideological doubts but also paves the way for raising a generation that is informed, dynamic, and committed to religious values.

Keywords: New media, Cyberspace, Media literacy, Mahdism, Religious belief

-
1. Assistant Professor, Payame Noor University, Department of Educational Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author)(m_ghalamkarian@pnu.ac.ir)
 2. Undergraduate Student of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran (asmaastaraki53@gmail.com)

واکاوی نقش رسانه‌های نوین در ترویج یا تضعیف باور به مهدویت در نسل نوجوان*

سید محمد قلمکاریان^۱

اسما آسترکی^۲

چکیده

در عصر رسانه‌های نوین که نوجوانان بیش از هر زمان دیگری با حجم گسترده‌ای از اطلاعات، تصاویر و پیام‌های گاه متناقض مواجه‌اند، حفظ و تقویت باورهای دینی، به‌ویژه آموزه مهدویت به‌عنوان یکی از ارکان نظام اعتقادی شیعه، اهمیت مضاعفی یافته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی نقش رسانه‌های نوین در تضعیف یا ترویج باور به مهدویت در میان نوجوانان می‌پردازد. داده‌های پژوهش با اتکا به منابع نظری، مطالعات میدانی پیشین و تحلیل محتوای رسانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در فقدان آموزش دینی مؤثر و سواد رسانه‌ای، رسانه‌های نوین می‌توانند باعث سردرگمی، تردید و تضعیف باور نوجوانان به مهدویت شوند. در مقابل، استفاده آگاهانه و هدفمند از این رسانه‌ها، همراه با تولید محتوای دینی جذاب، آموزش‌های تلفیقی دین و رسانه، نقش فعال والدین و مربیان، و تقویت تفکر انتقادی نوجوانان، می‌تواند زمینه‌ساز تعمیق باور به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ترویج آموزه‌های مهدوی باشد. در نتیجه، بهره‌برداری هوشمندانه از ظرفیت‌های رسانه‌ای در تعامل با نهادهای آموزشی، فرهنگی و خانواده، نه تنها مانع آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر شبهات اعتقادی می‌شود، بلکه بستری برای تربیت نسلی آگاه، پویا و متعهد به ارزش‌های دینی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

رسانه‌های نوین، فضای مجازی، سواد رسانه‌ای، مهدویت، باور دینی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (m_ghalamkarian@pnu.ac.ir).

۲. دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (asmaastaraki53@gmail.com).

باور به مهدویت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه اسلامی و به‌ویژه شیعی، همواره نقش محوری در جهت‌دهی به هویت دینی، امید اجتماعی و پویایی فرهنگی جوامع مسلمان ایفا کرده است. این آموزه، که وعده ظهور منجی الهی برای برپایی عدالت جهانی را در خود جای داده، نه تنها نیرویی الهام‌بخش در تحولات دینی و اجتماعی تاریخ اسلام بوده، بلکه بسترساز شکل‌گیری روحیه‌ی مقاومت، امید به آینده و انسجام اجتماعی در میان نسل‌های متمادی شده است. انتقال این باور، در طول قرون گذشته، از طریق ابزارها و نهادهای سنتی همچون خانواده، مساجد، حوزه‌های علمیه و محافل مذهبی انجام می‌شد؛ بسترهایی که بر پایه ارتباط مستقیم چهره به چهره، آموزش غیررسمی و نفوذ عاطفی استوار بود (وفایی، ۱۴۰۲: ۱۶).

با این حال، تحولات سریع و گسترده در حوزه فناوری‌های ارتباطی در چند دهه اخیر، الگوهای ارتباطی و نظام دریافت اطلاعات را دگرگون ساخته است. رسانه‌های نوین، اعم از شبکه‌های اجتماعی، وبگاه‌های تعاملی، پیام‌رسان‌ها و پلتفرم‌های ویدئویی، به منابع اصلی کسب اطلاع و آگاهی نسل نوجوان تبدیل شده‌اند. این تغییر در بسترهای ارتباطی، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی را در مسیر انتقال مفاهیم دینی، به‌ویژه باور به مهدویت، ایجاد کرده است. نوجوانان امروزی، در جهانی به شدت رسانه‌ای شده پرورش می‌یابند؛ جهانی که در آن مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ و مواجهه با گوناگونی فرهنگی و دینی امری روزمره است. در چنین فضایی، رسانه‌های نوین می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های فنی و جذابیت‌های بصری خود، به عاملی مؤثر در ترویج آموزه‌های اصیل دینی بدل شوند و باور به مهدویت را به شیوه‌ای امروزی و کارآمد منتقل نمایند.

از سوی دیگر، همین رسانه‌ها می‌توانند بستر نشر اطلاعات نادرست، شبهات اعتقادی و روایت‌های تحریف‌شده درباره آموزه مهدویت باشند. عدم وجود نظام‌های مؤثر نظارت بر محتوا، ضعف سواد رسانه‌ای در میان کاربران نوجوان و سلطه الگوهای مصرفی و تجاری بر فضای مجازی، زمینه‌هایی برای تضعیف باورهای دینی فراهم آورده است. بسیاری از محتواهای منتشر شده در فضای مجازی، به دلیل ماهیت تجاری، نه بر پایه اصول اعتقادی صحیح، بلکه بر مبنای جذب مخاطب بیشتر و ایجاد هیجان زودگذر تولید می‌شوند. این امر می‌تواند موجب کاهش عمق باور دینی و سستی

اعتقادات نوجوانان نسبت به آموزه‌های بنیادینی چون مهدویت گردد (عمرانی چهاربرج و شهباززاده، ۱۴۰۲: ۱۰۴).

در این میان، ضرورت بررسی نقش رسانه‌های نوین در ترویج یا تضعیف باور به مهدویت، به ویژه در نسل نوجوان که بیشترین میزان مصرف رسانه‌ای را دارند، آشکار می‌شود. نوجوانی دوره‌ای حساس از تکوین هویت دینی و اجتماعی فرد است. در این سن، افراد در جست‌وجوی معنا، تعلق و هویت هستند و پیام‌هایی که در این مرحله دریافت می‌کنند، می‌تواند تأثیرات عمیق و پایداری بر ساختار فکری و باورهای آنان برجای گذارد. لذا شناخت چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌های نوین بر باور به مهدویت در این قشر، گامی اساسی در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی و تربیتی به شمار می‌رود.

افزون بر این، اهمیت مسئله زمانی مضاعف می‌شود که توجه کنیم جریان‌های معارض و برخی حرکت‌های انحرافی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند از فضای رسانه‌ای برای القای شبهات یا معرفی چهره‌های جعلی از آموزه مهدویت بهره‌گیرند (معمدی، ۱۴۰۰: ۱۶). ظهور گروه‌ها و فرقه‌هایی که با بهره‌گیری از تکنیک‌های رسانه‌ای سعی در تحریف مفهوم انتظار دارند، نمونه‌ای از این تهدیدات است. بنابراین، مواجهه هوشمندانه با این چالش‌ها، مستلزم شناخت دقیق فرصت‌ها، تهدیدها و واکنش‌های نسل نوجوان در قبال محتوای مهدوی در رسانه‌های نوین است.

پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن بررسی ظرفیت‌های رسانه‌های نوین در انتقال مؤثر مفاهیم مهدوی، به شناسایی تهدیدات موجود و نحوه مواجهه صحیح نوجوانان با این تهدیدات بپردازد. در این مسیر، تلاش می‌شود به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده شود که رسانه‌های نوین چه فرصت‌هایی برای ترویج باور به مهدویت فراهم کرده‌اند؟ چه آسیب‌هایی ممکن است ایمان نوجوانان به این آموزه را تهدید کند؟ نوجوانان چگونه به محتوای مهدوی در فضای رسانه‌ای واکنش نشان می‌دهند؟ و چه راهکارهایی می‌تواند به ارتقاء دانش آنان و مواجهه صحیح شان با این فضا کمک کند؟

بررسی این ابعاد می‌تواند نتایج ارزشمندی در اختیار برنامه‌ریزان فرهنگی، متولیان امور دینی و تولیدکنندگان محتوای مذهبی قرار دهد تا با طراحی استراتژی‌های مؤثر، از ظرفیت‌های گسترده رسانه‌های نوین برای تعمیق باور به مهدویت بهره‌برداری کنند و در مقابل، مخاطرات احتمالی این فضا را به حداقل رسانند. بی‌شک در دنیای امروز،

بی‌توجهی به رسانه‌ها به معنای واگذاری عرصه به جریان‌های معارض است؛ حال آن‌که با درک درست از سازوکارهای ارتباطی نوین، می‌توان از همین ابزارها برای تعمیق ایمان و آگاهی نسل آینده بهره گرفت.

در نهایت، با توجه به تغییرات سریع در عرصه فناوری‌های ارتباطی و تحولات اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن، ضرورت دارد مطالعاتی چون تحقیق حاضر با رویکردی به‌روز و ناظر به واقعیت‌های جاری انجام گیرد تا بتواند تصویری روشن از وضعیت موجود ترسیم نموده و مسیرهای بهینه برای ارتقای وضعیت باور دینی نوجوانان در عصر رسانه را پیشنهاد دهد.

پیشینه پژوهش

باور به مهدویت یکی از ارکان بنیادین اعتقادی در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه مذهب شیعه، به‌شمار می‌رود که در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی نقش مؤثری دارد. در دوران معاصر، رسانه‌های نوین به یکی از تأثیرگذارترین عوامل در تبیین، تحریف یا تقویت مفاهیم دینی، از جمله آموزه مهدویت، تبدیل شده‌اند (زائری و موسوی گیلانی، ۱۴۰۳).

مطالعات مختلفی بر این نکته تأکید دارند که رسانه‌ها، به‌عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه‌پذیری، توانایی ترویج یا تضعیف باورهای دینی را دارند. برای مثال، ملکی‌راد در پژوهشی با محوریت فرایند جامعه‌پذیری مهدوی، نقش رسانه را در انتقال مفاهیم دینی به نسل جدید برجسته می‌داند (ملکی‌راد، ۱۳۹۵: ۲۹). در همین راستا، مصطفوی با تحلیل فیلم «تل‌ماسه ۲» نشان می‌دهد که چگونه برخی از تولیدات سینمایی غربی به تحریف و تهدید آموزه‌های مهدوی می‌پردازند (مصطفوی، ۱۴۰۳: ۸۳).

پژوهش‌های دیگری نیز، مانند مطالعه کریمی و باصری و عمرانی چهاربرج و شهباززاده، نشان داده‌اند که سینمای هالیوود با استفاده از عملیات روانی و فضاسازی‌های آخرالزمانی، مفاهیم منجی‌گرایی اسلامی را با الگوهای تحریف‌شده جایگزین می‌کند (کریمی و باصری، ۱۳۹۵: ۱۱۲؛ عمرانی چهاربرج و شهباززاده، ۱۴۰۲: ۱۱۴). در همین راستا، شیخعلی‌پور و بذرکار نیز معتقدند که این رسانه‌ها با مشروعیت‌بخشی به منجی‌های ساختگی، سعی در تضعیف باور به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند.

(شیخعلی پور و بذرکار، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها به جنبه‌های مثبت رسانه‌های نوین در ترویج گفتمان دینی پرداخته‌اند. برای نمونه، محسن‌زاده بر ظرفیت آموزش مجازی در ارتقاء مفاهیم دینی تأکید دارد (محسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۲)، در حالی که رضی‌نژاد و همکاران نقش شبکه‌های اجتماعی در تقویت هویت دینی نوجوانان را مؤثر ارزیابی کرده‌اند (رضی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۷). همچنین محسن‌زاده و همکاران در بررسی مراسم اربعین، نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام می‌توانند به افزایش باورپذیری مذهبی جوانان کمک کنند (محسن‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

با این حال، مطالعاتی مانند پژوهش رنجبر مدیسه و ساروخانی هشدار می‌دهند که مصرف بی‌رویه رسانه‌های نوین ممکن است منجر به تضعیف ارزش‌های سنتی و دینی، از جمله مهدویت شود (رنجبر مدیسه و ساروخانی، ۱۴۰۲).

در مجموع، پیشینه موجود نشان می‌دهد که رسانه‌های نوین، نقش دوگانه‌ای در ترویج یا تضعیف باور به مهدویت دارند. از یک سو، این رسانه‌ها می‌توانند با تولید محتوای مناسب و هدفمند، زمینه‌ساز تقویت باورهای دینی در نوجوانان شوند و از سوی دیگر، بدون هدایت و آموزش دینی کافی، بستر را برای تحریف، تردید و گسست از آموزه‌های مهدوی فراهم آورند. این واقعیت، ضرورت پژوهش‌هایی را که به تحلیل دقیق‌تر تأثیر رسانه‌های نوین بر باور به مهدویت در نسل نوجوان می‌پردازند، دوچندان می‌کند.

ظرفیت‌های رسانه‌های نوین در ترویج مفاهیم مهدوی

در عصر حاضر، رسانه‌های نوین به‌ویژه فضای مجازی، به ابزارهای قدرتمندی برای انتقال مفاهیم دینی و مهدوی تبدیل شده‌اند. این رسانه‌ها با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی مانند دسترسی گسترده، تعامل‌پذیری، جذابیت‌های بصری و قابلیت تولید محتوای متنوع، می‌توانند نقش مؤثری در ترویج فرهنگ انتظار و باور به مهدویت ایفا کنند.

رسانه‌های نوین امکان دسترسی آسان و سریع به اطلاعات را برای مخاطبان فراهم می‌کنند. این ویژگی به‌ویژه برای نسل جوان که بیشترین استفاده را از فضای مجازی دارند، فرصت مناسبی برای آشنایی با مفاهیم مهدوی فراهم می‌آورد. علاوه بر این، قابلیت تعامل‌پذیری این رسانه‌ها، زمینه گفت‌وگوی دوسویه بین تولیدکنندگان محتوا و

مخاطبان را مهیا می‌سازد (اسدی کرم، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۵).

امکانات فنی رسانه‌های نوین، امکان تولید انواع محتوا از جمله متن، تصویر، صوت و ویدئو را فراهم می‌کند. این تنوع در ارائه محتوا، می‌تواند مفاهیم عمیق مهدوی را به زبان ساده و قابل فهم برای مخاطبان، به ویژه نوجوانان و جوانان، منتقل کند.

با توجه به گسترش شبهه افکنی‌ها و تحریفات در فضای مجازی، رسانه‌های نوین می‌توانند با ارائه محتوای مستند و علمی، به رفع ابهامات و تقویت باورهای دینی کمک کنند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مختلف برای پاسخگویی به سؤالات و شبهات، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند.

رسانه‌های نوین امکان ایجاد شبکه‌های مردمی برای ترویج مفاهیم مهدوی را فراهم می‌کنند. این شبکه‌ها می‌توانند با سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی، نقش مؤثری در گسترش فرهنگ انتظار ایفا کنند.

فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی^۱ و اپلیکیشن‌های تلفن همراه، ابزارهای مؤثری برای آموزش مفاهیم مهدوی به صورت تعاملی و جذاب هستند. استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند تجربه یادگیری را برای مخاطبان بهبود بخشد و مفاهیم مهدوی را به صورت ملموس‌تری ارائه دهد.

در مجموع، بهره‌برداری هوشمندانه و هدفمند از ظرفیت‌های رسانه‌های نوین، می‌تواند نقش بسزایی در ترویج مفاهیم مهدوی و تقویت فرهنگ انتظار در جامعه ایفا کند. این امر مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، تولید محتوای مناسب و استفاده از فناوری‌های نوین در راستای اهداف دینی و فرهنگی است.

تهدیدات موجود در فضای رسانه‌ای

در عصر حاضر، فضای رسانه‌ای به ویژه فضای مجازی، به ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم دینی و مهدوی تبدیل شده است. این فضا با ویژگی‌هایی مانند دسترسی آسان، تعامل پذیری و گستردگی، می‌تواند نقش مؤثری در ترویج باورهای دینی ایفا کند (صالحی و برادران کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۳۵). با این حال، این فضا تهدیداتی جدی برای باورهای مهدوی ایجاد کرده است که نیازمند توجه و واکنش مناسب است. در ادامه، به برخی از

1. Virtual Reality

این تهدیدات می‌پردازیم:

ترویج شبهات و تحریفات: یکی از مهم‌ترین تهدیدات فضای رسانه‌ای، انتشار گسترده‌ی شبهات و تحریفات درباره‌ی مهدویت است. برخی رسانه‌ها با استفاده از تکنیک‌های روانی، محتوایی را تولید و منتشر می‌کنند که مخاطب را نسبت به آموزه‌های مهدوی دچار شک و تردید می‌سازد. به عنوان نمونه، ابراهیمی (۱۴۰۰) به گسترش شبهه‌افکنی پیرامون مهدویت در فضای مجازی اشاره می‌کند که عمدتاً در قالب ویدئوها و مقالات بی‌منبع عرضه می‌شود.

معرفی منجی‌های دروغین: برخی تولیدات رسانه‌ای با ساخت شخصیت‌هایی خیالی یا واقعی در نقش منجی، سعی در جایگزینی تصویر اصیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند. برای مثال، مصطفوی (۱۴۰۳) در تحلیل فیلم تل‌ماسه ۲ نشان می‌دهد که شخصیت اصلی فیلم با نشانه‌هایی از منجی‌گرایی شیعی طراحی شده، اما با روایت‌هایی تحریف‌شده و تهدیدآمیز همراه است.

ترویج فرهنگ انتظار منفی: رسانه‌هایی همچون سینمای هالیوود با نمایش آینده‌ای تاریک و پرازهرج و مرج، تلاش می‌کنند تا فرهنگ انتظار را ناامیدکننده و ترس‌آور نشان دهند. کریمی و باصری (۱۳۹۵) با تحلیل فیلم‌هایی چون آواتار نشان داده‌اند که چگونه آینده بشر در این آثار با منجی‌ای غیرالهی و به رهبری قدرت‌های جهانی نجات می‌یابد، در حالی که مفاهیم مهدوی تضعیف یا تحریف می‌شوند.

بی‌توجهی به آموزه‌های اصیل مهدوی: در بسیاری از رسانه‌های عام و غیرتخصصی، مفاهیم مهدوی به صورت سطحی و غیرعلمی بیان می‌شوند. رضی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) تأکید می‌کنند که بهره‌گیری هدفمند از رسانه‌ها برای ارائه درست این آموزه‌ها ضروری است؛ در غیر این صورت، ذهن مخاطبان نسبت به عمق مفاهیم دینی دچار بدفهمی می‌شود.

استفاده از تکنیک‌های روانی برای جذب مخاطب: برخی رسانه‌ها برای جلب توجه بیشتر، از تحریک احساسات، تصاویر احساسی و تیتراهای اغواگر استفاده می‌کنند که ممکن است به تحریف واقعیت منجر شود. این روش‌ها بدون تکیه بر منابع معتبر، تنها برای ایجاد واکنش هیجانی مخاطب به کار می‌روند و مسیر فهم دقیق آموزه‌های دینی را منحرف می‌سازند.

گمنامی و بی‌سروسامانی منابع: انتشار محتوا بدون نام، مرجع یا اعتبار علمی مشخص، یکی از مشکلات اصلی فضای مجازی است. بسیاری از اطلاعات نادرست درباره مهدویت، در قالب صفحات ناشناس در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند که مخاطب را در مواجهه با آن‌ها دچار سردرگمی می‌کند (محسن‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱).
نبود نظارت و مدیریت مؤثر: در فضای مجازی، امکان کنترل و نظارت بر حجم گسترده اطلاعات بسیار محدود است. این وضعیت باعث انتشار آزادانه مطالب تحریف‌آمیز و گمراه‌کننده شده و نبود سازوکارهای نظارتی، آسیب‌پذیری مخاطب را افزایش می‌دهد.

راهکارها و اقدامات

در دنیای معاصر، رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، به ابزارهایی قدرتمند برای انتقال پیام‌ها و تأثیرگذاری بر ذهن و رفتار نوجوانان تبدیل شده‌اند. نوجوانی به‌عنوان مرحله‌ای که در آن رشد فکری و هویتی انسان شکل می‌گیرد، دوران حساسی برای پذیرش یا رد مفاهیم دینی و اعتقادی محسوب می‌شود. بر این اساس ارائه محتوای دینی تحریف‌شده یا ارائه نامناسب معارف دین از جمله مهدویت، آسیب‌زا خواهد بود. این بخش بررسی راهکارهای مؤثر برای کاهش آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر تهدیدات ناشی از ارائه محتوای نامناسب و تحریف‌شده در حوزه مهدویت و در بستر فضای رسانه‌ای را برعهده دارد.

۱. افزایش سواد رسانه‌ای به‌عنوان نخستین خط دفاعی

یکی از مؤثرترین ابزارهای مقابله با آثار منفی و تحریف‌شده محتوای مهدوی، افزایش سواد رسانه‌ای نوجوانان است. نوجوانانی که دارای دانش و مهارت تحلیل رسانه‌ای هستند، می‌توانند پیام‌های دریافتی را از نظر صحت، نیت، و منبع ارزیابی کنند و در دام شبهات، تحریف‌ها و القائات پنهان قرار نگیرند. سواد رسانه‌ای نه فقط در شناسایی محتوای سالم بلکه در انتخاب منابع معتبر دینی نقش کلیدی ایفا می‌کند. آموزش این مهارت باید از طریق نظام آموزشی رسمی، رسانه‌های آموزشی و خانواده‌ها تقویت شود (رحمانی، ۱۴۰۲: ۳۲).

نخستین گام در این مسیر، طراحی آموزش‌هایی است که در آن سواد رسانه‌ای با آموزه‌های دینی به صورت تلفیقی ارائه شود. مدارس می‌توانند از طریق برنامه‌های مکمل

آموزشی، کارگاه‌های عملی یا فعالیت‌های فوق برنامه به نوجوانان بیاموزند که چگونه محتوای دینی، به ویژه مفاهیم مهدوی، را در رسانه‌ها تحلیل کنند، منابع معتبر را شناسایی نمایند و در برابر شبهات و مطالب نادرست موضع آگاهانه و علمی اتخاذ کنند. به کارگیری نمونه‌های واقعی از محتوای دینی رسانه‌ها و مفاهیم مهدویت در این آموزش‌ها، به نوجوانان کمک می‌کند تا این مهارت‌ها را در موقعیت‌های واقعی زندگی به کار گیرند و صرفاً با آموزش‌های نظری مواجه نباشند.

۲. توجه ویژه به نقش خانواده و مربیان

خانواده‌ها و معلمان، نخستین مرجع تربیتی نوجوانان اند و نقش بسزایی در جهت دهی به نوع مواجهه آن‌ها با مفاهیم دینی، به ویژه مهدویت، دارند. نوجوانانی که در محیط خانوادگی یا آموزشی با مفاهیم مهدوی آشنا شده‌اند، در برابر محتوای متضاد رسانه‌ای کمتر تردید و بحران هویت می‌شوند. گفت‌وگوی مستمر، پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی نوجوانان، و معرفی منابع اصیل می‌تواند به شکل‌گیری یک پایه ایمانی قوی منجر شود. خانواده‌ها باید ضمن تقویت بعد عاطفی ارتباط، با ابزارهای روز رسانه‌ای نیز آشنا باشند تا بتوانند هم‌زبانی مؤثری با نوجوانان برقرار کنند (رنجبر، ۱۳۹۸: ۹۰).

۳. تولید محتوای جذاب، متنوع و خلاقانه

یکی از ضعف‌های اساسی در ارائه مفاهیم مهدوی، فقدان محتوای متناسب با ذائقه و زبان نسل جوان است. در حالی که دشمنان اعتقادی با بهره‌گیری از روش‌های جذاب تصویری و بیانی به تضعیف باورهای دینی می‌پردازند، تولید محتوای مهدوی هم‌چنان در بسیاری موارد محدود به قالب‌های سنتی باقی مانده است. بهره‌گیری از ابزارهایی چون انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای، داستان‌های تعاملی، پادکست‌های جذاب، فیلم‌های کوتاه، و حتی رمان‌های نوجوان‌پسند می‌تواند این خلأ را تا حد زیادی جبران کند. نوجوانان امروزی، بیش از هر قالبی، با تصاویر، ویدئوها، بازی‌های تعاملی، داستان‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی درگیرند؛ بنابراین، پیام‌های دینی نیز باید در قالب‌هایی بدیع، خلاقانه و هنرمندانه به آنان منتقل شود. استفاده از زبان هنر، روایت‌های داستانی جذاب، شخصیت‌های الهام‌بخش، انیمیشن‌ها، پادکست‌ها و

تولیدات چندرسانه‌ای، می‌تواند محتوای مهدوی را از حالت انتزاعی خارج کرده و آن را برای نوجوان ملموس، قابل درک و پذیرفتنی سازد. نمونه‌هایی مانند کتاب پرسش و پاسخ مهدوی یا تولید انیمیشن‌های کوتاه با محتوای روایی و حدیثی، گام‌هایی اولیه در این مسیر محسوب می‌شوند اما نیاز به گسترش جدی دارند.

۴. پرورش قدرت تحلیل و نقد رسانه‌ای

امروزه بخشی از محتوای منتشرشده در فضای مجازی، هدفمند و جهت‌دار برای ایجاد تردید در باورهای مهدوی منتشر می‌شود. این محتواها گاه در قالب طنز، گاه با استنادهای ناقص یا شبه‌علمی، سعی در تضعیف اعتقادات نوجوانان دارند. مقابله با این تهدیدات، صرفاً با سانسور یا هشدار ممکن نیست؛ بلکه باید قدرت تحلیل، نقد و واکاوی محتوای رسانه‌ای در نوجوانان تقویت شود. آموزش‌های تفکر انتقادی، منطق رسانه‌ای، روش‌شناسی اعتبارسنجی منابع و تبیین انگیزه‌های پشت پرده تولید محتوا، نوجوانان را به افرادی مقاوم، تحلیل‌گر و مسئول در فضای مجازی تبدیل می‌کند.

۵. افزایش ارتباطات گروهی و تعاملات هم‌سو

تشکیل و حمایت از گروه‌های مجازی یا حقیقی با محوریت مفاهیم مهدوی، بستری امن برای تقویت هویت دینی نوجوانان فراهم می‌سازد. این فضاها می‌توانند زمینه‌ساز تبادل نظر، دریافت پاسخ‌های مستند و عمیق، و تجربه مشارکتی مفاهیم مهدوی باشند. گروه‌های مسجدی، انجمن‌های دانش‌آموزی، حلقه‌های معرفتی، یا حتی کانال‌ها و انجمن‌های آنلاین سالم می‌توانند نوجوان را از انزوای فکری رهایی بخشند و حس تعلق و اعتماد به نفس در او تقویت کنند.

۶. نقش آفرینی موثر نهادهای فرهنگی و دینی

نهادهای رسمی فرهنگی و دینی باید در برابر تولیدات محتوایی مهدویت‌ستیز، موضع فعال، هوشمندانه و دقیق اتخاذ کنند. این نهادها موظف‌اند نه تنها محتوای صحیح و جذاب ارائه دهند، بلکه به صورت شفاف و علمی به شبهات و سؤالات نوجوانان پاسخ دهند. تولید سریال‌ها، مستندهای نوجوانانه، مسابقات رسانه‌ای و آموزش‌های چندرسانه‌ای می‌تواند ابزاری مؤثر در این مسیر باشد. در این راستا، همکاری حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی و فعالان عرصه رسانه ضروری است.

با اجرای این راهکارها به صورت هماهنگ و نظام‌مند، می‌توان انتظار داشت که نوجوانان جامعه، با بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای دینی، نه تنها در مواجهه با محتوای رسانه‌ای مخرب مقاومت کنند، بلکه خود به تولیدکنندگانی پویا در عرصه ترویج معارف دینی، به‌ویژه فرهنگ انتظار و مهدویت، تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری

در دنیای معاصر، با گسترش پرشتاب فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های نوین، نوجوانان بیش از هر زمان دیگری در معرض انواع پیام‌ها و محتواهای متنوع قرار دارند. رسانه‌ها به‌ویژه فضای مجازی نه تنها به یک ابزار سرگرمی بلکه به منبع اصلی اطلاع‌رسانی، شکل‌دهی به هویت و مرجع فکری نسل نوجوان تبدیل شده‌اند. در این میان، حوزه دین و به‌ویژه مباحث مرتبط با مهدویت، از جمله موضوعاتی است که در بستر رسانه‌های اجتماعی و دیجیتال، با رویکردهای گوناگون و گاه متعارض بازنمایی می‌شود. در چنین شرایطی، ضرورت ارتقاء سواد رسانه‌ای دینی نوجوانان، به‌عنوان عاملی کلیدی برای هدایت درست آنان در این فضا، بیش از پیش احساس می‌شود. این امر نه تنها یک نیاز تربیتی محسوب می‌شود، بلکه ضرورتی راهبردی در مسیر حفظ و تقویت هویت دینی و معنوی نسل آینده است.

نوجوانان نیازمند تربیتی همه‌جانبه و عمیق هستند. از مهم‌ترین راهکارهای تحقق این هدف، طراحی و اجرای آموزش‌های هدفمند سواد رسانه‌ای با تأکید بر مضامین دینی و مهدوی در چارچوب نظام آموزشی است. این آموزش‌ها باید به نوجوانان کمک کند تا مهارت‌هایی چون تحلیل انتقادی، تشخیص منابع معتبر از جعلی، تفکر مستقل، درک زمینه‌های پیام و درک سوگیری‌های رسانه‌ای را کسب کنند. از سوی دیگر، نقش خانواده‌ها در ایجاد فضایی امن، آرام و گفت‌وگومحور برای صحبت درباره مسائل دینی و مباحث مرتبط با مهدویت در رسانه‌ها بسیار حائز اهمیت است. والدینی که خود به اصول سواد رسانه‌ای و باورهای دینی مجهز باشند، می‌توانند راهنمایی قابل اعتماد برای فرزندان خود در این مسیر باشند.

افزون بر آن، تولید محتوای جذاب، متنوع و منطبق با نیازهای شناختی و روانی نسل نوجوان، یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی است.

همچنین، ترویج تعاملات گروهی در محیط‌های واقعی یا مجازی با محوریت مهدویت، فرصتی برای تعمیق باورهای مهدوی و تمرین مهارت‌های ارتباطی سالم در نوجوانان فراهم می‌آورد. عضویت در گروه‌های فکری، انجمن‌های فرهنگی یا پلتفرم‌های تولید محتوای جمعی، نوجوانان را از وضعیت انفعال خارج کرده و آنان را به کنشگرانی فعال، مؤثر و مؤمن در عرصه رسانه تبدیل می‌کند.

در نهایت، باید تأکید کرد که ارتقاء سواد رسانه‌ای دینی نوجوانان، یک فرآیند تدریجی، پیوسته و بین‌رشته‌ای است که نیازمند نگاهی جامع‌نگر، رویکردی مشارکتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی، فناوری و هنری کشور است. در این میان، باور به مهدویت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارکان هویت دینی در فرهنگ اسلامی-شیعی، نیازمند توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌های تربیتی و رسانه‌ای است. تقویت آموزه‌های مهدوی در قالب‌های متناسب با نیازها و علایق نوجوانان، می‌تواند نقش مؤثری در معنابخشی به زندگی آنان، ایجاد امید به آینده‌ای روشن و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایفا کند. تحقق این مهم، تضمین‌کننده تربیت نسلی است که با هویتی استوار، ذهنی پرسشگر، دلی امیدوار و ایمانی آگاه، در برابر چالش‌های رسانه‌ای عصر جدید ایستادگی می‌کند و در مسیر رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی خود گام‌های مؤثر و پایداری برمی‌دارد؛ نسلی که نه تنها در برابر تضعیف باورهای دینی آسیب‌پذیر نیست، بلکه خود به مروج و پاسدار فرهنگ مهدوی در بستر رسانه‌های نوین بدل می‌گردد.

منابع

- ابراهیمی، مصطفی. (۱۴۰۰). راهکارهای مقابله با شبهه‌افکنی فضای مجازی در آموزه مهدویت. مطالعات مهدوی. ۱۲(۵۲). ۶۴-۴۱.
- اسدی کرم، آذر. (۱۳۹۶). چگونگی گفت‌وگو درباره مهدویت در رسانه‌های جدید. عصر آدینه. ۱۰(۲۳). ۵۰-۲۹.
- رحمانی، نیره. (۱۴۰۲). نقش سواد رسانه‌ای و الگوی والد-فرزندی در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۴)، ۴۴-۲۵.
- رضی‌نژاد، سیدمحمد و همکاران. (۱۴۰۱). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در

ترویج گفتمان دینی در میان نوجوانان. هفتمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام، تهران.

- رنجبر، عشرت. (۱۳۹۸). روش‌های جذب جوانان. پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، (۱)۱، ۸۹-۱۰۵.

- رنجبر مدیسه، معصومه و ساروخانی، باقر. (۱۴۰۱). تاثیر مصرف رسانه‌های جمعی جدید بر ارزش‌های نسلی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۲ ساله شهر تهران). مطالعات راهبردی ارتباطات، ۲(۴)، ۸۱-۹۴. doi: 10.22034/rcc.2023.1995793.1061

- زائری، مسعود و موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۴۰۳). سینمای ملی و انتقال معارف مهدوی، ضعف‌ها و تهدیدها، فرصت‌ها و قوت‌ها. عصر آدینه، ۱۷(۳۹)، ۳۲-۵۰.

- شعاعی، محمدحسین. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و کنشگری فعال دینی در عرصه مجازی (مطالعه موردی: طلاب علوم دینی). دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق / نامه صادق)، ۲۸ (ویژه‌نامه اول؛ دین، رسانه و سواد رسانه‌ای)، ۲۴۸-۲۲۶.

- شیخعلی‌پور، نرگس، و بذرکار، مهدی. (۱۴۰۳). نقش فیلم‌های هالیوودی در مشروعیت‌بخشی به تفکر منجی‌ستیزی. فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۱۶(۳۲)، ۱۰۷-۱۲۳.

- صالحی، اکبر و برادران کرمانی، مریم. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه نقش اینترنت بر باورهای دینی جوانان. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۲(۴۳)، ۲۱۳-۲۴۱. doi: 10.22081/jare.2017.44908.

- عمرانی چهاربرج، محمد مهدی و شهباززاده، سجاد. (۱۴۰۲). هالیوود و جهت گیری رسانه ای علیه منجی گرایی. عصر آدینه، ۱۶ (۳۸)، ۱۰۱-۱۱۷.
- کریمی، معصومه، و باصری، احمد. (۱۳۹۴). رهیافت های عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت ستیزی. دوفصلنامه علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ۵ (۱۲)، ۹۵-۱۱۵.
- محسن زاده، محمد جواد. (۱۳۹۶). آسیب شناسی و ارائه راهکارهای ارتقای آموزش های دینی در فضای مجازی. International Multidisciplinary Journal of Pure Life، ۱۰ (۴)، ۱۰۲-۱۲۳.
- محسن زاده، محمد جواد و همکاران. (۱۴۰۱). نقش شبکه های اجتماعی در تقویت باورپذیری مذهبی جوانان نسبت به مراسم اربعین. فصلنامه فرهنگ زیارت، ۱۳ (۵۲)، ۱۶۲-۱۳۵.
- مصطفوی، اسدالله. (۱۴۰۳). گذار هالیوود از پردازش غیرمستقیم به رویارویی با آموزه مهدویت شیعی (بررسی موردی: فیلم «تل ماسه ۲»). عصر آدینه، ۱۷ (۴۰)، ۹۸-۱۱۶.
- معتمدی، بشیر. (۱۴۰۰). دین در فضای مجازی: از کارکردهای رسانه زمینه ساز ظهور تا زمینه سازی برای جهانی شدن دین. عصر آدینه، ۱۴ (۳۳)، ۱۲۸-۱۰۳.
- ملکی راد، محمود. (۱۳۹۵). چگونگی جامعه پذیری مهدویت. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴ (۲)، ۳۲-۶.
- وفایی، اعظم. (۱۴۰۲). اخلاق انتظار در خانواده دینی. دوفصلنامه موعودپژوهی، ۴ (۸)، ۲۴-۹.

A comparative analysis of the semantic components of "Tarqqob" in the Holy Quran with the focus on the idea of waiting

Dr. Rahman Oshrieh ¹
Amir Hossein Oshrieh ²

Abstract

Modern semantics has made available to scholars the methodological paths for explaining the most minute subtleties and nuances hidden in verses and narrations that were previously neglected. This descriptive and analytical study has conducted a comparative study of the words related to the concept of "waiting" in the Holy Quran, relying on the idea of waiting to infer the semantic components of these words. This method will play an effective role in a more accurate understanding of the semantic subtleties of the words. This analysis helps to identify suitable substitutes for "waiting" in Quranic texts and thus provide a better understanding of the meanings of the Quranic verses. On this basis, words that share the concept of waiting have been subjected to semantic exploration and have been evaluated and analyzed comparatively, focusing on words such as: "waiting", "waiting", "waiting", and "patience". The research data indicate that "waiting" in the description of the Imam Zaman (PBUH.) indicates the initial events of his movement, in which the Imam awaits great events and is concerned about the developments that are about to occur, and in the description of those who wait, waiting indicates a great thing that is accompanied by alertness and wisdom, not for minor needs.

Keywords: Waiting, comparative analysis, semantic components, the idea of waiting

1. Associate Professor, University of Holy Quran Sciences and Knowledge, Qom, Iran(Corresponding Author)(oshryeh@quran.ac.ir)
2. Level 4 scholar at Qom Seminary, Qom, Iran(hhosin142@gmail.com)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

تحلیل مقایسه‌ای مؤلفه‌های معنایی «تَرْقُب» در قرآن کریم با محوریت اندیشه انتظار*

رحمان عشریه^۱

امیرحسین عشریه^۲

چکیده

معناشناسی نوین مسیرهای روشمندی را برای تبیین جزئی‌ترین ظرائف و دقایق نهفته در آیات و روایات که پیش‌تر مورد غفلت بوده در دسترس اندیشمندان قرار داده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مقایسه‌ای واژگان مرتبط با مفهوم «تَرْقُب» در قرآن کریم پرداخته است که با تکیه بر اندیشه انتظار به استنباط مؤلفه‌های معنایی این واژگان توجه نموده است و این روش در فهم دقیق‌تر ظرافت‌های معنایی واژگان، نقش مؤثری خواهد داشت. این تحلیل کمک می‌کند تا جانشین‌های مناسب «تَرْقُب» در متون قرآنی شناسایی شوند و بدین ترتیب، درک بهتری از معانی آیات قرآن فراهم آید. براین پایه واژگان دارای اشتراک با مفهوم انتظار مورد کنکاش معنایی قرار گرفته و با محوریت واژگانی همچون: «انتظار»، «تَرْبُص»، «تَرْصَد»، و «صَبْر» مورد ارزیابی و تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفته‌اند. داده‌های پژوهش حاکی از آن است که «تَرْقُب» در وصف امام عصر عجل الله تعالی فرجه نشان از حوادث آغازین نهضت ایشان دارد که حضرت انتظار وقایع عظیم را می‌کشند و بر تحولاتی که بناست رخ بدهند نگران‌اند و اما در وصف منتظران، انتظار به مثابه امری عظیم که همراه با هوشیاری و خردمندی است نه برای حوائج جزئی، دلالت دارد.

واژگان کلیدی

تَرْقُب، تحلیل مقایسه‌ای، مؤلفه‌های معنایی، اندیشه انتظار.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) (oshryeh@quran.ac.ir).

۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران (hhosin142@gmail.com).

یکی از کلیدی‌ترین نکات برای دستیابی به معارف مذهبی از منابع دینی توجه به ظرائف و دقائقی است که در واژگان قرآنی و روایی نهفته است. با شناخت کامل و همه‌جانبه از واژگانی به کار رفته در عبارات می‌توان با دقت و توجه بیشتری نسبت به محتوای معارفی متون سخن گفت. کلمات ترقّب و ارتقاب از کلیدواژه‌ی قابل توجه در معارف مهدویت هستند. استفاده از این واژگان در توصیف حال امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا در ذکر حالات منتظران و عدم استفاده از سایر واژگان مترادف یا همسو باعث می‌شود که برای شناخت کامل از آنچه حضرت و مومنین بدان وصف شده‌اند احساس نیاز به بررسی‌های نوین و روشمند در این زمینه احساس شود. به خصوص آن‌که با توجه به جستجوی نگارنده در این زمینه، بررسی‌های علمی کمتری به چشم می‌خورد. با این اوصاف می‌توان گفت که بررسی معناشناختی واژگان ترقّب و ارتقاب برای دسترسی کامل‌تر به محتوای روایات این باب مدنظر نگارنده قرار گرفته است. در این جهت با عنایت بر این‌که واژگان مذکور از کلمات قرآنی هستند و با توجه به آیات همسو با واژگان مورد نظر مانند: «وَ اتَّقُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳). شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم! و روایات نیز با بهره‌گیری از آیات از این واژگان بهره‌برده‌اند، سعی می‌شود با کشف روابط مفهومی این کلمات در نظام واژگانی قرآن کریم به بررسی معناشناختی واژه‌های «ترقب» پرداخته شود.

واژه‌شناسی

در این بخش واژه «مؤلفه‌های معنایی» مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مؤلفه‌های معنایی

در معناشناسی هر واژه‌ای این نکته قابل توجه است که آن کلمه با یک سری از واژه‌ها دارای روابط مفهومی‌اند و در یک سری از عناصر معنایی مشترک هستند و در بعضی از آنها نیز متمایز هستند، برای بررسی روابط مفهومی می‌توان از روش فهم مؤلفه‌های مفهومی بهره‌برد (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۸۰). دانشمندان زبان‌شناسی برای بررسی عمیق‌تر واژه‌ها، اجزای معنایی آنها را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنند. هر کدام از این بخش‌ها، جنبه‌های خاصی از معنای یک واژه را در ارتباط با ساختار زبانی آن آشکار

می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۷: ۷۸). در واقع، این اجزای معنایی، مجموعه‌ای از خصوصیات هستند که مفهوم یک واژه را شکل می‌دهند و به بیان دقیق روابط معنایی بین کلمات در یک جمله و همچنین روابط مفهومی در سطح واژه‌ها کمک می‌کنند (پالمر، ۱۳۴۶: ۱۴۷). از این اجزای معنایی، مفهوم کلی‌تر و جامع‌تری از یک واژه به دست می‌آید. استخراج این اجزا، یکی از اهداف اصلی در تحلیل معنایی است و می‌توان آنها را از متن یا از زمینه و موقعیت آن به دست آورد (پالمر، ۱۳۴۶: ۱۵۳). در این پژوهش با ارائه یک نگاه کلی از حوزه معنایی واژه‌ی ترقب و سپس بررسی بعضی از واژگانی که در شناخت مؤلفه‌های معنایی آن می‌تواند تأثیرگذار باشند در جهت شناخت معنای این واژه به اهداف مدنظر دستیابی شود.

تحلیل مقایسه‌ای واژگان

در این بخش مشتقات واژه «تَرْقُب» مورد ارزیابی و تحلیل مقایسه‌ای قرار می‌گیرد.

تَرْقُب

هدف اصلی نوشته‌ی مذکور دستیابی به مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری معنای واژه‌های ترقب و ارتقاب نقش دارند تا بتوان این رهگذر به تفسیر دقیق‌تری از عبارات مربوط به توصیف انتظار دست یافت. از این رو با توجه به این که روایات باب انتظار رویکردی به این دست از آیات داشته‌اند، لازم است پس از به دست آوردن نگاه لغت‌شناسانه به این واژه توجهی به کاربردهای قرآنی آن داشت و سپس به نقش آن در اندیشه انتظار پرداخت.

در لغت ریشه رقب و بعضی از دیگر ساخت‌های صرفی آن را با کلمه‌ی انتظار توضیح داده‌اند. ازهری «رقب الانسان» را به معنای «ینتظره» دانسته است (ازهری، ۱۴۲۱ق: ج ۹، ۱۱۲). برخی «ترقب الشیء» را توقع پدید آمدن آن شیء معنا نموده‌اند، با اینکه تعدادی از دانشمندان در آیه‌ی ۹۴ سوره‌ی طه «وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» را به مراعات کردن توضیح داده‌اند اما صاحب بن اسماعیل در توضیح این آیه از واژه‌ی انتظار استفاده نموده است (صاحب، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۴۰۷). برخی نیز آیه را مطابق با گفته‌ی صاحب بن اسماعیل معنا نموده‌اند. ابن منظور واژه‌ی‌های ارتقب و ترقب را نیز در معنای انتظار و توقع وقوع پدیده‌ها بیان می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۲۴). توضیحات سایر منابع

متأخر نیز از واژه‌ی رقب با همین بیانات واژگان صورت گرفته است. به عنوان مثال در اساس البلاغه اولین معنایی که برای این ریشه ذکر می‌گردد، انتظار و توقع چیزی را داشتن است (زمخشری، ۱۹۷۹م: ج ۱، ۲۴۴). برای تکمیل بخش معناشناسی لغوی این واژه باید توجه داشت که واژه‌ی رقب از واژگان پرکاربرد زبان عربی است و به دلیل ظرفیت معنایی بالا در جایگاه‌های مختلف و با معانی گوناگون اما نزدیک به یکدیگر به کار رفته است.

برخی از مشتقات این ریشه در معنای مراقبت و محافظت به کار رفته‌اند. به عنوان مثال جوهری واژه‌ی رقیب را هم به معنای منتظر گرفته است و هم به معنای محافظ (جوهری، ۱۳۷۶ق: ج ۱، ۱۳۷) دیگر معنایی که برای این واژه ذکر گردیده اشراف یافتن و علو مکانی است. در شاهد شعری «بِالْجِدِّ حَيْثُ ارْتَقَبْتُ مَعْرَاوَهُ» ارتقبت به معنای اُشْرِفْتُ معنا گردیده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۲۵). نکته‌ای که ابن فارس آن را به عنوان وجه مشترک معانی مذکور بیان می‌کند این است که واژه‌ی رقب اصل واحد مطردی است که معنای آن مراعات یک شیئی و جمع بودن حواس‌ها نسبت به آن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۴۲۷) با این وصف همه‌ی موارد مذکور از کاربردهایی است که با توجه به قرائن مختلف و نیازهای مقام مخاطب برای واژه ترقب یا ارتقاب مدنظر اهالی زبان قرار گرفته است. وجه مشترکی در نظر ابن فارس برای این کاربردهای مختلف به عنوان معنای لغوی پایه‌ای نسبت به این واژه ذکر می‌شود عبارت است از مراعات یک شیئی. کلام ابن فارس اگرچه به همراه استدلال‌ات و شواهدی که مدنظر گوینده بوده است بیان نشده اما می‌توان پس از توجه به کاربردهای مختلف این واژه آن را مبنایی کارشناسانه برای توضیح معنای لغوی این واژگان در نظر گرفت.

۱. اِرْتَقَاب

«اِرْتَقَاب» از «رَقَب» به معنای ایستادن برای مراعات و حفظ چیزی می‌باشد «رَقَب» و «اِرْتَقَب» به معنای انتظار است (ابن درید، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۶۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۱۰۶؛ مطرزی، بی‌تا: ۱۹۴؛ زمخشری، بی‌تا: ۱۷۲) و در رقیب به معنای حافظ و نگهبان نیز انتظار وجود دارد (طریحی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۷۲). چراکه رقیب در محلی که بر دیگران اشراف دارد، در انتظار نگهبانی است و برخی جمله «رَقَبْتُ الْفَجَرَ» را به معنای انتظار برای طلوع

فجر و «تَرْقُبُهُ» و «إِزْتَقَبُهُ» را به معنای انتظار دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۲). لازمه «انتظار» برای یک امر، تأخیر آن می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۱۶۸). به نظر برخی محققان «انتظار» به معنای ارتقاب از باب تقریب و تفسیر به لوازم است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۱۶۸) وی در جای دیگر می‌گوید انتظار، توقع حصول شیء و تَرْقُب انتظار حصول شیء از نزدیک است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۷۱).

۲. تَرْقُب در قرآن کریم

ریشه رقب ۲۳ سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. از این تعداد ۷ مرتبه در صیغه‌های مختلف ترقب و ارتقاب بوده است. اگر جستجو برای یافتن کاربردهای قرآنی واژگان مذکور از ابتدای قرآن شروع شود اولین مورد از استعمالات این واژگان در آیه: «وِإِزْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳). به چشم می‌خورد. در این آیه بیان می‌شود که قوم شعیب با ضعیف دانستن او و قبیله اش او را تهدید به رجم کردند. حضرت شعیب علیه السلام نیز در پاسخ به این تهدید می‌فرماید که با گذر زمان معلوم خواهد شد که چه کسی دچار عذاب خواهد شد. پس شما منتظر آن روز باشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۹، ۲۱۵). در این آیه برای انتظاری که همراه با تهدید طرف مقابل است از واژه‌ی ارتقاب استفاده شده است. واژه‌ی ترقب نیز در دو آیه‌ی سوره‌ی قصص برای وصف وضعیت حضرت موسی علیه السلام در دو صحنه‌ی مختلف به کار رفته است. یک مورد پس از قتل مرد قبطی و حالتی که ایشان از شب تا به صبح گذرانده و در مورد دیگر در هنگام خروج از شهر، در هر دو مورد واژه‌ی «یترقب» با کلمه‌ی «خائفا»؛ یعنی در حال ترس بودن قرین شده است. مفسرین در توضیح آیه گفته‌اند او مترصد بود که مبادا دستگیر شود (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۱۷۴). یا گفته‌اند که خوف آن داشت که مبادا کسانی که به دنبال او هستند به او دسترسی پیدا کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۲۶۸). با این اوصاف در نظر مفسرین نسبت به متعلق ترقب و انتظار اختلاف وجود دارد اما نقطه‌ی مشترک این است که در همه‌ی اینها انتظاری نسبت به یک شیء ناگوار مدنظر مفسرین بوده است. ابن عاشور حقیقت معنای ترقب را انتظار معرفی می‌کند اما آن را در این آیه استعاره از دوری کردن می‌داند. او در ادامه‌ی آیات، فقره‌ای را که دعای حضرت موسی علیه السلام را مبنی نجات از ظالمین نقل می‌کند، بدل اشمال از یترقب می‌داند. یعنی ترقب ایشان همراه با دعا و مناجات با

خدای متعال همراه بوده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۰، ۳۶). سخن ابن عاشور اگرچه متفاوت با برداشت‌های دیگر از آیه است اما به نظر می‌رسد وجه استعاره همان ناگواری چیزی است که ایشان توقع داشته‌اند و سبب شده که از جامعه دوری کنند.

واژه‌ی ارتقاب در دو آیه‌ی دیگر از آیات قرآن کریم نیز به کار رفته است. یک مورد از استعمالات مذکور در آیه: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخانٍ مُبِينٍ﴾ (دخان: ۱۰) که در حقیقت وعیدی است به عذاب الهی در روزی که آسمان را دودی غلیظ فراگیرد. در آیه گفته شده است که منتظر این روز باشید (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۸، ۲۰۷). در کاربرد دیگر در آیه‌ی ﴿فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾ (دخان: ۵۹) نیز در مقام اتمام حجت دستور به انتظار برای دیدن واقعیت‌ها تا زمان موعود داده شده است.

۳. تَرْقُبْ در روایات

از کاربردهای مختلف واژه‌ی تَرْقُبْ در منابع دینی استفاده از این واژه در بعضی از روایات باب انتظار و مهدویت است. این روایات را با توجه به محتوای آن می‌توان به چند دسته تقسیم نمود که توضیح آنها به طور مختصر در ادامه ذکر می‌گردد. یک دسته روایاتی است که در آن شباهت‌هایی میان امام عصر عجل الله تعالی فرجه و سایر انبیا ذکر می‌کند. وجه مشترک یکی از روایات این است که میان حضرت موسی علیه السلام این روایت میان حضرت موسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام بیان می‌دارد این است که آیه‌ی ﴿فخرج منها خائفا يترقب﴾ در مورد ایشان نیز مصداق پیدا می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸).

در روایتی دیگر که از کمال الدین نیز دیده می‌شود که در خطبه‌ی امیرالمومنین علیه السلام در مقام بیان بعضی از ویژگی‌های ولی خدا با تعبیر «مُكْتَتِمٌ مُتَرَقِّبٌ» یکی از حالاتی که برای ولی خدا پیش می‌آید ذکر می‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۹). دسته‌ی دیگر شامل روایت‌هایی است که در توصیف وضعیت منتظرین از واژه‌ی ترقب استفاده شده است و گاهی نیز این واژه به منتظران ولی خدا نسبت داده شده است. تعبیری چون «یترقبه اولیائک» در این باره قابل ذکر است. روایت اول دعای امیرالمومنین علیه السلام است که ایشان در این دعا برای توصیف ولی غایب خدا می‌گویند از تعبیر «یترقبه اولیائک» استفاده نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۳ق: ۵۳۰). البته به نظر می‌رسد آنچه

در این جا از کتاب *دلائل الامامه* نقل می‌شود با آنچه از ابن بابویه نقل گردید حاکی از یک قضیه‌ی واحدی است که با تعبیر متفاوت به کار رفته است. در روایتی دیگر که در کتاب *کمال الدین* نیز ذکر شده است، داستان حضرت هود علیه السلام و انتظار قوم نسبت به ایشان نقل می‌گردد. در این قضیه برای وصف وضعیت انتظار مردمان قوم هود تعبیر «یترقبون هودا» به کار رفته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۳۵). همان‌طور که اشاره شد، روایات با توجه به آیات قرآن کریم مانند تعبیر «خائفًا یترقب» که برای حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است، در مورد ایشان نیز ذکر کرده‌اند. با توجه به داده‌های معناشناختی باید گفت که این وصف مربوط به آغاز نهضت عظیم حضرت است که در عین هوشیاری و پیش بردن امور انقلاب بزرگ خود نگران و منتظر حوادث عظیم و ثمرات چشمگیر آن هستند. با توجه به نکات یادشده می‌توان این تعبیر و مثل آن را گویای این دانست که منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نه برای امور جزئی یا مشکلات فردی و انتقام از دشمن منتظر حضرت هستند بلکه به ظهور ایشان به مثابه امری عظیم در مقیاس وعده‌های بزرگ الهی توجه دارند.

انتظار

واژه‌ی انتظار و ساخت‌های مختلف آن در هفت آیه از آیات قرآن کریم استفاده شده است. از جمله: «وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ» (حجر: ۸) و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی‌شود؛ (و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می‌گردند)؛ «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ» (اعراف: ۱۴-۱۵) گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!». واژه‌ی انتظار در زبان فارسی نیز کاربرد فراوانی دارد و برای معنایی لا بشرط از همه‌ی معانی واژگانی که در این حوزه‌ی معنایی معرفی می‌شوند به کار می‌رود. از این رو در این پژوهش به عنوان یک واژه‌ی کلیدی و مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در معناشناسی لغوی این واژه‌ی که اولین قدم در شناخت معنای مراد از این واژه‌ی قرآنی است ابتدا باید اشاره نمود که این واژه از ریشه‌ی «ن ظ ر» و در وزن افتعال از ابواب ثلاثی مزید به کار رفته است. شاخص‌ترین معنایی که واژه‌ی نظر برای انتقال آن به کار رفته است معنای نگاه کردن است. همچنین این واژه با ساخت ثلاثی مجرد خود در

معنای انتظار کشیدن نیز به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۸۲). به این ترتیب در این بخش هم سخن از انتظار و هم نظر است. این اشتراک معنایی برای این دو واژه‌ی هم‌ریشه در تعداد قابل توجهی از کتب لغت قابل مشاهده است. فیومی نظرتُ الشیء را هم معنا با انتظارته دانسته و برای استعمال واژه‌ی نظر در این معنا به آیه‌ی «ما یُنظرون الا صیحه واحده» تمثیل نموده است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۶۱۲). تعبیر فیومی همانند عبارتی است که پیشتر از او در کتاب العین به کار رفته است و صرفاً تمثیل به آیه در عبارت خلیل وجود ندارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۱۵۶). ابن منظور نیز تصریح نموده است که واژگان مذکر معنای واحدی دارند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۶). در توضیحاتی که از کتب دانشمندان علم لغت نسبت به این واژگان به دست می‌آید به نظر می‌رسد که استعمال واژه‌های نظر و انتظار در این معنا فراغ از هر گونه تقیّدی است. گویا همان معنای مطلقی که از این مفهوم در زبان فارسی وجود دارد به وسیله‌ی این واژگان در زبان عربی منتقل می‌شود. بله از جهت ریشه‌شناختی می‌توان به سراغ نسبت میان مفهوم نگاه کردن، با مهلت دادن و انتظار کشیدن رفت و برای این معنایی که همه از ریشه نظر و با معنای نگاه کردن و دیدن است وجوه ارتباطی ذکر کرد؛ اما نکته‌ی قابل توجه این است که در شواهد معنایی و سخنان دانشمندان علم لغت تقیّد خاصی نسبت به این واژه و استعمالات آن دیده نمی‌شود. با این اوصاف در صورت استفاده‌ی متکلم یا گوینده از واژه‌ی انتظار به نظر می‌رسد که او قید یا نکته‌ای را در توصیف انتظار و شرایط آن یا آنچه مورد انتظار است اراده نکرده است. این در حالی است که واژه ترقب یا ارتقاب به تنهایی نیز مقیّد به توضیحی یا قیودی در نحوه‌ی انتظار یا آنچه مورد انتظار است دارد.

تربص

واژه‌ی تربص از ریشه‌ی ربص و در ساخت صرفی ثلاثی مزید به کار رفته است. نکته‌ی جالب توجه نسبت به این واژه کاربرد حداقلی ساخت ثلاثی مجرد آن در زبان عربی است. آنچه از استعمال این ریشه در دسترس است عمدتاً شامل شواهدی است که در آنها از واژه‌ی تربص استفاده شده است. واژه‌ی دیگری که از این ریشه در کتب لغت یاد شده است واژه‌ی «رُبَصَه» است. ابن سیده معنای این کلمه را «تلبث» یعنی ماندن و

متوقف شدن می‌داند (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ج ۸، ۳۱۸). در کتب لغت برای توضیح تربص از واژه‌ی انتظار استفاده کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۳۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۳۳۸). نکته‌ای که از شواهد استعمال این واژه به دست می‌آید این است که تربص برای انتظار چیزی که وقوع آن در نظر شخص منتظر بسیار محتمل و بلکه قطعی است. بیشتر شواهد قرآنی این واژه بر وجود این مؤلفه‌ی معنایی دلالت دارد. به عنوان مثال در آیه: «قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ» (طور: ۳۱) در نهایت جدال و بحث با دشمنان گفته می‌شود که شما منتظر هلاک ما باشید و ما هم منتظر هلاک شما هستیم (ابن ابی الجوامع، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۲۵۲). از این عبارات به نظر می‌رسد در این جایگاه بیان می‌شود که هر دو طرف نسبت به موضع خود و حقانیت جایگاهی که قرار گرفته‌اند استوارند و تنها سخنی که باقی ماند انتظار برای گذشت زمان و روشن شدن حقایق است. در واقع هر دو طرف آن واقعه‌ای را که یقینی می‌دانند و عبارت است از هلاکت و بیچارگی طرف مقابل انتظار می‌کشند. آیه‌ی دیگری که در این مقام می‌تواند مورد استناد قرار گیرد آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی توبه است. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» (توبه: ۵۲). در این آیه به دو خیر و نیکی که در جنگ‌ها حتماً یک مورد از آنها برای مؤمنین رخ می‌دهد اشاره می‌شود و بیان می‌گردد که یکی از دو خیر و خوبی در انتظار مومنین است. همچنین در همین آیه بیان می‌شود که برای لشکر کافران فقط عذاب الهی در انتظار است. در این آیه هم به روشنی معلوم است که واقعه‌ی مورد انتظار حتمی است و تنها گذر زمان لازم تا آنچه مورد انتظار است واقع گردد. با این توصیف می‌توان به نسبتی که میان اسم ثلاثی مجرد این ریشه‌ی «ربصه» و تربص وجود دارد پی برد. ربصه به معنای ماندن و توقف کردن است و تربص از همین ریشه به معنای منتظر بودن نسبت به چیزی که به طور حتم رخ می‌دهد است. وجه ارتباط این است که برای رخ دادن چنین چیزی تنها توقف کردن و ماندن در جای خود کافی است و نیاز به هیچ امر دیگری دارد. در همین راستا مثال دیگری که در استعمالات قرآنی وجود دارد انتظار کشیدن زنان مطلقه برای گذران دوران عده‌ی آنان است. در آیات قرآن کریم برای این امر نیز از واژه‌ی تربص استفاده شده است.

مشتقات واژه‌ی تَرْبُّصٌ ۱۷ مرتبه در قرآن کریم استفاده شده‌اند. در همه‌ی این موارد نیز

معانی یکسان یا بسیار مشابه از این واژه مدنظر بوده است. بالتبع مفسران به خصوص در تفاسیر ادبی و در بررسی های معناشناختی خود نسبت به این واژه ی قرآنی ابراز نظر نموده اند. از جمله ذیل آیه ی: ﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾ (بقره: ۲۲۶). تربص را توقف یا مکث معرفی کردند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۵۲۲؛ خزرجی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۴۵). گویا تربص نوعی از انتظار است که در آن راهی جزء توقف امور تا رسیدن انتهای زمان وجود ندارد. در آیه ی: ﴿وَتَرَبَّصْتُكُمْ وَاتَّبَعْتُكُمْ وَالْأَمَانِيُّ﴾ (حدید: ۱۴). واژه ی تربص در کنار واژگانی چون به فتنه انداختن و شک نمودن به عنوان برخی از اشتباهاتی که منافقین مرتکب شده اند معرفی شده است. همنشینی واژه ی تربص با این واژگان سبب شده است که کاربردی متفاوت از سایر کاربردهای قرآن نسبت به این واژه پدید آید؛ زیرا در همه ی موارد موضوعی که باید نسبت به آن توقف شود تا رخ دهد و حتی مدت این توقف معلوم است اما در مورد این آیه سوال می شود که آیا از اساس در همان معنای توقف به کار رفته است و اگر رفته است متعلق آن چیست؟ تلاش هایی نیز برای توضیح معنای واژه تربص در این آیه دیده می شود. بعضی این کاربرد از تربص را معنای به تأخیر انداختن توبه و تسویف دانسته اند (ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۴۴۹). با این وصف در نظر ایشان تربص در معنای امهال و تأخیر نیز کاربرد یافته است.

برخی متعلق تربص را مطابق به آنچه در آیه ی: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ﴾ (توبه: ۹۸). ذکر شده است دوائر و حوادثی بدی می دانند که منافقین برای مومنین آرزو می کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۴۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ۱۵۷؛ درویش، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ۴۶۳). طبرسی نیز در تفسیر خود توضیحی مطابق با معنای انتظار و توقف از این واژه ارائه داده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۳۵۵). با این اوصاف به نظر نمی رسد ابهام مذکور در عدم ذکر متعلق و همنشینی تربص با واژگان فتنه و ریب بتواند قرینه ای کافی برای ذکر کاربردی جدید و تأویل معنای لغوی این واژه باشد. مفسرین نیز چنین اعتقادی داشته و متعلق تربص را با قرینه ی سایر آیات به گونه ای که با کلمات همنشین نیز سازگار باشد ذکر کرده اند. در نهایت با توجه به توضیحات مذکور می توان بر این نکته صحنه گذاشت که واژه ی تربص بر نوعی از انتظار دلالت دارد که با کلید واژه ی توقف و ایستایی قابل توضیح است. در حقیقت تربص در جایی به کار برده می شود که در بازه ی زمانی انتظار تا فرارسیدن وقت معلوم شده نیازی

به فعالیت و هوشیاری خاصی نیست و می‌توان آن را فاقد این مؤلفه‌ی معنایی دانست. به بیان دیگر تربص انتظار امری حتمی یا بسیاری محتمل الوقوع است که صرفاً باید منتظر گذر زمان بود تا فرا رسد. این نکته در مقایسه با واژه‌ی ترقب قابل توجه است که در مورد ترقب قضیه بالعکس است. درباره‌ی واژه‌ی ترقب با توجه به پایه‌ی معنای لغوی آن که مراعات کردن و جمع بودن حواس است و با توجه به بعضی کاربردهای مختلف آن در معانی گوناگون که در جای خود ذکر گردید می‌توان گفت که مؤلفه‌ی هوشیاری و توجه به وقایع و حوادث دوران در این واژه دخیل و مورد اراده‌ی گویندگان و متکلمین زبان بوده است.

تَرْصَد

از واژگانی که در قرآنی کریم در رابطه‌ی جانشینی با کلمه‌ی ترقب تعریف می‌شوند، مشتقات ریشه‌ی رصد است. رصد به معنای مراقبت کردن و چیزی را زیر نظر گرفتن. و نیز به معنای مراقب و مراقبت شده آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۱۰۱). در واقع رصد همان راهزن است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۲۸). مشتقات مختلف این ریشه در ۶ آیه از قرآن کریم به کار رفته‌اند. در آیه‌ی: ﴿وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ﴾ (توبه: ۵). از کلمه‌ی «مَرْصَد» در معنای راه و طریق استفاده شده است (فراء، ۱۹۸۰م: ج ۱، ۴۲۱؛ ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ۱۵۴). در سوره‌ی جن دو مرتبه واژه‌ی «رَصَد» به کار رفته است. در آیه: ﴿فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا﴾ (جن: ۹) رصد به عنوان صفتی برای شهاب‌هایی که برخی جنیان را هدف می‌گیرد استفاده شده است. گفته می‌شود منظور از شهاب تیرهایی است که به سوی شیاطینی که قصد استراق سمع دارند پرتاب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۵، ۱۱۲). صفت رصد در آیه به معنای آماده مهیاست. به این معنا بعضی از مفسرین معتقد شده‌اند (ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۵۰۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ج ۱۵، ۱۳۵). در آیه‌ی: ﴿فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ (جن: ۲۷). نیز از کسانی که پیامبر خدا را حفاظت می‌کنند با عنوان رَصَد یاد شده است. در این استعمال به نظر می‌رسد معنای مراقب و نگهبان از این واژه اراده شده است (حسینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۷۲). دو کاربرد دیگر این ریشه در قالب واژه‌ی مرصاد صورت گرفته است. در آیه: ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبا: ۲۱). مرصاد وصفی برای جهنم دانسته شد است. دو معنا برای آیه گفته

می‌شود. یکم این که جهنم برای کافرین مهیاست؛ دوم این که مرصاد به معنا ترقب دانسته شود و گفته شود جهنم منتظر کافرین است (خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۳۸۷). کاربرد دیگر واژه‌ی مرصاد در آیه: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (فجر: ۱۴). در این آیه با تعبیری کنایی و تهدیدآمیز گفته شده است که خدای متعال در مرصاد قرار دارد. در توضیح آیه‌ی مذکور واژه‌ی مرصاد در آیه را به کلمه‌ی فارسی کمین‌گاه ترجمه کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۹۳). به بیان تفسیر صافی که به وسیله‌ای واژه‌ی عربی دیگری آن را توضیح داده است مرصاد پروردگار در مکان ترقب است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۳۲۵). در توضیح کامل‌ترین بیانی قرآنی لازم به ذکر است که تعبیر آیه بدین معناست که خدای متعال تمام افعال آدمیان را می‌بیند و سخنان آنان را می‌شنود (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۱۱۵). در مجموع با توجه به این استعمالات قرآنی می‌توان گفت که معانی ترقب، تهیاً، مراقبت و انتظار از این واژه اراده شده است. در حقیقت معنای انتظاری که از کلمه‌ی رصد فهمیده می‌شود با توجه کلمات مذکور دارای قید و توضیح است. با این وصف می‌توان گفت که واژه‌ی رصد به دسته‌ای از مصادیق انتظار دلالت دارد که آمادگی برای واکنش نسبت به وقوع حادثه‌ی قابل پیش‌بینی یا مراقبت نسبت به جلوگیری از وقوع و دفع آن مدنظر گوینده یا نویسنده بوده است. در حقیقت با توجه به آنچه در معناشناسی لغوی و کاربردهای قرآنی ذکر گردید، در توضیح مؤلفه‌ی ممیزه‌ی واژه‌ی رصد کلیدواژه‌ی کمین گرفتن در زبان فارسی می‌تواند گویای معنای واژه‌ی رصد باشد. این نکته در مقایسه با واژه‌ی ترقب بدین صورت قابل توضیح است که در واژه‌ی ترقب یا ارتقاب کمین گرفتن برای ضربه زدن یا پدید آمدن اتفاقی جزئی مدنظر نیست بلکه از شواهد استعمالات و تحلیل این واژه به همراه کلمات همنشین آن بر می‌آید که در ارتقاب توجه و هوشیاری نسبت به وقایع عظیم و تحولات زمانه مدنظر گویندگان و نویسندگان بوده و در این جایگاه استفاده می‌گردد.

صبر از واژگان پرکاربرد قرآن کریم است. این کلمه با داشتن معنایی که در حوزه‌ی معنای انتظار قرار می‌گیرد بیش از ۱۰۰ مورد کاربرد در قرآن کریم دارد. در کتب لغت صبر؛ یعنی حبس (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۳۲۹)؛ نگهداشتن نفس و خودداری کردن از

جزع (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۴۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۳۳۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۴۷۴). وقتی صبور به عنوان یکی از اسماء الهی به کار می‌رود بدین معناست که او در انتقام از اهل معصیت عجله نمی‌کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۳، ۷). این بیان اخیر از کاربردهای واژه‌ی صبر، آن را به حوزه‌ی معنای انتظار نزدیک می‌کند. عدم شتابزدگی تا رسیدن زمان مناسب نکته‌ای است که از مندرجات مشترک در مفاهیم صبر و انتظار است. در یک توضیح کلی تر به نظر می‌رسد مفهوم صبر در نقطه‌ای که به طور پرننگ‌تری مفهوم توقف عمل تا رسیدن یک زمان مطلوب را می‌رساند با مفهوم انتظار و ترقب و بعضی واژگان آن هم جهت است و در محور جانشینی با آنها قرار می‌گیرد. با این وصف آیاتی نظیر آیه‌ی: «فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا» (اعراف: ۸۷) و نیز آیه: «وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس: ۱۰۹) که پس از ارائه‌ی دستورات مختلف دستور به صبر تا زمان فرا رسیدن حکم، داده می‌شود از جمله کاربردهای واژه‌ی صبر است که مؤلفه‌ی نزدیک به مؤلفه‌های مفهوم انتظار در آن پرننگ است. علی رغم وجود قرابت معنایی مذکور میان واژگان می‌توان گفت که گوینده در کاربرد واژه‌ی صبر برای انتظار امری مُتَوَقَّع بیشتر بر تحمل سختی‌ها و آزار اشیای اذیت‌کننده دارد. در نقطه‌ی دیگر واژه‌ی ترقب وجود دارد که به تنهایی حاکی از تحمل سختی‌ها و تلخی‌ها نیست بلکه بر انتظار برای فرارسیدن حادثه‌ای عظیم و پدید شگفت‌آور دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی لغوی این واژه‌ی ترقب همان‌طور که بعضی از دانشمندان تصریح نموده‌اند، نخ تسبیح معانی لغوی مذکور برای این واژه نکته‌ی مراعات و دقت نسبت به یک شیئی یا یک فرد است که معنای انتظار، محافظت و اشراف نیز با توجه به این معنا از کلمه‌ی رقب در موارد مختلف اراده شده است.

در بررسی روابط مفهومی با واژه‌ی ترقب و ارتقاب بدین نکات دست یافته شد که کاربرد واژه‌ی ترقب یا ارتقاب در معنای انتظار فاقد مؤلفه‌ی معنایی نگرانی و ترس است. همچنین معلوم گردید که متعلق انتظار در کاربردهای واژه‌ی ترقب یا ارتقاب امری عظیم و حادثه‌ای قابل توجه است.

برای تبیین محتوایی که روایات باب مهدویت با استفاده از ترقب یا ارتقاب ارائه

می دهند بدین نکته تأکید شد که وصف «خائفا یترقب» که در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است مربوط به مراحل آغازین قیام ایشان است که منتظر وقوع رویدادهایی عظیم در آغاز نهضت جهانی خود هستند. همچنین تأکید گردید که ترقب منتظران شامل این مؤلفه است که ایشان نه برای حوائج جزئی بلکه برای امری عظیم انتظار ولی خدا را می کشند و در هنگام انتظار نسبت به وقایع هوشیاری کامل نسبت به اوضاع و شرایط عصر و روزگار خود دارند.

در بررسی های این واژگان در محور مقایسه ای میان ترقب و ارتقاب و میان کلمات قرآنی جانشین آن؛ یعنی انتظار، تربص، رصد و صبر صورت گرفت. در این مسیر تأکید گردید که این دو کلمه برخلاف واژه ای انتظار بر مفهوم انتظار به طور مطلق دلالت ندارند و مقید به ظرائفی در معنای خود هستند که گوینده یا نویسنده آن را اراده می کند. در مقایسه با واژه ای تربص تأکید شده است که صرف توقف تا رسیدن به امری حتمی الوقوع در مؤلفه های معنایی واژه ای تربص وجود دارد که واژگان ترقب و ارتقاب فاقد این نکته است بلکه در نقطه ای مقابل به خصوص با توجه پایه ای معنای لغوی آن دارای مؤلفه ای هوشیاری و توجه نسبت به وقایع زمانه است. در مقایسه با واژه رصد بر این نکته تصریح شد که در واژگان ترقب و ارتقاب آنچه پررنگ است هوشیاری از جریانات زمانه و برای فرارسیدن امری بزرگ است حال آن که در واژه ای رصد متعلق هوشیاری به نظر نمی رسد که وقایع کلان باشد بلکه حوادث جزئی و خاص متعلق قرار می گیرد. با این وصف می توان گفت رصد بر نوعی از انتظار دلالت دارد که با کلید واژه ای در کمین بودن، تبیین می شود. در نهایت در مقایسه با واژه ای صبر بیان گردید که تحمل سختی ها تا رسیدن زمان موعود از مؤلفه های اصلی کاربردهای واژه ای صبر در محور جانشینی ترقب است که معلوم گردید که واژه ای ترقب بر تحمل مشکلات و سختی ها در بازه ای که تا رسیدن مشکلات فرصت است دلالتی ندارد.

منابع

قران کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). «کمال الدین و تمام النعمه»، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). «*جمهره اللغة*». محقق: رمزی بعلبکی. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). «*المحكم والمحیط الأعظم*»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن (۱۴۰۴ق). «*معجم مقاییس اللغة*»، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). «*لسان العرب*»، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). «*تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۰۸ق). «*تفسیر غریب القرآن*»، چاپ اول، بیروت: عالم الکتاب.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). «*تهذیب اللغة*»، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). «*روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). «*أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*»، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پالمر، فرانک (۱۳۴۶). «*نگاهی تازه به معنی شناسی*»؛ مترجم، کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). «*الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیه*»، بیروت: دارالعلم للملایین.

- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). «تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل»، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علي بيضون.
- خزر جي، احمد بن عبد الصمد (۱۴۲۹ق). «تفسير الخزر جي المسمى نفس الصباح في غريب القرآن و ناسخه و منسوخه». چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علي بيضون.
- درويش، محي الدين (۱۴۱۵ق). «اعراب القرآن الكريم و بيانه»، حمص: الارشاد.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، «مفردات ألفاظ القرآن»، چاپ اول، بيروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا). «اساس البلاغه»، تحقيق: عبد الرحيم محمود، بی جا: بی نا.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل»، بيروت: دارالكتاب العربي.
- سجستاني، ابوبكر (۱۴۱۶ق). «غريب القرآن»، تحقيق: محمد اديب، چاپ اول، قاهره: دارقتيبه.
- سيدكريمي حسيني، عباس (۱۳۸۲). «تفسير عليين»، چاپ اول، قم: اسوه.
- صاحب، اسماعيل بن عباد (۱۴۱۴ق). «المحيط في اللغة»، چاپ اول، بيروت: عالم الكتب.
- صفوي، كوروش (۱۳۹۷). «درآمدی بر معناشناسی»، چاپ ششم، تهران: سوره ی مهر.
- طباطبائی، محمد حسين (۱۳۹۰ق). «الميزان في تفسير القرآن»، چاپ دوم، بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البيان في تفسير القرآن»، چاپ سوم، تهران:

ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). «جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)»، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۶ق). «مجمع البحرين»، تحقیق محمد کاظم طریحی، چاپ دوم بیروت، دارالاضواء.

- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). «الغیبه (للطوسی) / کتاب الغیبه للحجه»، چاپ اول، قم: دارالمعارف الإسلامیه.

- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). «معانی القرآن»، چاپ اول، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). «کتاب العین»، چاپ اول، قم: نشر هجرت.

- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). «قاموس المحيط»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). «تفسیر الصافی»، چاپ دوم، تهران: مکتبة الصدر.

- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، چاپ اول، قم: موسسه دارالهجره.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). «قاموس قرآن»، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). «التحقیق فی کلمات القرآن»، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مطرّزي، ابوالفتح ناصر بن عبدالسید (بی تا). «المغرب فی ترتیب المعرب»، بیروت: دارالکتب العربیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه»، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



Non-verbal communication in Mahdavi poems of Imam Khomeini(RA)

Dr. Nafiseh Irani ¹

Dr. Milad Movahhedi rad ²

Dr. Shahriar Shadigu ³

Abstract

Poets and writers have consciously and unconsciously tried to use verbal and non-verbal communication to establish better communication and convey their mental and emotional concepts to their audience. By using non-verbal communication, they have shown their most hidden meanings and spiritual concepts. In this study, an attempt was made to analyze the Mahdavi poems of Imam Khomeini (RA) based on non-verbal communication (body language) and to show how he used various components of non-verbal communication for the important theme of Mahdism and the emergence of the divine savior and his heartfelt and inner connection with the Imam Zaman (PBUH), the mystical elder and his intended subject. The aim of this article is to introduce, classify, and analyze the types of non-verbal communication in the Mahdavi poems of Imam Khomeini and, using a descriptive-analytical method, reveals that non-verbal communication in these poems is mostly used to replace and emphasize the verbal message. The authors have concluded that 42% of the frequency of non-verbal behavior is in physical appearance, 17% in face and eye behavior, 11% in gesture and movement, and the remaining 30% in non-verbal behaviors, vocal behavior, space and environment, politeness, environment and time. The function of non-verbal behavior of these frequencies is 72 cases of substitution and 23 cases of emphasis, all of which are based on issues of Mahdism and the true guardianship of the Master of the Time. Gesture and movement in the Imam's poetry indicate the world of existence and creation at once and the true manifestation of the Holy Prophet and the transmission of these blessings from the Imam Zaman (PBUH). The vocal behavior component is accompanied by the excitement of the ascetics and the dance and presence of the people of the present (indicating the distance of the people of the appearance from the truth of the Imam Zaman (PBUH)). One of the most important non-verbal components in Imam Khomeini's poems is space and environment, and politeness has always been accompanied by a kind of humility and respect for the existence of the Imam Zaman (PBUH).

Keywords: Imam Khomeini's Poetry Collection, non-verbal communication, mysticism, body language, Mahdism

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran(Corresponding Author)(n.iranii@cfu.ac.ir)

2. Visiting Professor at Farhangian University, Alborz, Iran(m.movahedirad@cfu.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran(Sh.shadigo@cfu.ac.ir)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

نوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

ارتباط غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه *

نقیسه ایرانی^۱

میلاد موحدی راد^۲

شهریار شادی گو^۳

چکیده

شاعران و نویسندگان برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال مفاهیم ذهنی و عاطفی خود به مخاطبین، به شکل خودآگاه و ناخودآگاه کوشیده‌اند از رهگذر ارتباطات کلامی و غیرکلامی بهره ببرند. آنان با بهره‌مندی از ارتباطات غیرکلامی، نهفته‌ترین معانی و مفاهیم روحی خود را نشان داده‌اند. در این پژوهش کوشیده شد تا اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه بر مبنای ارتباطات غیرکلامی (زبان بدن) تحلیل و نشان داده شود که او چگونه از انواع مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی برای مضمون مهم مهدویت و ظهور منجی الهی و ارتباط قلبی و باطنی خود با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، پیر عرفانی و مراد خود، بهره برده است. هدف این مقاله معرفی، طبقه‌بندی، و تحلیل انواع ارتباطات غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه است و با روش توصیفی-تحلیلی آشکار می‌کند که ارتباطات غیرکلامی در این اشعار بیشتر برای جانشینی و تأکید پیام کلامی به کار رفته‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که ۴۲٪ بسامد رفتار غیرکلامی در ظاهر فیزیکی، ۱۷٪ در چهره و رفتار چشمی، ۱۱٪ در اشاره و حرکت و ۳۰٪ مابقی در رفتارهای غیرکلامی، رفتار آوایی، فضا و بوم‌پایی، بساواایی، محیط و زمان است. کارکرد رفتار غیرکلامی این بسامدها ۷۲ مورد جانشینی و ۲۳ مورد تأکید است که همگی بر مبنای مسائل مهدویت و ولایت حقیقی صاحب‌الزمان است. اشاره و حرکت در شعر امام، نشانگر عالم وجود و خلقت یکباره و تجلی حقیقی حضرت حق و انتقال این فیوضات از ناحیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه است. مولفه رفتار آوایی با معرکه گرفتن زاهدان و رقص و تواجد اهل حال (به نشان دوری اهل ظاهر از حقیقت امام عصر عجل الله تعالی فرجه) همراه است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های غیرکلامی در اشعار امام خمینی رحمته الله علیه فضا و بوم است و رفتار

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (n.iranii@cfu.ac.ir).

۲. استاد مدعو دانشگاه فرهنگیان البرز، ایران (m.movahedirad@cfu.ac.ir).

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران (Sh.shadigo@cfu.ac.ir).

بساوایی همواره با نوعی از تواضع و تکریم نسبت به وجود امام زمان علیه السلام همراه بوده است.

واژگان کلیدی

دیوان شعر امام خمینی رحمته الله علیه، ارتباط غیرکلامی، عرفان، زبان بدن، مهدویت.

مقدمه

ارتباط یک فرایند یا یک فراگرد است و «از مفهوم فراگرد برمی آید که ارتباط پدیده‌ای ایستا نیست؛ اجزا و عناصر درونی آن، دارای کنش‌های متقابل هستند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین به طور مداوم در حال تغییر است» (محسنیان راد، ۱۳۸۹: ۵۷). ارتباط غیرکلامی به کلیه پیام‌هایی گفته می‌شود که فرد علاوه بر کلام، آن را مبادله می‌کند و از نشانه‌های آن می‌توان به طرز ایستادن، طرز پوشش، اشارات اندامی و حرکات چهره، زمان و مکان و... اشاره کرد. دنیای رفتارهای غیرکلامی یکی از مهم‌ترین بخش‌های ارتباطات فردی است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۷۲-۲۷۳).

بیشتر جنبه‌های رفتارهای غیرکلامی ریشه در زبان و فرهنگ دارند و «به همان ترتیب که عناصر زبانی فرهنگی فراگرفته می‌شوند، آن‌ها نیز کسب می‌شوند، به جز معدودی از رفتارهای غیرکلامی جهانی که عمدتاً در بیان احساسات نقش دارند. مفاهیم فرهنگی اغلب در قالب حرکات بدنی یا حالت‌های مشخصی از صورت شکل می‌گیرد و بر حسب ویژگی‌های فرهنگی متغیرند؛ مثلاً رفتار غیرکلامی خاص که برای کودکان مناسب است، ممکن است مناسب بزرگسالان نباشد» (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۲۶).

امام خمینی رحمته الله علیه در اشعار مهدوی خود، شرح احوال عرفانی و توحیدی خویش را به تصویر کشیده است. در شعر او با توجه به نگرشی که عرفا به فنای الهی و رسیدن به حقیقت امام حاضر دارند، رفتار ویژه‌ای با زبان بدن به نمایش درآمده و مجموع ارتباطات غیرکلامی وی به حکم پوششی برای مقاصد کلامی غیرقابل توصیف (به‌ویژه هجران و بیان تألمات روحی در ارتباط با امام زمان علیه السلام) قرار گرفته است. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ارتباط‌های غیرکلامی اشعار مهدوی و اشارات غیرمستقیم امام خمینی رحمته الله علیه نسبت به موضوع مهم مهدویت نیز، که در قالب استعاره یا نماد پرداخته شده، تحلیل و بررسی شده است.

ارتباط کلامی با دو نمود «گفتار» و «نوشتار» خود را نشان می‌دهد و از این جنبه همواره پژوهشگران به آن توجه داشته‌اند، به ویژه نمود نخستین آن «گفتار» که از زمانی که علم «زبان‌شناسی» به وجود آمده، مورد بررسی همه جانبه قرار گرفته است.

از سوی دیگر، افراد برای انتقال مفاهیم و ایجاد ارتباط و نشان دادن عواطف و احساسات، پیام‌ها و افکار خود، همیشه نمی‌توانند از طریق کلام، نیازهای خود را برآورده کنند؛ بلکه گاهی باید با توجه به شرایط و موقعیت‌های به وجود آمده از کارکرد ارتباط غیرکلامی نیز بهره ببرند.

«ارتباط غیرکلامی» که به نظر می‌رسد، سابقه و قدمت بیشتری نسبت به شاخه دیگر داشته باشد، کمتر بررسی شده است؛ هرچند عرصه شمول گسترده‌ای را در بر می‌گیرد.

اهمیت ارتباط غیرکلامی در آن است که این رفتارها به مراتب، بیشتر از ارتباط کلامی، افکار، احساسات و عواطف شخص را انتقال می‌دهد؛ زیرا فرد کمتر توانایی کنترل کردن آنها را دارد. مردم اغلب تلاش می‌کنند تا احساسات خود را از طریق کنترل ارتباطات و رفتارهای کلامی خود مخفی نگه دارند؛ اما تلاش برای این پنهان‌کاری معمولاً بیهوده و بی‌نتیجه است، زیرا احساسات واقعی در رفتارهای غیرکلامی فرد، نمود پیدا می‌کند.

اهداف و ضرورت پژوهش

هدف این مقاله معرفی، طبقه‌بندی و تحلیل انواع ارتباطات غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه است تا نشان داده شود که چگونه زبان بدن می‌تواند کارکردهایی چون تأکید کردن و جانشین شدن را در کنار عناصر کلامی بازگو کند.

اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه به این دلیل در این پژوهش بررسی شد که سرشار از اشارات و ارتباطات غیرکلامی است. عناصر و عوامل مربوط به زبان بدن در شعر سراسر عرفانی - الهی او و اهتمام عرفا به بیان مسائل عرفانی خارج از چهارچوب سخن براساس بستری که در آن حالات روحی‌شان جریان دارد، مفاهیمی را به ذهن مخاطب انتقال - می‌دهند که ممکن است با نقش آنها در بستر کلام متفاوت باشد. کارکرد عناصر مربوط به ارتباط غیرکلامی در اشعار مهدوی امام، بر مبنای مسائل توحیدی و عرفان مرجعیت شیعی است که انتظار فرج در آن از بالاترین عبادات و درجات روحی سالکان الی الله

است. اشاره‌های غیرکلامی، شعر مهدوی این عارف را تفسیرپذیر، عمیق و چند معنا کرده‌است؛ چنان‌که هر سالک رنج‌کشیده با توجه به پیشینه فرهنگی و اجتماعی خود قادر خواهد بود زبان حال خود را از زبان بدن شعر او دریابد.

عناصر و عوامل مربوط به زبان بدن در شعر سراسر عرفانی ایشان و اهتمام عرفا به بیان مسائل عرفانی خارج از چهارچوب سخن براساس بستری که در آن حالات روحی‌شان جریان دارد، مفاهیمی را به ذهن مخاطب، انتقال می‌دهند که ممکن است با نقش آنها در بستر کلام متفاوت باشد.

پرسش‌های پژوهش

مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی اشعار مهدوی امام خمینی رحمته‌الله علیه کدامند؟ و کدام یک بیشترین یا کمترین کاربرد را داشته‌اند؟ چگونه ارتباطات غیرکلامی حالات درونی شاعر عارف نسبت به امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را نشان می‌دهد؟

پیشینه پژوهش

درباره ارتباطات غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته‌الله علیه تاکنون پژوهشی انجام نشده‌است؛ اما در زمینه ارتباط غیرکلامی در آثار دیگر نویسندگان پژوهش‌هایی انجام شده که به آنها اشاره می‌شود:

قدرت‌الله قربانی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد عرفانی و سیاسی مهدویت در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه» او را یک منتظر واقعی مهدویت دانسته که به شدت با تلقی منحرفانه درباره انتظار مخالفت می‌کند و نگرش امام نسبت به مهدویت را رویکردی سیاسی عرفانی می‌بیند. محمد حاجی‌آبادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در آئینه شعر حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه» مهدویت را از مضامین پر کاربرد و متعالی دیوان امام نشان داده و بر این باور است که سیمای امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف روح کلی دیوان امام را در بر گرفته‌است. محمد دانشگر (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان پردازی مولانا»، نسبیبه علمایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «قرآن از نگاه دیگر: بررسی ارتباط غیرکلامی در قرآن و آموزه‌های روان‌شناسی» ارتباط غیرکلامی در مثنوی مولانا و قرآن کریم را بررسی کرده‌اند. احمد رضی و سمیه

حاجتی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در داستان دو دوست» داستانی از هدی حدادی را بررسی کرده‌اند. مریم محمودی، الهیار افراخته و کرامت نامجو (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط‌های غیرکلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی»، رضا شجری و عباس شاه‌علی رامشه (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رمزگشایی نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در کلیله و دمنه» و مرتضی محسنی و میلاد موحدی‌راد (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط غیرکلامی در طبقات الصوفیه» پژوهش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند.

در پژوهش‌هایی دیگر که در زمینه اشعار امام خمینی (ره) انجام شده است می‌توان بسته و گریخته نشانه‌هایی پراکنده در این زمینه دید. برای نمونه در مقاله «کهن‌گرایی در اشعار امام خمینی» (۱۴۰۳) نویسندگان در این مقاله با بهره‌گیری از واژگان و بافت و ساخت نحوی کهن در شعر امام، به این نتیجه رسیده‌اند که کهن‌گرایی زبان شعر او را از هنجارهای طبیعی و منطقی خارج ساخته و با این شیوه از کاربردهای متعارف زبان آشنایی‌زدایی کرده و کلام را به حوزه هنری برده است. در مقاله «اندیشه‌های قرآنی انعکاس یافته در شعر امام خمینی با رویکرد بینامتنیت ضمنی» (۱۴۰۱). نویسندگان با روش بینامتنیت متون و تأثیر بر یکدیگر به تبیین بینامتنیت ضمنی قرآن در اشعار امام خمینی پرداخته‌اند و ارتباط وسیع شعر امام با آیات قرآن را تحلیل نموده‌اند. در مقاله «سبک‌شناسی شعر امام خمینی» (۱۳۹۹) نویسندگان شعر امام را به دو موضوع عارفانه و اجتماعی تقسیم کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شعر امام به سبک عراقی متمایل است و شعر اجتماعی او خصوصیات سبکی شعر ایدئولوژیک دارد.

چارچوب نظری پژوهش

انواع ارتباط غیرکلامی

ارتباطات غیرکلامی، سهم ویژه‌ای در دامنه ارتباطات بشری دارند، رفتارهای غیرکلامی شامل مقوله‌های زیر است:

ظاهر فیزیکی

ارگانیزم پیچیده انسان، از دو بخش در هم تنیده، شکل گرفته که یکی جان است و دیگری جسم یا بدن. ظاهر هر فردی، معرّف هویت فردی و اجتماعی اوست. ما در

نخستین برخورد با فردی، قبل از آن که با او گفتگو کنیم و با آراء و عقاید و سلیقه او آشنا شویم، براساس ظاهر او، او را مورد قضاوت قرار می دهیم؛ در همان برخورد اول، ممکن است از او خوشمان بیاید یا برعکس، احساس ناخوشایندی نسبت به او پیدا کنیم. اشاره و حرکت: حرکات رساتر از واژه ها حرف می زنند مثل تکان دادن سر، روبوسی کردن، نشستن، برخاستن و...

چهره و رفتار چشمی: چهره، گویای احساسات، حالات و نگرش های انسان است و ما را در هدایت و تنظیم تعامل با دیگران یاری می رساند.

رفتارآوایی: از شنیدن صدا، لحن و نحوه بیان، سکوت، مکث، لهجه و گویش افراد اطلاعاتی مثل: سن، جنس، وضع جسمانی، قابل اعتماد بودن، غم و اندوه به دست می آید.

فضا و بوم پایی: از نحوه استفاده انسان ها از فضا و دخل و تصرف در آن پیام هایی مثل مشارکت، تهاجم، تجاوز و... حاصل می شود.

بساوایی: موقعیت و فرهنگ هر جامعه ای رفتارهای بساوایی آن جامعه را شکل می دهد.

محیط: تمامی رفتارهای اجتماعی در محیط فیزیکی رخ می دهد. گاهی این محیط عمداً توسط افراد سهیم مرتب می شود.

زمان: عبارت است از چگونگی ادراک، استفاده، مطالعه، ساختار و واکنش ما به پیام های زمان.

کارکرد ارتباطات غیرکلامی

کارکرد ارتباطات غیرکلامی و نقش آنها را در ارتباط میان افراد می توان به صورت زیر، خلاصه و بیان کرد:

کامل کردن پیام کلامی: برخی پیام های غیرکلامی، «همراه و هماهنگ با پیام های کلامی هستند، پیام غیرکلامی می تواند یک پیام کلامی را کامل کند» (برکو، ۱۳۹۶: ۱۲۵)؛ یعنی پیام غیرکلامی با کامل کردن پیام کلامی، موجب روشنی و شفاف شدن آن می شود. چنان که وقتی دست کسی را می فشاریم، همراه با بیان این جمله که «من نسبت به شما ارادت دارم»، تأثیر این پیام کلامی، بیشتر خواهد بود.

جانشینی: گاهی پیام‌های غیرکلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند و حرکات بدنی و ارتباط‌های غیرکلامی، جانشین پیام‌های گفتاری می‌شوند. «دست تکان دادن» به جای «سلام» یا «خدا حافظ»، «پایین آوردن سر» به جای واژه «بله» یا «بالا بردن سر» به جای واژه «نه» نمونه‌هایی از این گونه حرکات غیرکلامی به شمار می‌آیند.

تکذیب کردن: «برخی پیام‌های غیرکلامی به جای کامل کردن پیام کلامی، آن را نقض و یا تکذیب می‌کند و یا مغایر با آن است» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۹۶: ۹۲). برای مثال، استادی که به دانشجویش، فرصت پرسش از موضوعی را داده است، مرتب به ساعتش نگاه می‌کند که با این کار خود به او گوشزد می‌نماید که وقت کافی برای صحبت کردن با او را ندارد.

تکرار کردن: گاهی پیام‌های غیرکلامی، به نوعی تکرار پیام‌های زبانی است. به نظر می‌رسد که این گونه پیام‌ها، برای تأکید پیامی است که بر زبان آورده‌ایم؛ مثلاً، هنگامی که کسی را دعوت به سکوت می‌کنیم، در همان حال، با گذاشتن انگشت خود بر روی دهان، بر این درخواست تأکید می‌کنیم.

کنترل کردن: معمولاً ما همراه با انتقال پیام‌های کلامی که خود سازمان یافته و کنترل شده هستند، از حرکات دیگر مثل نگاه کردن یا سر تکان دادن به نشانه تأیید و یا تغییر آهنگ صدا یا کوتاه و بلند کردن تُن صدا، سعی در کنترل موقعیت ارتباطی که در آن قرار گرفته‌ایم، می‌نمائیم.

تأکید کردن: «در این نوع کارکرد، از پیام غیرکلامی برای تأکید مطلبی استفاده می‌شود که قصد بیان آن را داریم یا برای آن به کار می‌رود که توجه مخاطب را به آنچه می‌گوییم، جلب کنیم؛ مثل زدن بر شانه کسی که در هنگام صحبت کردن ما، رویش را به سمت دیگری چرخانده است؛ و نیز سکوتی که سخنران در میان صحبت‌های خود دارد، برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به گفته‌های خود است» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۹۶: ۹۵-۹۴).

بحث و بررسی

ارتباط غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه

ظاهر فیزیکی

حرکت اندام‌ها و زبان بدن نقش تعیین‌کننده در القای معانی پنهان در آنها دارد؛ به گونه‌ای که هر حرکتی شبیه کلمه‌ای در زبان است. «ارتباط در هر شکلی در برگیرنده عناصر کلامی و غیرکلامی است که به آن ژست‌ها یا حرکات جسمانی می‌گویند. پیام در درجه نخست با نشانه‌های آوایی و زبان‌شناسیک ارائه و دانسته می‌شود؛ اما در درجه بعد نشانه‌های حرکتی در تدقیق معنا نقش مهمی دارند» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). حرکت اندام‌ها شامل کلیه اشاره‌ها، حرکات سر، رفتار چشم، حرکات بدن، بازوها، پاها، دست‌ها و انگشتان می‌شود که به گفتگوی کلامی ما شفافیت می‌بخشد و آن را هدایت می‌کند و از این طریق می‌توان احساسات را انتقال داد و معانی پنهان را القا کرد.

سر

سر نهادن و سر به زیر بودن که معنایی جز تسلیم و رضا در مسیر سیر الی الله ندارد در شعر عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه، همواره با رفتارهای غیرکلامی متناسب با حالت تواضع و فروتنی نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه است. سر گذاشتن بر کوی محبوب که امام زمان عجل الله تعالی است و سر را خاک پا و قدم معشوق انگاشتن، رفتارهایی همراه با مضمون آرامش، فروتنی، تواضع و تسلیم محض است. حرکت غیرکلامی سر در شعر ایشان، در بردارنده معنی عمیق و عرفانی تبعیت مطلق از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نشان می‌دهد که تنها با فروتنی و رضا و تسلیم بر درگاه کبریایی حضرت حق (یا مراد حقیقی) می‌توان به درک ولایت امامان معصوم عجل الله تعالی که جانشینان حقیقی خداوند بر زمین و زمانند، فائق آمد و در مسیر عشق به خداوند قدم برداشت.

گرمراره به در پیر خرابات دهی به سر و جان به سویش راه نوردم نه به پا
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۹)

همه خوبان بر حسن تو سجود آوردند این چه رنجی ست که گنجینه پیر و برناست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۹)

سر بده در راه جانان، جان به کف سرباز باش آن‌که سر در کوی دلبر نfkند سرباز نیست

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۶۵)

پاکنند می فروشان مستان دل خروشان بر بسته چشم و گوشان پیران سر به زیرند

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۹)

بر کنم خرّقه سالوس اگر لطف کنی سر نهم بر قدمت خرّقه گذارم به کنار

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۲۳)

جدول تحلیلی زبان بدن (سر)

کارکرد	پیام	رفتار غیر کلامی
جانشینی	تسلیم امام شدن	به سر راه نوردن (ص ۳۹)
جانشینی - تأکیدی	تحیر و تواضع نسبت به امام معصوم	سر به سجده نهادن (ص ۴۹)
جانشینی - تأکیدی	معرفت امام	سجود به حسن معشوق (ص ۴۹)
جانشینی	یکی شدن با امام	سر دادن در راه عشق (ص ۶۵)
جانشینی	فنا‌ی عارفانه	سر نهادن به پا (ص ۷۰)
تأکیدی	اهل ظاهر و عدم معرفت نسبت به جایگاه امام زمان	سر نهادن صوفی بر در مرد زر (ص ۷۴)
جانشینی	نهایت عشق نسبت به امام	سر سپردن به قدوم معشوق (ص ۷۶)
تأکیدی	سکوت عرفانی	پیران سر به زیرند (ص ۹۹)
جانشینی	تسلیم	سر گذاشتن بر قدم پیر (ص ۱۲۳)
جانشینی	تحیر و تأمل	سر بردن به گریبان از عشق (ص ۱۳۵)
جانشینی	وصال به امام زمان	سر گذاشتن معشوق به دامن عاشق (ص ۱۵۶)

دست

امام با رفتار غیر کلامی دست در اشعار مهدوی خود، ذهن مخاطب را به دست شستن از غیر خدا و وصال با حقیقت امام می‌کشاند. اصولاً در شعر او دست آلوده، متعلق به زاهدان ریایی و صوفیان بی‌بهره از عشق و الفت امام معصوم است و نمی‌تواند دامن پیر و مراد را در دست بگیرد، ولی دست درویشان بالاست و دامن مراد را می‌گیرند و ذکر حق می‌گویند، ذکر می‌مانند ذکر صوفیان ریایی و آلوده نیست. از سویی دیگر مراد و پیر در شعر سراسر عرفانی امام خمینی رحمته‌الله علیه، وجود حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ارتباط غیر کلامی دست در شعر امام همواره با عزت و پاکی همراه است و تناظر دست پاک و دست آلوده در ابیات زیر قابل تأمل و شایان دقت است. به عبارت دیگر دست بالا را درویشان منتظر و سالکان مرتبط با حقیقت دین (که وجود مقدس امام

عصر عَلَيْهِ السَّلَام (است) دارند نه صوفیان آلوده به احکام ظاهر. امام بر این باور است که اکتفا کردن ظاهر دین و شریعت می تواند حجاب نورانی سالک باشد.

هیچ دستی نشود جز بر خوان تو دراز کس نجوید به جهان جز اثر پای تو را
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲)

دست از دامنیت ای دوست نخواهم برداشت تا من دلشده رایک رمق و یک نفس است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۳)

با مطربان بگو که طرب را افزون کنند دست گدای صومعه بالابه سوی ماست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۶)

پیر می خانه بنام که به سر پنجه خویش فانی ام کرده، عدم کرده و تسخیرم کرد
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۳)

جدول تحلیلی زبان بدن (دست)

کارکرد	پیام	رفتار غیر کلامی
جانشینی	نیاز به امام عصر	دست دراز شدن (ص ۴۲)
جانشینی - تأکیدی	وصال به امام زمان	گرفتن جام از دست نگار (ص ۵۱)
جانشینی - تأکیدی	معرفت الهی در شناخت ولی عصر	دست از دامن دوست برداشتن (ص ۵۳)
جانشینی	ارتباط حقیقی با امام عصر	بالا بودن دست گدای صومعه (ص ۵۶)
جانشینی	اتصال به امام زمان	دست من گیر (ص ۶۷)
تأکیدی	فنا ی عارفانه به هدایت امام عصر	فانی کردن به سر پنجه (ص ۸۳)
جانشینی	نهایت عشق به امام	دست دادن به عارفان (ص ۹۹)
تأکیدی	صحو	بیدار با دست بت (ص ۱۴۲)
جانشینی	آزمایش الهی	انگشت نما شدن (ص ۱۴۴)
جانشینی	شوق وصال امام زمان	دست افشان بودن (ص ۱۸۴)

پا

زبان بدن و عضو پا در اشعار امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام، آن چنان حساب شده به کار رفته است که مخاطب خاص (به ویژه اگر عارف باشد) به راحتی به زوایای پنهانی کلام او دست می یابد. پا در شعر ایشان با بصیرت ارتباط مستقیم دارد. عارف چون قدم بر نفس خود گذاشته و پشت پا بر تعلقات دنیایی زده است بر آستان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام سر می ساید و با بصیرت درویشی است که تاج معنویت و بندگی بر سر نهاده است. رفتار غیر کلامی پا در شعر ایشان با مضمون اتصال دایمی با حقیقت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام همراه است و

همان گونه که انسان بصیر و پا به راه گذاشته در مسیر الی الله بر خود و بر همه چیز، پا گذاشته و دیگر حیاتی ندارد، عارفی که پا در راه حق می گذارد حیات مادی و تعلق خاطر دنیایی خود را از دست داده و سراسر به حیات معنوی دست یافته است و حیات معنوی عارفان جز طی طریق با ارشاد و هدایت قلبی امام معصوم میسر نیست.

هیچ دستی نشود جز بر خوان تو دراز کس نجوید به جهان جز اثر پای تو را

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲)

هر کجا پا بنهی حسن وی آنجا پیداست هر کجا سر بنهی سجده گاه آن زیباست

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۹)

هر کجا پا بنهی حسن وی آنجا پیداست هر کجا سر بنهی سجده گاه آن زیباست

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۹)

سوداگران مرگیم یاران شاخ و برگیم زندان پا برهنه بر حال ما بصیرند

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۹)

بر در میکده بگذشته ز جان آمده ام پشت پایی زده بر هر دو جهان آمده ام

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳۹)

چشم بیمار تو ای می زده بیمارم کرد پای بگذار به چشمم که پرستار منی

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۸۴)

جدول تحلیلی زبان بدن (پا)

کارکرد	پیام	رفتار غیر کلامی
جانشینی	شناخت امام زمان	جستن اثر پای معشوق (ص ۴۲)
جانشینی	معرفت امام زمان مقدمه سیر الهی	هر کجا پا بنهی (ص ۴۹)
جانشینی	فقر وجودی نسبت به امام عصر	پا برهنگی زندان (ص ۹۹)
تأکیدی	عدم تعلق و وصال به حضرت	پشت پا زدن (ص ۱۳۹)
جانشینی	فدا شدن در راه امام زمان	پا گذاشتن به چشم (ص ۱۸۴)

لب

رفتار غیر کلامی لب بستن و سکوت در شعر امام ارتباط مستقیم با اسرار الهی دارد. ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از خفی ترین اسرار ملکوتی در سیر الی الله است. لب گشودن یار به کشف و شهود می انجامد و لب بستن شاعر به دیدن اسرار ختم می گردد و چه سری از امام زمان علیه السلام عظیم تر؟ از سویی شاعر عارف سکوت می کند تا فقط صدای

محبوب ازلی را بشنود و از سویی دیگر واعظان ریاکار را به خاموشی دعوت می‌کند. واعظانی که فقط دم از ظهور می‌زنند و اندک قرابتی با حقیقت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارند. گویی این که تا صدا و آواز محبوب حقیقی (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیده می‌شود سخن گفتن و وعظ کردن بی‌ادبی است.

جمله اسرار جهان است درون لب دوست لب گشا پرده برانداز از این مشکل ما (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۵)

لب فرو بست هر آنکس رخ چون ماهش دید آن که مدحت کند از گفته خود مسرور است (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۲)

آن که از باده عشق تولبی تازه نمود ملک هستی بر چشمش پرکاهی نبود (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۰۹)

جدول تحلیلی زبان بدن (لب)

رفتار غیر کلامی	پیام	کارکرد
لب گشودن (ص ۴۵)	شهود اسرار به هدایت امام زمان	جانشینی
لب فرو بستن (ص ۵۲)	سکوت عارفانه و رویت امام	جانشینی
لب تازه نمودن (ص ۱۰۹)	عدم تعلق به هیچ کس جز حضرت	تأکیدی

مصنوعات و ابزار آلات

زبان اشیاء برای ارتباط، بسیار مؤثر و مهم است. استفاده کردن از وسایلی که در اختیار داریم می‌تواند پیام‌های مختلفی را القا کند؛ احترام، بی‌احترامی، خیانت، فقر، ثروت و نارضایتی از شرایطی که در آن قرار داریم. هر کدام از این دارایی‌ها منبعی از اطلاعات را در مورد دیگران فراهم می‌کند.

بسامد بالای استفاده از دفتر، قلم و پاره کردن خرقة که نوعی جامه خاص برای صوفیان بوده است و البته در دیوان سراسر عرفانی امام کارکرد استعاری از وجود و تعلقات دارد و مدام مورد انتقاد ایشان در ارتباط با زاهد ریاکار و صوفی پر مدعاست. دلیلی بر اهمیت ترک تعلق از دید عرفانی ایشان برای وصال به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که مراد حقیقی سالکان است و رسیدن به امام رسیدن به حضرت حق است. امام خرقة و دفتر و قلم را (در شعر او هر سه ابزار رنگ خودنمایی دارند) که باعث دیده شدن و متمایز گردیدن است، مانع می‌بیند و تعلق می‌داند و برای قرب الهی و وصول ولی خدا که امام

زمان ع است، حجاب تلقی می‌کند. از این رو استفاده و بسامد این نوع ابزار در میان مصنوعات که از مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی و محل تأمل و دقت است. علاوه بر پاره کردن دفتر و قلم، پاره کردن خرقة نیز در شعر امام اهمیت و بسامد بالایی دارد و این معنی را به ذهن می‌رساند که ترک تعلّق به از بین بردن ظواهر وجود می‌انجامد.

الف) قلم/ دفتر

بشکنم این قلم و پاره کنم این دفتر نتوان شرح کنم جلوه والای تورا
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲)

دم در نیار و دفتر بیهوده پاره کن تا کی کلام بیهوده گفتار ناصواب
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۸)

پاره کن دفتر و بشکن قلم و دم دربند که کسی نیست که سرگشته و حیرانش نیست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۶۶)

قلم سرخ کشم بر ورق دفتر خویش هان که در عشق من و حسن تو گفتاری نیست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۷۳)

جدول تحلیلی مصنوعات و ابزار آلات (دفتر و قلم)

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جانشینی	ترک تعلّق و وصال به ولی عصر	شکستن قلم و پاره کردن دفتر (ص ۴۲)
جانشینی	سکوت عارفانه و شهود حقیقی	پاره کردن دفتر (ص ۴۸)
تأکیدی	تحیر عرفانی و وصال به امام زمان	پاره کردن دفتر و شکستن قلم (ص ۶۶)
تأکیدی	تحیر عرفانی و وصال دائم	کشیدن قلم سرخ (ص ۷۳)

ب) لباس (جامه/ خرقة)

رهرو عشقی اگر، خرقة و سجاده فکن که به جز عشق تورا رهرو این منزل نیست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۶۷)

برگیر جام و جامه زهد و ریا درآر محراب را به شیخ ریاکار درگذار
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۲۲)

جامه زهد دریدم رهم از دام بلا باز رستم ز پی دیدن یار آمده‌ام
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

این خرقة ملوث و سجاده ریا آیا شود که بر در می‌خانه بردم
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۵۱)

باید از رفتن او جامه به تن پاره کنم درد دل را به چه انگیزه توان چاره کنم
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۵۷)

جدول تحلیلی مصنوعات و ابزار آلات (لباس / جامه و خرقه)

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جانشینی	تقوا در معیت با امام	پوشیدن لباس نو (ص ۳۹)
جانشینی	ترک تعلق و وصال	بیزاری از خرقه (ص ۴۲)
تأکید	فدا کردن وجود در راه امام زمان	انداختن خرقه (ص ۶۷)
تأکید	ترک تعلق جسمانی	در آوردن جامه زهد (ص ۱۲۲)
جانشینی	فنا فی الله شدن	دریدن جامه زهد (ص ۱۳۷)
جانشینی	ترک هستی موهوم	دریدن خرقه در میخانه (ص ۱۵۱)
جانشینی	ترک تعلق	پاره کردن جامه (ص ۱۵۷)

اشاره و حرکت

اشاره‌ها و حرکات بدن اغلب احساس واقعی فرد را که در پس کلمات اوست انتقال می‌دهند. «موقعیتی که اشاره و حرکت بدن در آن به کار می‌روند اغلب معنای نهفته در اشاره را تعیین می‌کنند. افراد از طریق حرکات بدنی خود می‌توانند احساسات‌شان را انتقال داده و کلمات ادا شده را تقویت و بر روی آن تأکید ورزند و حتی گاهی اوقات آنچه را می‌گویند نقض کنند» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

ساغر بیار و باده بریز و کرشمه کن کاین غمزه روح پرور جان و روان ماست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۵)

رخ گشا، جلوه نما گوشه چشمی انداز این هوای دل غمدیده شیدای من است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۹)

سر خم باز کن ای پیر که در درگه تو با شعف رقص کنان دست فشان آمده‌ام
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۴۰)

دست افشان به سرکوی نگار آمده‌ام پای کوبان ز پی نغمه تار آمده‌ام
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

در هوای چشم مستش در صف مستان شهر پای کوبی، دست افشانی و هم پیمان شوی
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۸۵)

اشاره و حرکت در شعر امام، نشانگر عالم وجود و خلقت یکباره و تجلی حقیقی

حضرت حق است. او اراده می‌کند و تا «کن» می‌خواهد «فیکون» می‌گردد و این تجلیات خداوند است که شوق عارف سالک را برای وصال به محبوب بیشتر می‌کند. از این رو تمام ارتباطات غیرکلامی اشاره و حرکت در امام خمینی رحمه الله به پایکوبی و دست‌افشانی و وجد عارفانه می‌رسد.

جدول رفتار اشاره و حرکت

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جانشینی	تجلیات امام زمان	غمزه هلاک کن (ص ۴۶)
تأکیدی	حضور عرفانی امام زمان	قبله‌نمایی معشوق (ص ۴۹)
تأکیدی	تربیت عرفانی ولی عصر	غمزه روح‌پرور (ص ۵۵)
جانشینی	تجلیات امام زمان	گوشه چشمی انداز (ص ۵۹)
جانشینی	جذب حضرت مهدی	ناز کن (ص ۶۵)
تأکیدی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	دست‌افشان و پای‌کوبان (ص ۱۱۷)
جانشینی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	دست‌افشانی (ص ۱۲۵)
تأکیدی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	رقص‌کنان (ص ۱۴۰)
جانشینی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	پای‌کوبان (ص ۱۳۷)
جانشینی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	دست‌افشانی (ص ۱۳۷)
جانشینی	وجد عرفانی در وصال به امام زمان	پای‌کوبی (ص ۱۸۵)

چهره و رفتار چشمی

یکی از راه‌هایی که با آن می‌شود با دیگران ارتباط غیرکلامی برقرار کرد حرکات چهره است؛ تا آن‌جا که ارسطو «بیش از همه در خصوص چهره تجربه و بررسی داشته و می‌گوید که میان چهره انسان با روح او رابطه تنگاتنگی وجود دارد و می‌توان با علایم موجود در چهره انسان و حالات و شکل ظاهری قیافه به ماهیت درونی انسان پی‌برد» (افراخته، ۱۳۹۹: ۷).

از چهره افراد می‌توان به احساسات متفاوتی مانند عشق، نفرت، ناباوری، مهربانی پی‌برد. انسان نگرش‌ها و حالت‌های خود را از این طریق منتقل می‌کند. «چهره گویاترین کانال ابزار عواطف است و این عواطف را می‌توان بر حسب جنبه‌هایی چون خوشایند بودن یا ناخوشایند بودن و سطح برانگیختگی تقسیم‌بندی کرد. با این همه برون‌فکنی‌های چهره نیز در انواع مجزا جای دارند؛ مثلاً در شادی، غم، شگفتی، خشم و...» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۳۸) و «اگر تظاهرات چهره‌ای و بیاناتی که به کار برده می‌شوند با

هم دیگر تناسب نداشته باشند پیام مهمی برای یادگیرندگان ارسال می‌گردد. یکی از نکات اساسی در ارسال پیام‌ها هم خوانی تظاهرات چهره‌ای متناسب با پیام است؛ مثلاً اگر می‌خواهید نکته‌ای را به شوخی بیان کنید باید سعی شود بین بیان و تظاهرات چهره‌ای تناسبی برای نشان دادن این که حرف شما شوخی است و جدی نیست، برقرار شود» (دیمیک، ۱۳۸۵: ۵۷).

پرده از روی بینداز به جان تو قسم غیر دیدار رخت ملتسمی نیست مرا
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۱)

مده از جنت و از حور و قصورم خبری جز رخ دوست نظر سوی کسی نیست مرا
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۱)

به کجا روی نماید که تواش قبله نه‌ای آنکه جوید به حرم منزل و مأوای تو را
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲)

ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید که طرف دشت چورخسار سرخ مستان شد
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۰)

بگشای نقاب از رخ و بنمای جمالت تا فاش شود آنچه همه در پی آنند
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۰۲)

راز بگشا پرده بردار از رخ زیبای خویش کز غم دیدار رویت دیده چون جیحون شود
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۱۳)

به من نگر که رخی همچو کهربا دارم دلی به سوی یار دلربا دارم
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۴۸)

استفاده امام خمینی رحمته‌الله علیه از رفتار غیرکلامی چهره و رفتار چشمی جز برای کشف و شهود تجلیات الهی و دیدن جمال و جلال امام زمان علیه السلام نبوده است. شاعر عارف با رفتار چشمی خود پدیده نگریستن به آفاق و انفس را تبیین می‌کند و دیدن و ارتباط با امام زمان علیه السلام را رکنی اصیل در ادامه سیر و سلوک الی‌الله می‌داند. آوردن فعل دیدن جز با کلمات رخ‌گشا، رخ‌گشودن و پرده بر انداختن (که به ظهور منجی عالم امام زمان علیه السلام اشاره دارد) به کار نرفته است. همواره این عارف بوده است که با رخ زرد (حالت خوف) و روی سرخ (حالت رجاء) به آستان امام عصرش می‌نگرد و رفتار چشمی ایشان با توجه به اشعار بیانگر این حالت درونی و باطنی و ارتباط ایشان با حضرت صاحب الزمان است.

جدول رفتار اشاره و حرکت

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جانشینی	ظهور امام زمان	پرده از چهره بینداز (ص ۴۱)
جانشینی	ظهور امام زمان	جز رخ دوست نظر... (ص ۴۱)
جانشینی	فانی شدن در محبوب	به کجا روی نماید (ص ۴۲)
جانشینی	فانی شدن در محبوب	جز خم ابروی تو... (ص ۴۲)
جانشینی	فانی شدن در محبوب	رخسار گشادن (ص ۴۳)
جانشینی	تجلی امام زمان	نیم نظر سوی ما کنی (ص ۴۶)
جانشینی	عشق به امام زمان	ز رنگش پیداست (ص ۵۰)
جانشینی	عشق به امام زمان	از رخ سرخش (ص ۵۰)
جانشینی	امام همیشه حاضر است	دیده بگشای (ص ۵۲)
جانشینی	شوق وصال به امام زمان	پرده بردار ز رخ (ص ۵۳)
جانشینی	هجرت از امام عصر	اشکم چو سیل (ص ۶۱)
جانشینی	تجلی امام عصر	گوشه چشم گشا (ص ۶۶)
جانشینی	تجلی امام عصر	از رخ پرده بگشا (ص ۷۷)
جانشینی	عاشق هجران دیده	رخسار سرخ مستان (ص ۹۰)
جانشینی	تجلی امام عصر	بگشای نقاب از رخ (ص ۱۰۲)
جانشینی	کشف و شهود عرفانی	پرده بردار از رخ (ص ۱۱۳)
جانشینی	عشق به امام زمان	رخی همچو کهریا (ص ۱۴۸)

رفتار آوایی

مطالعه جنبه‌های ارتباطی صدا، ارتباط آوایی یا مطالعه زبان آوایی یا پیرا زبان نامیده می‌شود. «ویژگی‌های صدا و کاربردهای آن از جمله لهجه‌ای که با آن صحبت می‌کنیم و گویشی که به کار می‌بریم بر این موضوع که چطور پیام‌های کلامی به کار می‌روند تأثیر عمده‌ای می‌گذارند» (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۸). پیرا زبان عبارت است از ارتباط صوتی بدون استفاده از کلمات که شامل نحوه تلفظ کلمات، لحن و درجه پیچیدگی جملات نیز است و صدا یکی از علائم غیربیانی، منعکس‌کننده عکس-العمل درونی و حالت‌گوینده است و می‌تواند جهت تقویت مناسب برای پیام‌های بیانی کنترل و توسعه یابد. رسایی صدا نشان‌دهنده علاقه و توجه به شنونده است و عامل ارزشمندی در انتقال مطلوب پیام بیانی است (افراخته و مدرسی، ۱۳۹۹: ۱۱). پیرا زبان «شامل نحوه تلفظ کلمات، لحن و پیچیدگی جملات است. اصوات ابزارهایی چند منظوره‌ای هستند که به دیگران می‌گویند چگونه سخنان و رفتار ما را تفسیر

کنند» (وود، ۱۳۷۹: ۳۳۰). در اشعار عرفانی امام، مؤلفه رفتار آوایی با معرکه گرفتن زاهدان و رقص و تواجد اهل حال که شناختی نسبت به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام ندارند، همراه است. دست زدن، پا کوفتن و به رقص آمدن (سماع) مردان حق از نشانه‌های غیرکلامی به کار رفته در شعر اوست. شاعر گریستن همراه با عجز و معرکه‌گیری را به زاهدان ریاکار و سماع، پا کوفتن و دست زدن (شادی حقیقی از رهایی نفس) را به سالکان حقیقی که شناخت کامل نسبت به امام خود را دارند، نسبت می‌دهد. او سالکان مسیر حقیقت را شاد و رها می‌بیند چون به امام خود معرفت دارند و زاهدان در بند نفس را اسیر گریستن و خندیدن‌های بی تأثیر می‌داند.

همه سرگشته آن زلف چلیپای وی اند در غم هجر رخس این همه شور و غوغاست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۹)

مرغ پر سوخته را نیست نصیبی ز بهار عرصه جولانگه زاغ است و نوای مگس است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۳)

این همه غلغل و غوغا که در آفاق بود سوی دلداریان و همه بانگ جرس است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۳)

برخیز مطربا که طرب آرزوی ماست چشم خراب یار وفادار سوی ماست
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۶)

فریاد رعد ناله دلسوز جان من دریای عشق قطره مستانه من است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۸)

می‌خانه در هوای وصالش طرب‌کنان مطرب به رقص و شادی و چنگ و چغانه است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۶۱)

جدول رفتار آوایی

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جاننشینی	حیرت عرفانی نسبت به امام عصر خود	این همه شور و غوغاست (ص ۴۹)
جاننشینی	زاهدان ریایی	نوای مگس (ص ۵۳)
جاننشینی	وحدت عرفانی با امام زمان	این همه غلغل و غوغا (ص ۵۳)
جاننشینی	وجد عارفانه	طرب آرزوی ماست (ص ۵۶)
جاننشینی	هجران از امام عصر	رعد ناله دلسوز (ص ۵۸)
جاننشینی	وصال به امام زمان	شادی و چنگ و چغانه (ص ۶۱)

فضا و بوم‌پایی

مطالعه روش‌های استفاده انسان از فضا و ارتباط برقرار کردن با آن، مجاورت و ارتباط نامیده می‌شود. «استفاده از فضا و قلمرو، ارتباط زیادی با فرهنگ دارد. یعنی نحوه استفاده شخص از فضا با اصول ارزش‌های فرهنگی همان شخص تعیین می‌شود» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

فضا و بوم در اشعار امام خمینی رحمته‌الله علیه از مهم‌ترین مؤلفه‌های غیرکلامی است. از آن‌جا که در نگاه ایشان، اولین چیزی که برای دور شدن از آن تلاش می‌کند «خود» است. می‌خانه، حریم و منزل عشق (چون وجود حضرت حجت بوده) برای او از جنت بالاتر و بهتر است. امام خمینی با امام زمان علیه‌السلام که خلیفه‌الله است مصاحبت دارد؛ از این رو این مؤانست در می‌خانه (نماد کوی محبوب) برای او از نشستن در خانقاه (فضای مقدس صوفیان ریایی) و... تقدّس بیشتری دارد. آن فضا و مکانی که عارف را برای لحظاتی هر چند اندک، از تمام اعتباریات جدا می‌سازد و همنشین حقیقت امام معصوم می‌گرداند از هر جای مقدسی محترم‌تر است.

همه جا منزل عشق است که یارم همه جا است کوردل آن‌که نیابد به جهان جای تو را

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۲)

به سرکوی تو ای قبله دل راهی نیست ورنه هرگز نشوم راهی وادی منا

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۳)

از صفای گل روی تو هر آن کس برخورد برکنند دل ز حریم و نکنند رو به صفا

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۳)

لایق طوف حریم تو نبودیم اگر از چه رو پس ز محبت بسرشتی گل ما

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۵)

فارغ از ما و من است آنکه به کوی تو خزید غافل از هر دو جهان کی به هوای من و ماست

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۹)

عشقت از مدرسه و حلقه صوفی راندم بنده حلقه به گوش در خمارم کرد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۲)

دورم از کوی تو ای عشوه‌گر هر جایی که نصیبم ز رخت نامه‌پرانی باشد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۷)

جدول فضا و بوم‌پایی

کارکرد	پیام	رفتار غیر کلامی
جانشینی	وحدت عارفانه با امام عصر	یارم همه جاست (ص ۴۲)
جانشینی	هجرا از امام تلخ است	سرکوی تو (ص ۴۳)
جانشینی	چشیدن وصال امام زمان	نکند رو به صفا (ص ۴۳)
تأکیدی	هجرا از امام تلخ است	طوف حریم تو (ص ۴۵)
جانشینی	حضور عرفانی با امام زمان	به کوی تو خزید (ص ۴۹)
تأکیدی	تسلیم و رضا نسبت به حضرت	از مدرسه و حلقه صوفی (ص ۸۲)
تأکیدی	هجرا و امتحان الهی در ظهور	دورم از کوی تو (ص ۸۷)

بساوایی

این نوع از ارتباط از پیچیده‌ترین و صمیمی‌ترین نوع ارتباطات غیرکلامی است. نحوه لمس کردن، میزان لمس کردن و هدف از آن در نتیجه هنجارهای فرهنگی یک جامعه به وجود می‌آید. لمس کردن نیز گونه‌های متفاوتی مثل «دست دادن»، «در آغوش کشیدن»، «بوسیدن سر و دست و بازو» دارد.



الف) لمس کردن دوستانه و صمیمانه

در این نوع از ارتباط، تفاوت‌های میان فرهنگی بیشتر مشهود است. تعامل کنندگان با احساسات خود نشان می‌دهند که چه میزان هم‌دیگر را دوست دارند و چه مقدار برای هم ارزشمندند. «ابتدایی‌ترین اشکال زندگی، برای تعامل با محیط اطراف منحصرراً به لمس کردن متکی بوده است. لمس کردن مؤثرترین ابزار برای انتقال بسیاری از احساسات و عواطف به شمار می‌رود و تماس بدنی نشان علاقه و پذیرش است» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۹۸). و «افزایش تماس یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که افراد برای تشدید روابطشان مورد استفاده قرار می‌دهند» (وود، ۱۳۷۹: ۳۲۷). بنابراین می‌توان گفت که «تماس بدنی اجتماعی‌ترین شکل ارتباط اجتماعی است. در روابط بین دوستان انواع گوناگونی از سلام و خوشامدگویی و خداحافظی شامل دست دادن، بغل کردن، بوسه زدن بر گونه‌ها، تبریک و تهنیت مجاز است» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۹۴).

ب) لمس کردن اجتماعی - مؤدبانه

در این مورد از ارتباط، تماس جسمانی برای آشنایی هرچه بیشتر و یا اظهار ادب و فروتنی در مقابل دیگران رخ می‌دهد. رعایت اصول میان شاگرد و استاد و همچنین

پای بندی به اصول با دیگران در عرصه اجتماعی و فرهنگی انجام می پذیرد و این رفتارها نشان می دهد آداب خاص تری در لمس کردن افراد با منزلت اجتماعی بالا، نیز هست. «پژوهش های ارتباطات بین اشخاص در مورد لمس افراد در مناظر عمومی بیان کننده این واقعیت است که این عمل به پایگاه اجتماعی از جهات مختلف مانند پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، نژاد و جنس بستگی دارد» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۳۰۵).

رفتار بساواایی در شعر امام خمینی (ره)، همواره با نوعی از تواضع و تکریم نسبت به امام زمان (عج) همراه است. او یار را در بغل می گیرد و از وصال او بهره مند است. به نظر می رسد به وحدت رسیدن جان عارف با حقیقت مطلق امام معصوم که (وصال و مؤانست با خداست) همان به برگرفتن یار و بوس و کنار است و آمدن جان به بر نیز همان مضمون عرفانی را تکرار می کند و شاعر با این رفتار غیرکلامی به حیات حقیقی و معرفتی خود و رسیدن به مرحله وحدت با امام زمان (عج) اشاره دارد.

باده از ساغر لبریز تو جاویدم کرد بوسه از خاک درت محرم اسرارم کرد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۲)

دست آن شیخ ببوسید که تکفیرم کرد محتسب را بنوازید که زنجیرم کرد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۳)

بوس و کنار یار به جانم حیات داد در هجر او نه بوس نصیب است و نی کنار

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۲۲)

مژده ای مرغ چمن فصل بهار آمد باز موسم می زدن و بوس و کنار آمد باز

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۲۵)

سر نهیم بر قدمش بوسه زنان تا دم مرگ مست تا صبح قیامت ز سبویش باشم

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۵۳)

جدول رفتار بساواایی

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
بوسه از خاک در (ص ۸۲)	تواضع و احترام (لمس اجتماعی)	جانشینی
دست آن شیخ ببوسید (ص ۸۳)	تکریم (لمس اجتماعی)	جانشینی
بوس و کنار یار (ص ۱۲۲)	عشقبازی با امام زمان (لمس صمیمی)	جانشینی
می زدن و بوس و کنار (ص ۱۲۵)	عشقبازی با امام زمان (لمس صمیمی)	تأکیدی
بوسه زدن بر قدم (ص ۱۵۳)	تواضع و احترام (لمس اجتماعی)	تأکیدی

محیط

تمامی رفتارهای اجتماعی در محیط فیزیکی رخ می‌دهد. «گاه این محیط عمداً توسط افراد سهیم مرتب می‌شود. مثلاً با چیدن میزها، صندلی‌ها و گاه معمارها و دکورهای داخلی و... یکی از کانال‌های ارتباطی انسان محیط اطراف است مکان‌هایی که افراد برای تعامل با همدیگر گرد هم می‌آیند» (وود، ۱۳۷۹: ۳۱۹). از آن جا که عارف دائماً در مجاورت با خداست؛ لذا محیط فیزیکی برای او معنا ندارد. هر جا و مکانی که یاد خدا و جانشین او همراه اوست محیطی روحانی و مقدس محسوب می‌شود؛ حتی اگر در دید عموم آن جا محل شرک و فسق باشد (مانند بت‌خانه، می‌خانه) از این منظر شعر امام خمینی رحمته‌الله علیه به شعر حافظ شباهت پیدا می‌کند چون از دید او نیز، محیط فیزیکی اگر بستر یاد خدا باشد ارزشمند است؛ خواه می‌خانه یا کعبه باشد. چون در کعبه هم می‌توان حضور داشت و از خدا و جانشینان پاک او خاصه امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف غافل شد.

همه در عید به صحرا و گلستان بروند من سرمست ز می‌خانه کنم رو به خدا
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۹)
خرقه و خانقه از مذهب زندان دور است آنکه دوری کند از این و از آن درویش است
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۵۴)
معتکف گشتم از این پس به در پیر مغان که به یک جرعه می‌از هر دو جهان سیرم کرد
(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۳)

جدول محیط فیزیکی

رفتار غیرکلامی	پیام	کارکرد
رفتن به صحرا (ص ۳۹)	تکریم امام زمان	جانشینی
خانقه زندان (ص ۵۴)	تکریم و تقدیس عرفا نسبت به امام عصر	جانشینی
معتکف شدن به در (ص ۸۳)	تکریم و تقدیس مراد (امام زمان)	جانشینی

زمان

زمان رسمی: زمان رسمی روشی است که از طریق آن یک فرهنگ، زمان خود را تعریف می‌کند و این نوع زمان در بیشتر طول زندگی ما نقشی روزانه پیدا می‌کند.
زمان غیررسمی: زمان غیررسمی به کاربرد نسبتاً منعطف زمان مانند «به زودی» یا

«همین الان» برمی‌گردد. این واژه‌ها چون اختیاری هستند برای افراد مختلف معانی مختلفی در بردارند (برکو، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

مؤلفه زمان در شعر امام خمینی رحمته الله علیه، همواره یادآور امام زمان علیه السلام است و شاعر عارف دائماً در حضور عرفانی خود با ولی حقیقی خداوند است (زمان برای او غیررسمی و نزدیک و منعطف است) چون فاصله‌ای وجود ندارد؛ از این رو زمانی مطرح نمی‌شود. خلقت و شرایط هستی جز تجلی محبوب حقیقی، چیز دیگری نیست. ساعت و به طور کلی هر زمان (گذشته، حال و آینده) برای او یکی است و اصولاً سالک مسافر زمان است و در بی‌زمانی سیر و سفر دارد و از سویی دیگر لفظ زمان او را به معنای حقیقی آن که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است رهنمون می‌سازد.

حدیث عشق تو باد بهار باز آورد صبا ز طرف چمن بوی دلنواز آورد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۸۴)

بهار آمد و گلزار نور باران شد چمن ز عشق رخ یار لاله افشان شد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۰)

بهار آمد که غم از جان برد غم در دل افزون شد چه گویم کز غم آن سرو خندان جان و دل خون

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۱)

بهار آمد بهار آمد بهار گل‌عذار آمد به می‌خواران عاشق گو خمار از صحنه بیرون

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۱)

بگو به شیخ که امشب بهشت موعود است نصیب من به عیان خواه یا نخواه تو شد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۲)

بگو به شیخ که امشب بهشت موعود است نصیب من به عیان خواه یا نخواه تو شد

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۹۲)

باده از دست لطیف تو در این فصل بهار جان فزاید که در این فصل بهار آمده‌ام

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

جدول انواع زمان

کارکرد	پیام	رفتار غیرکلامی
جانشینی	زمان عارفانه و غیررسمی	باد بهار (ص ۸۴)
جانشینی	زمان عارفانه و غیررسمی	بهار آمد (ص ۹۰)
جانشینی	زمان عارفانه و غیررسمی	بهار آمد (ص ۹۱)

تأکیدی	زمان عارفانه و غیر رسمی	بهار آمد (ص ۹۱)
تأکیدی	زمان عارفانه و غیر رسمی	امشب بهشت موعود است (ص ۹۲)
جاننشینی	زمان عارفانه و غیر رسمی	باد فصل بهار (ص ۱۳۷)

نتیجه گیری

در این پژوهش با بررسی کارکرد ارتباطات غیرکلامی در اشعار مهدوی امام خمینی و نقش آنها در انتقال مفاهیم عرفانی به مخاطب این نتیجه حاصل شد که در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه ۴۲٪ بسامد رفتار غیرکلامی در ظاهر فیزیکی، ۱۷٪ در چهره و رفتار چشمی، ۱۱٪ در اشاره و حرکت و ۳۰٪ مابقی در رفتارهای غیرکلامی رفتار آوایی، فضا و بوم پایی، بساوایی، محیط و زمان است. امام در دیوان اشعار خود، اشارات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری به مسئله ظهور دارد و تمام جنبه های سیاسی و اجتماعی را در این مسئله حقیقی و مسلم مکتب تشیع به وحدت می رساند و در آن هضم می نماید. این اشارات گاه مستقیم اند و گاه در پوشش نمادهای عرفانی پنهان مانده اند که با رمزگشایی از آن، تحلیل و بررسی شد.

حرکت غیرکلامی سر در شعر امام خمینی رحمته الله علیه، دربردارنده معنایی عرفانی است و نشان می دهد که تنها با فروتنی و رضا و تسلیم بر درگاه کبریایی حضرت حق است که می توان به معرفت امام زمان (یا مراد حقیقی) دست یافت و در مسیر عشق به ایشان قدم برداشت. اصولاً در شعر او دست آلوده، متعلق به زاهدان ریایی و صوفیان بی بهره از عشق و الفت و عدم معرفت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و دست درویشان بالاست و ذکر حق (امام عصر) می گویند.

رفتار غیرکلامی عضو پا در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه با مضمون انقطاع از غیر خدا و پیوستن به ولی حقیقی او همراه است و همان گونه که انسان بصیر و پا به راه گذاشته در مسیر الی الله بر خود و بر همه چیز، پا گذاشته و دیگر حیاتی ندارد. عارفی که پا در راه حق می گذارد حیات مادی و تعلق خاطر دنیایی خود را از دست داده و سراسر به حیات معنوی و تسلیم در اراده امام معصوم دست یافته است. لب بستن و سکوت در شعر امام ارتباط مستقیم با اسرار الهی (دیدن و وصال به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد. لب گشودن یار به کشف و شهود می انجامد و لب بستن شاعر به دیدن اسرار ختم می گردد.

بسامد بالای استفاده از دفتر، قلم و پاره کردن خرقة که نوعی جامه خاص برای

صوفیان بوده است در دیوان امام کارکرد استعاره از وجود و تعلقات دارد و مدام مورد انتقاد ایشان در ارتباط با زاهد ریاکار و صوفی پر مدعاست.

اشاره و حرکت در شعر امام، نشانگر عالم وجود و خلقت یکباره و تجلی حقیقی حضرت حق در وجود انسان کامل یعنی امام زمان علیه السلام است از این رو تمام ارتباطات غیرکلامی اشاره و حرکت در دیوان امام به پایکوبی و دست افشانی و وجد عارفانه (وصال) می‌رسد.

در اشعار عرفانی امام، مؤلفه رفتار آوایی با معرکه گرفتن زاهدان و رقص و تواجد اهل حال همراه است. دست زدن، پا کوفتن و به رقص آمدن (سماع) مردان حق از نشانه‌های غیرکلامی به کار رفته در شعر اوست.

فضا و بوم در اشعار مهدوی امام خمینی رحمته الله علیه از مهم‌ترین مؤلفه‌های غیرکلامی است. از آن جا که در نگاه ایشان، اولین چیزی که برای دور شدن از آن تلاش می‌کند «خود» است. میخانه، حریم و منزل عشق برای او از جنت بالاتر و بهتر است چون که همنشین با امام زمان علیه السلام می‌باشد.

رفتار بساوایی در شعر امام، همواره با نوعی از تواضع و تکریم نسبت به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه است. از آن جا که عارف دائماً در مجاورت با ولی حقیقی خداست؛ لذا محیط فیزیکی برای او معنا ندارد. از این منظر شعر امام به شعر حافظ شباهت پیدا می‌کند چون از دید او نیز محیط فیزیکی اگر بستر یاد خدا باشد ارزشمند است؛ خواه میخانه و خواه کعبه باشد. مؤلفه زمان در شعر امام خمینی رحمته الله علیه وجه تسمیه نام و مقام امام زمان علیه السلام است که شاعر عارف دائماً در حضور عرفانی خود با اوست (زمان برای او غیررسمی و نزدیک و منعطف است) چون فاصله‌ای وجود ندارد؛ از این رو زمانی مطرح نمی‌شود.

جدول جامع بسامد رفتارهای غیرکلامی در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه

رفتار غیرکلامی	ظاهر فیزیکی	اشاره و حرکت	چهره و رفتار چشمی	آوایی	فضا و بوم‌پایی	بساوایی	محیط	زمان
مصدق	۴۰	۱۱	۱۷	۶	۷	۵	۳	۶

جدول جامع بسامد کارکرد رفتارهای غیرکلامی در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه

کارکرد رفتار غیرکلامی	کارکرد جانشینی	کارکرد تأکیدی
جمع	۷۲	۲۳

جدول بسامد انواع رفتارهای غیر کلامی

درصد بسامد	رفتار غیرکلامی
۴۲٪	ظاهر فیزیکی
۱۱٪	اشاره و حرکت
۱۷٪	چهره و رفتار چشمی
۶٪/۵	رفتار آوایی
۷٪	فضا و بوم‌پایی
۵٪	بساوایی
۳٪/۵	محیط
۶٪/۵	زمان

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۸). *از نشانه‌های تصویری تا متن: به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری*. چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- افراخته، الهیار و مدرسی، فاطمه (۱۳۹۹). روابط غیرکلامی در غزلیات شمس، فصلنامه *کارنامه متون ادبی دوره عراقی*. (۱۱)، صص ۲۰۱.
- امام خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۳۷۴). *دیوان اشعار*. چاپ ششم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- باقری، مهری (۱۳۹۰). مقدمات زبانشناسی. چاپ پانزدهم. تهران: نشر قطره.
- برکو، ری ام (۱۳۹۳). مدیریت ارتباطات فردی و عمومی. (سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، مترجم). چاپ هشتم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه. چاپ دوم، تهران: پورنگ.
- جیمز، جودی (۱۳۷۷). *کلام جسم*، (آرین بوک، مترجم)، چاپ اول، تهران: نسل نو اندیش.

- دیمیک، سالی (۱۳۸۵). ارتباط موفقیت آمیز با NLP. (علی اسماعیلی، مترجم) چاپ دوم، تهران: شباهنگ.
- ریچموند، ویرجینیایی و کروسکی، جمیزمک (۱۳۸۸)، رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درس نامه ارتباط غیرکلامی). (فاطمه السادات موسوی و ژایلا عبدالله پور، زیر نظر غلامرضا آذری، مترجم). چاپ دوم، تهران: دانژه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷). جامعه شناسی ارتباطات. چاپ بیستم. تهران: اطلاعات تهران.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳). مبانی ارتباطات انسانی. ج ۱. چاپ اول، تهران: تایمز.
- کول، کریس (۱۳۷۷). نظریه های ارتباطات. (شاهو صبار، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لوپز، خوزه و اسکات، جان (۱۳۸۵). ساخت اجتماعی. (حسین قاضیان، مترجم). تهران: نشر نی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۹). ارتباط شناسی، چاپ دهم، تهران: سروش.
- مولکو، سامی (۱۳۹۵). زبان تن (راهنمای تعبیر اشاره ها و حرکات بدن). (امید نوری خواجوی، مترجم). تهران: نشر باد.
- وود، جولیاتی (۱۳۸۳). ارتباط میان فردی - روان شناسی تعامل اجتماعی، (مهرداد فیروزبخت، مترجم). چاپ دوم. تهران: مهتاب.



A study of the principles of belief with the focus on awaiting in the poems of "Mohammad Ali Mojadi"

Marzieh Hosseini Roknabadi ¹

Dr. Reza Fahimi ²

Dr. Manijeh Fallahi ³

Abstract

The most important issues of belief in Islam are monotheism, prophecy, and resurrection. Expressing the principles of belief in verse is an effective strategy in expressing the principles of belief and a suitable light in the approach of waiting for the Savior's return. Ritual poetry is a new platform for explaining Islamic beliefs through the medium of art. Writing monotheistic poems, arising from the eternally sorrowful hearts of a guardian-oriented poet, is the fulfillment of an artistic mission. Mahdavi poetry is a simple manifestation of servitude, guardianship centered on waiting for the Savior. Mujahideen "Parvaneh" as the father of ritual poetry is a reviver of Islamic rituals in verse who transmits Shiite culture with jihadist strategies of the culture of waiting to the audience in the form of art. This research, which is organized in a library-analytical manner, illustrates the beliefs, culture of waiting, and beliefs of an artist waiting for the Imam Zaman (PBUH) to the position of legislative guardianship, who has expressed his Mahdavi views and views in simple and poetic language based on rhetoric. The present study is an answer to the question of how Mujahid proposed the waiting approach based on legislative authority?

Keywords: Principles of belief, ritual poetry, waiting culture, the Savior's return

1. Ph.D student Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(m.h.roknabadi10@gmail.com)

2. Assistant Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(Corresponding Author)(Fahimi.reza@alumni.ut.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(Fallahi@iau-saveh.ac.ir)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی اصول اعتقادی با محوریت انتظار در اشعار «محمد علی مجاهدی»*

مرضیه حسینی رکن آبادی^۱

رضا فهیمی^۲

منیژه فلاحي^۳

چکیده

مباحث اعتقادی مانند توحید، نبوت و معاد، دارای جایگاه ویژه‌ای در اسلام است. انتقال موثر این مباحث همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بزرگان دین بوده است. یکی از راهبردهای مؤثر برای بیان اصول اعتقادی استفاده از زبان هنر به خصوص در عصر حاضر است. اشعار آئینی، بستری نوین در تبیین عقاید اسلامی با رسانه هنر است. سرودن اشعار توحیدی، برخاسته از قلوب دائم‌المحزون شاعر ولایت‌مدار، انجام یک رسالت دینی در قالب هنر است. در این میان سرودن شعر مهدوی، جلوه‌ای ساده از عبودیت و ولایت‌مداری با محوریت انتظارمنجی است. مجاهدی متخلص به «پروانه» در جایگاه پدر شعر آئینی قرن معاصر، احیاگر شعائر اسلام با زبان منظوم است که فرهنگ شیعی مانند فرهنگ انتظار را در قالب هنر به مخاطب انتقال می‌دهد. این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای تنظیم شده است، تصویرگر اعتقادات، فرهنگ انتظار و باورهای یک هنرمند منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه به جایگاه ولایت تشریعی است که آراء و دیدگاه‌های مهدوی خود را با زبان ساده و شاعرانه، مبتنی بر بلاغت، بیان کرده است. پژوهش حاضر پاسخی به این پرسش است که مجاهدی، رویکرد انتظار را بر پایه ولایت تشریعی، چگونه مطرح کرده است؟

واژگان کلیدی

اصول اعتقادی، شعر آئینی، فرهنگ انتظار، فرج منجی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ایران (m.h.roknabadi10@gmail.com).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول) (Fahimi.reza@alumni.ut.ac.ir).

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (Fallahi@iau-saveh.ac.ir).

انتظار، حالتی روحی است که از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و در تمام شئون زندگی فرد اثر می‌گذارد. تلاشی هدفمند که برای تغییر حالت موجود و ایجاد شرایط مناسب است. منتظر واقعی کسی است که در میان مردم باشد و با برنامه‌ای معین، برای تغییر یا بهتر شدن وضعیت فعلی، مطابق مکتب اسلام عمل و به هم‌نوعان خود خدمت کند. اسلام دین محبت است و «آخرین سیر انسانیت را خدمت و محبت می‌داند» (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۰۳). خدمت به خلق، زمینه ایمان است. «یکی از ابعاد وجودی حضرت حجت، قیام برای اصلاح وضعیت جوامع بشری و بسط عدل و حکمت در آن است از این رو ایشان خود در رأس هرم منتظران قرار دارند» (هادی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵۳). یکی از شیوه‌های خدمت به اسلام، سرودن شعر با زبان فصیح است. ارزش منتظران در نگاه پیامبر اسلام ﷺ چنین است که فرمودند:

آنها چراغ هدایت‌اند و خداوند آنها را از هر فتنه گمراه‌کننده‌ای نجات می‌دهد (هادی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵۴).



مجاهدی شاعری است که برای نصرت دین اسلام، سال‌ها در مدح اهل بیت علیهم‌السلام شعر سرود و شاگردان بسیاری پرورش داد. محمدعلی مجاهدی ملقب به شمس‌الدین و متخلص به «پروانه» با بررسی متون نظم پارسی و شعر آئینی، عنوان «پدر شعر آئینی» را به خود اختصاص داد (مرادی، ۱۳۹۶: ۵۵۹). او به عنوان هنرمند آئینی، در عرصه کلام منظوم، این رسالت را بر دوش گرفت. «مجاهدی بی‌هیچ تردید پرکاربردترین چهره شیعی روزگار ماست. اصطلاح «شعر آئینی» برخاسته اوست و در هر جایی، به هر نحو که برای پیشبرد شعر مذهبی از او یاری خواسته‌اند، دریغ نکرده است. ۷۷ کتاب چاپی در طول ۳۲ سال، گواهی بر این پرکاری است» (بیات، ۱۴۰۳: ۲۴). تغییراتی که در عرصه شعر آئینی ایجاد شد به همت او بود. «برای نخستین بار پس از انقلاب، دیوان عثمان سامانی را احیا و روانه عرصه شعر و ادبیات کرد و در اشعار خود کوشید تا زبان عثمان سامانی را به طور هنرمندانه برای عام‌ترقی بخشد. شعر مجاهدی آمیزه‌ای از فکر مولانا، در ساحت احساس سعدی و لحظات شاعرانه حافظ را آئینه می‌شود، شعر او آمیزه‌ای از هنر شعر فارسی است» (محمد زمانی، برقی، ۱۳۹۱: ۱۰ - ۹).

کلام روشنگرانه مجاهدی به عنصری جریان‌ساز تبدیل شد. وی در تمامی قالب‌های

کلاسیک، شعر سروده است. «برای پی بردن به ویژگی ذهنی و زبانی، باید به بررسی سبک شخصی پرداخت» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۹۳).

از جمله مفاهیم برجسته و قابل اهمیت در شعر مجاهدی، بزرگداشت شعر مهدوی و انتظار فرج است. نگاه عاشقانه و ارادت او به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخاطب را به ارزش های الهی چون امیدواری، برپایی عدالت، آرامش، وحدت و ظلم ستیزی دعوت می کند؛ او با زبانی ساده به صورت تمثیل، نماد، با استناد به آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام، با رویکرد ترویج انتظار فرج، به کار خود اعتبار می بخشد. مجاهدی به مخاطب کمک می کند تا با یک باور عمیق و بینشی آگاه، برای رفع موانع ظهور تلاش کند و منتظر فرج باشد.

پیشینه

۱. مقاله تحلیلی بر مسئله انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت، اثر ریحانه سادات علوی (پژوهش نامه موعود، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سال چهارم، شماره ۷، ص ۱۴۲-۱۲۱)؛ هدف نویسنده آشنایی با ابعاد انتظار، وظایف منتظران و تأثیر انتظار بر انسان است. به عقیده نویسنده انتظار فرج، موجب تلاش انسان در امر خودسازی، تقویت روحیه و ایجاد انگیزه می گردد که از طریق ارتباط بیشتر با علماء و برپایی مراسم خاص دعا و ذکر این آمادگی معنوی تقویت می شود.

۲. بررسی مفهوم انتظار و وظایف منتظران در شعر شاعران انقلاب اسلامی به قلم شکوفه دارابی (پژوهش های مهدوی، بهار ۱۴۰۰، شماره ۳۶، علمی ترویجی، حوزه علمیه، ص ۲۹-۷) نویسنده اذعان دارد مقوله انتظار موعود در اشعار شاعران انقلاب اسلامی، جایگاه خاصی دارد و شاعر شیعی می تواند با استفاده از خلاقیت ادبی خود به عنوان نماینده مکتب موعودگرایانه، انتظار فرج را نعمتی برای همه جهانیان معرفی کند و بر افکار یک ملت اثرگذار باشد.

۳. کارکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه منتظر از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، زینب عزیزی (موعودپژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳، ص ۷۴-۶۷) نویسنده عقیده دارد رویکرد این اندیشه، زمینه سازی برای جامعه عبودیت محور به رهبری انسان معصوم است که مدیریت آینده جهان هستی و برپایی حکومت عدل جهانی به دست اوست.

۴. قرآن و سبک زندگی مهدوی، اصغر طهماسبی بلداجی، فاطمه مرادی (بیتات، تابستان و پائیز ۱۳۹۳، شماره ۸۲ و ۸۳، ص ۱۵۶-۱۳۷) زندگی مهدوی، حوزه‌های فردی و اجتماعی منتظران را تحت الشعاع قرار می‌دهد و باید و نباید آن، برگرفته از فرامین الهی و باورهای اعتقادی یعنی اصل امامت و ولایت است تا به صفات کمال آراسته گردد. در این مقاله سعی شده است در مورد رویکرد اعتقادی مجاهدی با محوریت ولایت تشریعی، مباحثی با زبان ساده، بر پایه بلاغت، مطرح شود.

جلوه‌های اعتقادی شاعر منتظر

۱. جلوه توحید در شعر انتظار

زمان، زمان و لی خدای لم یزلی است
که دولتش ابدی و ولایتش ازلی است
به ما سواست امیر و به هر دو کون ولی است

که آخرین خلف صالح، محمد است و علی است

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۵۲۵)

ولایت همه امور عالم به عهده حق تعالی است، خداوندی که اول است بدون آن که پیش از او اولی بوده و آخر است بی آن که پس از او آخری باشد. مصرع اول شاعر برگرفته از دعای اول صحیفه سجادیه است و اشاره به توحید ذاتی و یکتایی خداوند دارد، حق تعالی وجودی ازلی و ابدی دارد و با صفات یگانه‌ای چون محبت، لطف، قدرت، علم و... به اراده خود، موجودات را بر حسب مصلحت می‌آفریند و از عالم ذر به دنیا، برزخ و قیامت روانه می‌کند و برای هر جاندار، روزی معلوم و قسمت شده‌ای قرار می‌دهد، عمری معین می‌کند و در نهایت جان او را می‌گیرد و در قیامت به اعمال او رسیدگی می‌کند. خداوند از در رحمانیت با میثاقی که در عالم ذر با انسان می‌بندد، نعمت عقل یا رسول درونی را به او عطا می‌کند و سپس انسان را به عنوان خلیفه خود در کره زمین قرار می‌دهد تا با هدایت رسول درونی و بیرونی به توحیدی عملی برسد، فقط فرمان خداوند را اطاعت کند و به مقام قرب الهی و کمال انسانیت که هدف آفرینش است، برسد.

پیامبر ﷺ فرمود:

امامان پس از من، دوازده تن هستند، نخستین ایشان تویی ای علی، آخرین ایشان

قائم است که خدای تعالی به دست او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح می‌کند (کورانی، ۱۳۹۶: ج ۱، ۲۰۲).

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

حجّت خدا پیش از خلق است و همراه خلق است و پس از خلق است (ابن بابویه، ۱۳۹۴ق: ج ۱، ۷).

مجاهدی در این ابیات، اشاره به رابطه میثاق توحید و مقام ولایت دارد که هردو در طول هم و چون حلقه‌های زنجیر متصل هستند. در بیت اول به توحید و یکتاپرستی اشاره می‌کند و در بیت دوم پیشگامی پذیرش میثاق رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) با خداوند، بیان شده است، «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَفْهِتُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْملُونَ، كَفَّارَ گفتند خداوند فرزند گرفته است! منزه است او، بلکه آنان بندگان گرامی هستند» (انبیاء: ۲۶-۲۷). در عالم میثاق، حضرت محمد (ص) و اهل بیت (ع) در پذیرش فرمان خدا، پیش قدم شدند و هیچ‌گاه از فرمان خدا پیشی نگرفتند و این اطاعت و سر تسلیم فرود آوردن در محضر خدا، رمز کرامت آن بزرگواران شد. به همین جهت رسول خدا (ص) و ائمه بزرگوار به عنوان بهترین الگوی خداشناسی و رسیدن به کمالات انسانی به بشر معرفی شدند.

امام صادق (ع) به زراره، دعایی تعلیم فرمودند تا در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من شناسانی فرستاده‌ات را نشناخته‌ام، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من شناسانی حجّت را نشناخته‌ام، خدایا حجّت را به من بشناسان، زیرا اگر حجّت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم (مجلسی، ۱۳۵۰: ج ۱۳، ۹۲۳).

شاعر آئینی با تمسک به روایت امام صادق (ع)، مسیر زندگی خود را تنظیم می‌کند و می‌داند ولایت مداری یکی از ارکان دین اسلام است و این دستورات، زمانی جامه عمل می‌پوشد که انسان مطابق آن عمل نماید. شرط پذیرش اعمال انسان و رشد او، ولایت مداری و اجرای فرامین الهی در زندگی است. یکی از شروط رسیدن به کمالات، آراسته شدن به صفات خداوند، پذیرش تقدیرات الهی و رسیدن به مقام رضا و تسلیم

است.

مجاهدی در اشعارش، اعتقاد قلبی و باور دینی خود را نسبت به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان واسطه فیض الهی و دلیل خلقت، منعکس می‌کند و عقیده دارد اهل بیت علیهم السلام شعاعی از آفتاب حضرت رحمان هستند و هر انسانی برای عبور از مرحله تکوین و آراسته شدن به کمالات انسانی، نیازمند هدایت تشریعی است تا صفات الهی را بشناسد و فطرت خود را با اسماء الهی بیاراید. اهل بیت علیهم السلام به عنوان جلوه‌ای از صفات الهی، کامل‌ترین الگو و بهترین مربی برای هدایت بشر و رساندن او به مقام انسانیت هستند. اولین جلوه پروردگار، علی علیه السلام و آخرین نور مقدس و جلوه رحمانی، حضرت بقیه الله، هم‌نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

آگاه باشید مهدی علیه السلام ولی خدا در زمین و حکم خدا در مخلوقات و امین خداوند در آشکار و نهان است (نوری، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

مجاهدی با ایمان به خدا، با کسب فیض از حضرات معصومین علیهم السلام، به این رزق رسیده است، به حتم شاعر تا مراتب معرفت و عبودیت را طی نکند به مرحله عنایت و توجه اهل بیت علیهم السلام نمی‌رسد.

شهی که شهره شهر است نام آوری اش مهی که زهره و ناهید هست مشتری اش
مطیع حکم مطاع است دیو تا پری اش شده است قسمت خورشید دژه پروری اش
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۵۲۶)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به عنوان انسان‌های کامل و الگوهای اخلاقی انسان، جایگاه ویژه‌ای دارند. شاعر با نماد، جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به مخاطب معرفی می‌کند. سیاره مشتری در علم نجوم، به عنوان بزرگ‌ترین سیاره منظومه شمسی، نماد قدرت، عظمت و اشاره به اولین انسان کامل، پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، زهره دومین سیاره نزدیک به خورشید، نماد زیبایی و جذابیت و اشاره شاعر به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، ناهید به جهت درخشندگی نماد عشق و زیبایی و اشاره شاعر به حضرت زهرا علیها السلام است. از امام عسکری علیه السلام نقل شده است:

رخسار فاطمه زهرا علیها السلام برای امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز روز، بسان خورشید تابان درخشش می‌یافت و ظهرگاهان، همچون ماه تابان و شامگاهان، مانند ستاره فروزان

تابناک بود (رحمانی همدانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

دلیل اطاعت همه خلایق از بزرگان دین، عشق و محبت بین آنها و کمالات و زیبایی های معنوی آنهاست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همه چیزها حتی آسمان ها، زمین، خورشید ماه، ستارگان، کوه ها، درختان، جنبندگان، دریاها، بهشت و دوزخ از ما اطاعت می کنند (یزدی حایری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۴۰). یکی از اصول مهم اعتقادی شیعه، هدایت تکوینی و اطاعت موجودات از خدا و اهل بیت علیهم السلام است، به عنوان مثال پرندگان ابابیل در سوره فیل:

«لم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل، لم يجعل کیدهم فی تضلیل، و ارسل علیهم طیرا ابابیل، ترمیمهم بحجاره من سجیل، فجعلهم کعصف ما کول»؛
آیا ندانسته ای پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ آیا نیرنگ های شان را تباه نکرد؟! و بر ضد آنها گروه گروه پرندگانی فرستاد که بر آنها سنگ هایی از نوع سنگ گل می افکندند، سرانجام همه آنها را چون کاه جویده شده قرار داد (فیل: ۵-۱).

سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله با اسب براق، وجود تار عنکبوت در دهانه غار حرا برای حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، در تاریخ معصومین علیهم السلام معجزات بسیاری از خداوند نقل شده است. و از کلام نورانی قرآن به سوره جن اشاره می شود:

سلطنت عشق به نام وی است

خضر نبی، پیر غلام وی است

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۳۰)

این بیت اشاره به امامت آخرین منجی بشریت، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد که در غیبت کبری، حضرت خضر علیه السلام مونس و همراه ایشان هستند و از غربت حضرت می کاهند، در زمان ظهور نیز حضرت را در هدایت بشر و اصلاح جامعه همراهی می کنند. در قرآن کریم این همراهی برای حضرت موسی علیه السلام نیز ذکر شده است. «پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم» (کهف: ۶۵) و در احادیث امام رضا علیه السلام فرمودند:

حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید، او تا زمانی که در صور دمیده شود زنده است، خداوند به وسیله او تنهایی قائم ما را در زمان غیبتش، به انس مبدل می سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۲۹۹).

حضرت خضر علیه السلام به عنوان یک شخصیت و راهنمای معنوی در تاریخ متمدن ادیان الهی نقش داشته است.

۲. جلوه ولایت تکوینی و تشریعی در شعر انتظار

بام و دراز بوی خدا پُر شده است بوی خدا در همه جا پُر شده است
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۳۰)

شرط هدایت بشر، پیروی از دستورات الهی است. شاعر اشاره به موجوداتی غیر از انسان می‌کند که زیر چتر الهی از آن مقام مقدس، فرمان می‌برند و در ادامه سخن اشاره به هدایت انسان می‌کند که هر انسانی بعد از هدایت عامه، به طور طبیعی کمال‌گراست و تلاش می‌کند تا خود را به فلسفه خلقت که رسیدن به صفات خداوند و مقام انسانیت است، نزدیک کند. بهترین هادی بشر برای رسیدن به کمالات انسانی اولیای الهی هستند، شاعر از نبودن حضرت، ندبه می‌کند و می‌گوید:

گمان مبر که همین جان سپرده‌ام بی‌تو
قسم به جان عزیزت که مرده‌ام بی‌تو
اگرچه دست خیالم به دامن‌ت نرسد

خوشم که دل به خیالت سپرده‌ام بی‌تو

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۰)

و در ارتباطی که با حضرت برقرار می‌کند در خیال خود پاسخ ندبه را از حضرت می‌گیرد که می‌فرمایند:

چون دل تو، ره به خدا داشته است ره به حریم دل ما داشته است
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۸۰۵)

شاعر آئینی می‌داند تنها راه رشد و متّصف شدن به صفات الهی و رسیدن به جایگاه انسانیت، تمسک به اهل بیت علیهم السلام است که اگر عنایتی از بزرگان الهی برای شخصی دلخسته و عاشق صورت گیرد، به اذن و قوه الهی انجام می‌شود.

۳. تجلی آیات و روایات در شعر منتظر

لن ترانی شنوی گرازنی گویی باز پرده افکندم از این راز که بیناکنمت
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۲۱)

تکرار کلمات همجنس: ترانی، ارنی

تکرار حرف (ر) در کلمات: لن ترانی، ارنی، پرده، راز

کاربرد واژگان عربی (لن ترانی، ارنی)

از ویژگی‌های ادب آئینی، تأکید بر کلام با تکرار است، کاربرد واژگان عربی با ریشه روایی، آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به منظور استفاده از روش اقتباس است، رباعیات مجاهدی منظومه‌ای از حکمت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌باشد.

بیت فوق اشاره به سخن موسی علیه‌السلام در میقات دارد که از خدا خواست خودش را به او نشان دهد، خداوند فرمود: هرگز مرا نخواهی دید آیه *«قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ، قَالَ لَنْ تَرَانِي»* (اعراف: ۱۴۳)؛ همچنین اشاره به فرازی از دعای ندبه است *«مَتَى تَرَانِي وَ تَرَاكَ،* چه زمانی ما تو را می‌بینیم و تو ما را؟». مجاهدی با اشاره به این عبارت از دعای ندبه نشان می‌دهد شاعری پویا و منتظر حضرت و پذیرای حق و حقیقت است و برای رسیدن به کمالات انسانی و قرب پروردگار، باید دست به دامن اهل بیت علیهم‌السلام باشد تا پله‌های ترقی را بپیماید. اگر شاعر برای مدحی زبانش گشوده می‌شود، به حتم باید بداند که با کسب فیض از عالم بالا، نطق او گویا شده و کنارخوان سفره اهل بیت علیهم‌السلام تلمذ نموده است که این عنایت و توجه را باید غنیمت شمرد.

مرا به بزم خراباتیان که می‌نوشند می‌طهور به ذکر هو الغفور بیر

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۲۴)

مصرع دوم اشاره به «شراباً طهوراً» در سوره انسان، آیه ۲۱ دارد. شاعر شیعی، کمال‌گراست و برای رشد و شکوفایی خود و جامعه، برنامه‌ریزی دارد، تلاش می‌کند تا از طریق خودسازی و هدایت تشریعی، خود را متصف به صفات الهی کند. مجاهدی آگاه است که تا جهاد نفسی صورت نگیرد، فیضی شامل حال شاعر ولایی نخواهد شد، باور رحمانیت و غفارت خدا، امیدواری به بخشش کریمانه حضرت باری تعالی است.

ز روز ازل مست جام تو بودم کنون نیز سرخوش ز جام الستم

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۹)

این بیت، به آیه *«الست برّکم»*، آیا من پروردگار شما نیستم؟ (اعراف: ۱۷۲) اشاره دارد. خداوند در عالم ذر، از انسان تعهد گرفت و گفت: آیا من پروردگار شما نیستم؟ پاسخ همه مثبت بود و همه گفتند: ما گواهی می‌دهیم که تو خدا و آفریننده ما هستی، خداوند

فرمود: مبادا در روز قیامت بگوئید ما از این گواهی بی خبر بودیم. مجاهدی با واژگان عرفانی، لذت ارتباط عاطفی خود با پروردگار را ترسیم و ولایت مداری خود را اعلام می‌کند.

توای سلاله خورشید دژه پرور باش مباد آن‌که چو زلفت به پیچ و تاب شوم
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۹)

شاعر به بخشی از دعای ندبه اشاره می‌کند، «یا بن الشموس الطالعه، سلام بر توای فرزند خورشید ای آشکار شده تابان» شاعر آئینی با چنگ زدن به دامن اهل بیت (علیهم‌السلام) و بی‌قراری‌های شبانه و در عهدهایی که با حضرت می‌بندد، با سلام‌هایی که در دعای آل یس به حضرت می‌دهد به دنبال پاسخ حضرت و عنایت خاص اوست تا درجات خود را ارتقا می‌دهد، زبان تواضع شاعر منتظر در واژه (دژه پرور) و بی‌قراری‌های او در کلمه (پیچ و تاب زلف) کاملاً مشهود است.

امام منتظر و حجت زمان مهدی امام عصر ولی جهانیان مهدی
(مجاهدی، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

اشاره شاعر به «السلام علیک ایها الامام منتظر و الحق المشتهر، سلام خدا و برکات و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) صاحب تمام روزگاران و عصرها» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۹، ۸۴) مجاهدی با کاربرد عبارات نورانی امام منتظر، حجت زمان، مهدی، امام عصر، ولی جهان، اظهار عشق و ارادت خود را به محضر ولی الله نشان می‌دهد و در کلامی منظوم به مخاطب انتقال می‌دهد.

۴. جلوه معاد در شعر انتظار

چو شمع رشته باریک عمر می‌سوزد چرا مجال به «پروانه» تا سحر ندهند؟
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۹۸)

به موج خیز حوادث که دامگاه بلاست شکسته کشتی ما رفت و برکناره رسید
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

ما و مجنون از حساب روز محشر فارغیم نامه ننوشته را، آن‌جا نمی‌خواند کسی
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

ابیات فوق تفکر عمیق شاعر در باره کوتاهی فرصت عمر در دنیا و رفتن به سرای دیگر است، زندگی در عالم پس از دنیا به دو بخش: بهشت، جایی ماندگار برای بندگان

نیکوکار و جهنم، مکانی برای افراد گناهکار و کافر است که بر حسب عمل‌های خود به بلاها و عذاب‌های شدید دچار می‌شوند. اعتقاد به قیامت و ترس از حسابرسی در آن عالم به عنوان یکی از اصول اعتقادی، زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. یاد مرگ عنصر بازدارنده مهمی در کنترل نفس است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر رویکردهای انسان در زندگی دنیا، تصمیم‌های او، دوری از گناه و ترس از آتش جهنم داشته باشد. حسابرسی اعمال، عنصر بازدارنده انسان از خطا و دوری از وسوسه شیاطین است و انسان می‌تواند اعمال خود را با انگیزه رسیدن به عقوبت ماندگار، با شناخت و بینشی درست، در زندگی، با دستورات الهی تنظیم کند. اعتقاد به عالم قیامت به عنوان یک اصل دینی، نقش مهمی در اخلاق و رویکردهای انسان در زندگی دنیوی دارد و تلاش می‌کند با رعایت حق و عدالت زندگی روشنی داشته باشد و به تکلیف بندگی بهتر عمل کند. دو بیت اول اشاره به کوتاهی عمر و حادثه قیامت و سرعت انتقال انسان از جایگاه دنیا به برزخ و قیامت است. مجاهدی سرعت عمر دنیا را به سوختن رشته باریک شمع تشبیه می‌کند و حوادث دنیا را دامگاهی برای آزمون انسان می‌داند؛ وقتی پایان عمر انسان در دنیا فرامی‌رسد، روح از کالبد بدن خاکی جدا می‌شود و به برزخ منتقل می‌شود، مجاهدی خود را با لفظ (کشتی شکسته) تعبیر کرده است.

۵. جلوه عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی در شعر انتظار

قاف تا قاف جهان پر شد ز ظلم، ای حجت حق تکیه زن بر مسند عدل الهی، داوری کن

(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

تیغ برکش از نیام و قصد جان دشمنان کن پای بر زن بر رکاب و حمله‌های حیدری کن

(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

عدل و مساوات، پرهیز از ظلم و جلوگیری از رفتارهای تبعیض آمیز، گوشه‌ای از دستاوردهای دولت کریمه امام مهدی علیه السلام است (ثقفی، ۱۳۹۳: ۳۶). وظیفه یک هنرمند ولایی، رهبری قلوب است تا با ابزار اثرگذار خود در خدمت جامعه باشد و در رفع موانع ظهور جهاد کند.

ظلم‌ستیزی در ادبیات به عنوان یک ژانر ادبی به تبیین مفاهیم عمیق اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. مجاهدی در بیت فوق گله از مشکلات می‌کند و ظهور و فرج را طلب می‌کند. او در گفتگو با حضرت، بر ضرورت برقراری عدالت تأکید می‌کند و این نکته را

دلیل مهم انتظار خود در رفع ظلم می داند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ما حجت های بالغه خدا برای هر که زیر آسمان و روی زمین است، هستیم (کلینی، ۱۳۷۵ق: ج ۱، ۲۷۴).

بیان شاعر منتظر در کلام منظوم، نه فقط ایجاد بستری مناسب برای تبیین است بلکه او با یادآوری ظهور مصلح، مخاطب را به تلاش و حرکت، خودسازی و دوری از ظلم و ستم نیز ترغیب می کند.

فرهنگ سازی انتظار منجی

۱. جلوه انتظار در احساس مسئولیت شاعر

گفتند: گوهر فروشید اما خرف هم نبودید ای کاش از روز اول تحریم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)

افسوس دل های سنگی! از غم نصیبی نبردید با آن که مفهوم غم را تعلیم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

به نقل از اساتید اخلاق از جمله محمد شجاعی، بی توجهی به فرمان عقل به عنوان پیامبر درونی و فرمان خدا و اولیای الهی، باعث انحراف و غلبه هوای نفس و مخالفت با هدایت می شود. هدایت اگر صورت نگیرد رذایل اخلاقی در فرد بروز می کند و بر اثر تکرار، نهادینه می شود. اگر رذایل اخلاقی در فرد ماندگار گردد، زندگی اجتماعی و معنوی او را تحت الشعاع قرار می دهد و وسوسه های شیاطین شدت یافته، بر قلب و روح او اثر می گذارد. شاعر منتظر توصیه می کند انسان برای بهبود رفتار خود لازم است به فضایل اخلاقی روی آورد و خود را اسیر هوس های دنیا نکند.

امروز اگر مثل دیروز، بد راه و کجرو نبودید در طول این راه پر پیچ، تنظیم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

این بیت مصداق افرادی است که در سوره نحل خداوند به آنان اشاره فرموده است:

هرچند بر هدایت شان حریص باشی، هدایت نمی یابند، زیرا خدا کسانی را که به سبب تکبر و عنادشان گمراه می کند، هدایت نخواهد کرد و برای آنان هیچ یآوری که از گمراهی نجات شان دهد وجود ندارد (نحل: ۱۶).

هدایت عامه کار خداوند علیم است و پذیرش آن توسط انسان صورت می گیرد و هو

اعلم بالمهتدین، او به رهیافتگان دانا تر است» (قصص: ۵۶). این افراد بر حسب اختیار، رویکردی ضد دین دارند و پیمودن مسیر لذت زود گذر دنیا، نهایت آرزوی آنهاست. بی نهایت طلبی آنها ماندن در مرحله گیاهی و غرق شدن در لذت های دنیایی است. جای بندگی خدا، بندگی شیطان را پذیرفتند و خود را نیازمند هدایت نمی بینند. می توان آیا درین دنیای کور و کر پرست

زندگانی کرد با یک مشیت زور و زر پرست

نیست آیا داستان تیغ این سینه ها

قصه آئینه های تار و خاکستر پرست؟

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

مجاهدی با تمثیل (گوساله سامری) و کاربرد تیپ ها و نمادهای ضد دین (نمرودیان، قبطیان، گوساله پرست، مشرب یزیدی، آئینه تار، خاکستر پرست، بتگر) مخاطب را با عبرت های تاریخ، پند می دهد تا اسیر هوس های دنیایی و وسوسه شیاطین نشوند و از شبهه هایی که منافقین در دین و اصول عقاید ایجاد می کنند دوری نماید. چشم تا بر هم زنی، قربانی گوساله اند

قبطیان سامری خوی زر و زیور پرست

با زبانی جز تبر دیگر سخن گفتن خطاست

باشما نمرودیان بتگر و آزر پرست

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۶)

همیشه سامریان! از چه رو برآشفتید؟!

رسول معجزه مات است از جسارت تان

همیشه مشرب تان، مشرب یزیدی بود

دل حسینی مان سوخت از شرارت تان

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۱۰)

مجاهدی این روشنگری را وظیفه خود می داند و در بیت زیر به آن اشاره می کند:

باغبان باید چراغ لاله ها تا می شکفت دور را از دست باد هرزه گردی می گرفت

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۴۱)

مجاهدی با مشاهده تحولات و فراگیر شدن ضد ارزش ها، برحسب رسالت هنری خود احساس مسئولیت می کند و بر نیاز بشر به منجی تأکید می کند و برای نجات و سعادت بشر از خدا کمک می خواهد.

موج بحر کفر، پهلوی می زند بر ساحل دین نوح شو، طوفان به پا کن، ملک دین را لنگری کن (مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

پیامبر ﷺ فرمود:

مثل اهل بیت من در میان شما، مانند کشتی نوح است هر که بر آن نشیند نجات یابد و آن که تخلف کند در آتش افکنده می شود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷).

مجاهدی با کاربرد تمثیل و کاربرد فعل امر، با مفهوم التماس، در جایگاه ردیف، از حضرت، تمنای ظهور می کند. در مصرع اول شناخت شاعر و غصه های او از اوضاع جامعه و غربت دین اسلام مطرح می شود و در مصرع دوم، با سه جمله امری، حضرت حجت ﷺ را دعوت به ظهور می کند.

ستاره باز به دامن شب دوید، بیا سرشک شوق ز چشمان شب چکید، بیا (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۷)

بیای که قافله شب از این دیار گذشت سپیده سرزد و مهر از افق دمید، بیا (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۸)

کنون که دامنم از اشک شوق لبریزست بیای که من ز وصال تو کامیاب شوم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

شاعر با کاربرد ردیف امری، واژگان غنایی سرشار از غم (شب) (سرشک)، واژگانی که تداعی تکاپو و عجله امت را به ولی الله برساند (دوید، سرشک چکید) فریاد انتظار سر می دهد و با این شیوه تبیین، ضرورت نیاز بشر به منجی را به مخاطب نشان می دهد و از حضرت می خواهد با ظهور خود او را (کامیاب) کند.

به شام تیره هجر و به صبح روشن وصل درین دو لحظه پر التهاب با من باش (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۳)

صلای هاتف غیبی ز عرش می آید که شد دعای فرج مستجاب، با من باش (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۴)

یکی از شرایط روحی انسان منتظر حضرت، دعای مداوم برای تعجیل در فرج و درخواست کمک و هدایت از امام برای نجات از التهاب‌های درونی است. شاعر ولایی مطابق رسالتی که در امر ارشاد مردم دارد، برای ترویج انتظار فرج، از محضر حضرت، درخواست کمک می‌کند تا در غیبت و جلوت، حضرت عنایت خاصی به او داشته باشند.

۲. جلوه انتظار در تمدن سازی

به جستجوی تو دل با کمند نور خوش ست ببین که ذره ی ما در کمین خورشید است
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۵۹)

اگر درمان درد خویش می خواهی، بیا این جا دوا این جا، شفا این جا، طبیب دردها این جا
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۱۵)

درد و رنج به طور فطری برای همه انسان‌ها ناخوشایند است. برای رهایی از درد و رنج‌های ناشی از گناه و برای دور ماندن از گناه، اتصال به وحی مهم‌ترین اقدام انسان است. برای رفع این نیاز، انسان می‌داند اگر دست نیاز به سوی حق بلند کند و با چنگ زدن به دامن اولیای الهی، درد و رنج‌های خود را به درگاه خدا شکوه کند و مطابق دعای «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک» از خدا بخواهد، به حتم گشایشی صورت می‌گیرد و شخص می‌تواند قدم اثرگذاری برای رفع موانع ظهور بردارد. او با تبیین ضرورت شناخت مقام عظمای ولایت، احساس امید به فرج و عشق به حجة الله را در مخاطبان خود زنده می‌کند. به عقیده مجاهدی رفع مشکلات منتظران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل یک تمدن نوین اسلامی در سراسر جهان است و لازمه اش، تکاپو و حرکت به سوی جهاد نفسانی، آراسته شدن به صفات الهی، وحدت میان مسلمانان و توسل به واسطه‌های فیض الهی امامان معصوم علیهم السلام است و از مخاطب می‌خواهد در مشاهد شریف حضور یابد.

یکی از جلوه‌های تمدن سازی انتظار، برپایی موکب‌های ایام اربعین در مسیر کربلا و جمکران است.

زمانه در تب شب این قدر نمی سوزد به آفتاب اگر فرصت ظهور دهد
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

برای عبور از غیبت کبری و رسیدن به جامعه مهدوی، رهبر انقلاب مؤلفه‌هایی

تعریف نمودند: «برقراری قسط، عزّت، برادری، معنویت و علم» این نقشهٔ کلی رهبر در بیانیهٔ گام دوم انقلاب است، و این مشخص می‌کند شهر قم جایگاه بلندی برای اسلام، مؤمنین، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برای ایجاد یک تمدن بزرگ است، جمعیت بیست و پنج میلیون در شب نیمهٔ شعبان یک اتفاق تمدنی است.

۳. جلوه انتظار در التجاء و استغاثه

گاه گاهی به نگاهی دریاب دل ما را دریاب جان به لب آمده از درد، خدا را دریاب
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۷)

مجاهدی به عنوان یک شاعر ولایی با استفاده از استغاثه و فریاد جانسوز به درگاه خدا، عواطف عمیق انسانی و مهر درونی خود نسبت به خالق را نشان می‌دهد و از خدا، پدر معنوی خود را طلب می‌کند، این کار شاعر با فریاد و صدای بلند صورت می‌گیرد و احساسات پاک و عمیق او را به مخاطب نشان می‌دهد. در واقع یکی از رویکردهای اثرگذار و عملیاتی کردن رشد در مخاطب، سلاح بکاء و گریه بر اعمال نادرست است.

جلوه‌های هنر شاعر منتظر

۱. عشق و دلدادگی

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش
خورشید را برای ظهر آفریده‌اند
از پرتو جمال تو در کوه و برّ و بحر
سینای عشق و نحلّه طُور آفریده‌اند
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

مجاهدی خورشید را مجاز از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم می‌داند و خود را به ذرهٔ ناچیز تشبیه می‌کند و در بیت دوم حضرت را به ماه تشبیه نموده و خود را عاشق و دلباختهٔ حضرت معرفی می‌کند و از محبوب خود می‌خواهد، عنایت خود را شامل حالش سازد. بیان مجاهدی در اشعارش عینی و ملموس و به شیوهٔ گفتاری است او کلامش را براساس مشهودات و مفاهیم مادی استوار می‌کند و با کمک زبان موسیقایی بر عواطف مخاطب اثر می‌گذارد و اساس کار او بر تشبیه و استعاره است «مجاهدی از برترین

سرایندگان تاریخ شعر آئینی است» (بیات، ۱۴۰۳: ۳۸).

شیوه کار او در محتوا، کاربرد دو لحن عاشقانه و حماسی در مدح مقام اهل بیت علیهم السلام است. پرداختن به این مضامین، شاعر را ملزم به پژوهش در سیره اهل بیت علیهم السلام می نماید. مجاهدی از مشاهدات خود به خلق تصاویر نو می پردازد «زبان ادبی، تصویری است که به جای گفتن به نمایش و نقاشی می پردازد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

زبان مجاهدی «سهل ممتنع» است، او با ارائه یکی دو تصویر، خواننده را به فضای شعر وارد می کند و موجب حیرت و شگفتی در مخاطب می شود (محمد زمانی، برقی، ۱۳۹۱: ۱۰). هنر مجاهدی در مضمون های دلکش خلاصه نمی شود، بلکه او می کوشد تا در آوردن قافیه وردیف نیز، نو آورانه شعر بسراید. ردیف های اسمی او در شعر عاشورایی «خیمه ها، نیزه ها، تنور» (محمد زمانی، برقی: ۱۵ - ۱۴) است و در ابیات فوق، با کاربرد قافیه (ظهور، طور) و ردیف فعلی (آفریده اند) به شیوه اقتباس از قرآن، کلام خود را اثرگذار کند.

اشعار مجاهدی برگرفته از وقایع تاریخی است که با واژه های نشانه دار (طور، سینا) به مخاطب نشان می دهد که قرار است به شیوه تمثیل روشننگری کند. در این بیت مجاهدی به درختی اشاره می کند که حضرت موسی علیه السلام در وادی ایمن، حوالی کوه طور، تجلی انوار حق تعالی را مشاهده کرد. این داستان، نماد ارتباط نزدیک انسان با خداوند و دریافت وحی الهی است که اصول و قواعد زندگی انسانی را تعیین می کند.

عیسی وظیفه خوار لب روح بخش توست کز یک دم تو، نفخه صور آفریده اند (مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۰)

داستان نفخ صور عیسی علیه السلام به عنوان یکی از نشانه های قدرت الهی و معجزات آن حضرت مطرح شده است و بیان می کند که انسان در فرصت عمر همیشه باید برای دو فرمان آماده باشد، فرمان اول خدا برای رفتن به عالم مرگ و دمیدن شیپور، دوم قیام برای حسابرسی در قیامت است. تعبیر نفخ صور، تمثیلی برای آمادگی مردم برای ظهور منجی است.

بیا و هستی «پروانه» را مسوز ای گل که پیش از آن که بسوزیم مرده ام بی تو

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲)

چشم به راهی شاعر، احساس دلشکستگی او برای وصال، تلاش و فداکاری او برای

ملاقات با محبوب، سوختن در عشق، التجا و التماس به درگاه حق، بیانگر شوق دیدار مجاهدی با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. شعر انتظار در آئینه توصیف

ز کعبه نغمه توحیدی تو می آمد حرم ز عطر تو ای بی نشان پرمی شد
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۰)

به نظر شاعر، انتظار نوعی نگرانی از نبودن شخص محبوب است، چشم به راه بودنی که توأم با امید، شکیبایی و توسل است و سبب تقویت ایمان و صبر بر سختی می شود و در ادبیات عارفانه، این تمرین صبر به خوبی توصیف می شود:

ما با رصد ستاره ها فهمیدیم

کز دامن چشم، کهکشانی تر نیست
پائیزترین فصل را سنجیدیم
از فصل جدایت خزان تر نیست
از سنگ بنای عشق در عالم خاک

دیرینه تر و باستان تر نیست

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۷۶)

ابیات فوق به مفهوم عمیق و فلسفی شاعر و جستجوی حقیقت اشاره دارد و شاعر با کاربرد (ستاره نماد امید)، (چشم نماد درک و بینش)، (کهکشان نماد درون) نشان امیدوار خود را نسبت به ظهور برای مخاطب القا می کند و می گوید انسان دو گونه زیبایی دارد، زیبایی درون و زیبایی بیرون، وسعت و نورانیت دلی که سرشار از عشق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، زیبایی آن از آسمان و کهکشان های بیرون نیز، بیشتر است.

۳. جلوه انتظار در لحن اعتراضی

پروا نمی کنید، که پر، و نمی کنید حتی به قدر بال مگس، جبرئیل تان؟

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۰)

لحن اعتراضی مجاهدی از واژگان او مشخص می شود (حتی: برای توصیف، وسعت معنا و تأکید)، نمادگرایی و تشبیه (بال مگس)، (جبرئیل تان)، (فسیل تان)، جاندارانگاری (خط کشیدن تاریخ).

تکرار واژه با دو معنی متفاوت برای جذب مخاطب (پروا؛ میل و رغبت) (پر، واکردن: کنایه از رشد و تعالی)

تاریخ به دور شما خط کشیده است حتی به موزه راه ندارد فسیل تان
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۰)

بالا ترین و برجسته ترین جمله اعتراضی در بیت فوق مشخص شده است که مجاهدی علاوه بر لحن اعتراضی، از کنایه (دور تو را خط کشیدم) استفاده می کند و این عبارت بار معنایی منفی برجسته ای دارد. شاعر این افراد را در گروه خاص و استثنایی قرار می دهد و بیان می کند که امیدی به هدایت آنها نیست.

۴. تابش نور امید در شعر انتظار

همیشه منتظر او دل، این بلاکش عشق امید خویش به مهدی منتظر بسته است
(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)

«محمّد بن فضیل گوید از امام رضا (علیه السلام) از فرج پرسش کردم، گفت: خدای تعالی می فرماید: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم» (ابن بابویه، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ۵۴۷).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند پدرم می گفت:

همانا نیست بنده مؤمنی مگر در دل او دو نور است، نور ترس و نور امید (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۶۷).

امیدواری به ظهور با رویکردهای آینده نگری، ایمان به پیروزی حق، مبارزه با ظلم و امید به تغییر است. شخص منتظر، فراخوان می زند و برای تغییرات اجتماعی برنامه ریزی دارد، از هم نوعان دعوت می کند تا با همکاری و همفکری برای تغییر در جامعه، حرکتی رو به جلو بردارند، چون باور دارد این حرکت جمعی منجر به تحوّل بزرگ می شود. با شناخت منجی و رویکرد بصیرتی به ظهور، اّمت اسلام، احساس نیاز به ولی خدا را بیشتر درک نموده، شوق دیدارش خواب و استراحت را از مردم می گیرد و هراتفاق سخت را نیز جلوه ای از ظهور می دانند. مطالعه تاریخ پیامبران و اهل بیت (علیهم السلام) نشان داده است که یکی از مباحث عمیق و فلسفی در ادبیات دینی و عرفانی، همراهی عشق با ابتلا برای تقویت ایمان است. عشق انسان به خدا و اولیای الهی، نیاز به تمرین صبر، فداکاری و ایثار دارد. نمونه آن مقاومت مردم غزه و لبنان است که دشمن جان شصت هزار انسان را گرفت ولی نتوانست روح امیدواری را در مردم منتظر منجی کم رنگ سازد.

ایمان و عشق به خدا، سختی‌ها را آسان می‌کند.

۵. دلتنگی و حسرت در شعر انتظار

جاده می‌پیچد به خود کز دشت گردی برنخواست ناله‌ای حتی ز باد هرزه‌گردی برنخواست
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۷۱)

حسرت و دلتنگی مجاهدی در زمانی است که احساس می‌کند اسیر دنیا و تعلقات است و کلامش بر مخاطب اثرگذار نیست «بارالها! اگر اندوهگین شوم تو سامان منی و اگر محروم گردم تو امیدگاه منی و اگر سخت غمناک شوم از تو فریادرسی خواهم» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵). دلتنگی شاعر در واژگان (پیچیدن، گرد، جاده، ناله، باد هرزه‌گرد) مشهود است. آرزوی نزدیکی شاعر به حضرت، با بیان دردهایش از دوری و سختی‌هایی که از این جدایی به وجود آمد، توأم است.

غصه شاعر از نعمت‌ها و محبت‌هایی که با نبودن یار از دست داده، جراحت سنگینی بر قلب او گذاشته است. دلتنگی جدایی از یار و حسرت خوردن در غم دوری او جایگاه و مفهوم بلندی در ادبیات غنایی دارد. مجاهدی از آقای دولابی در باره حزن و اندوه انسان با ایمان پرسیدند، ایشان فرمودند:

غم یعنی انتظار، علاج این غم، ظهور وجه الله است، ملاقات وجه الله را می‌خواهد (مجاهدی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۵۱).

نتیجه‌گیری

محمدعلی مجاهدی، شاعر آئینی ولایت‌مدار، با ارادت خاصی که نسبت به پیامبر گرامی اسلام ﷺ، چهارده معصوم پاک، امامزادگان، اولیاء الله و شهدا دارد، در تمام موضوعات ذکر شده شعر سروده است. او در اثر همنشینی با بزرگان، راه سلوک پیش گرفت و هنر خود را در خدمت ادبیات آئینی و تبیین نسل نو قرار داد. مجاهدی در تمامی قالب‌های کلاسیک شعر سروده است. اشعار مهدوی او با رویکرد انتظار، دارای محتوای فلسفی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی است. او با استناد بر آیات و روایات، به علت نیاز انسان به ولی خدا، با تمثیل به روشنگری مخاطب می‌پردازد. رسالت هنری او در روشنگری به شیوه تولا و تبرّا است. مجاهدی در اشعار خود به عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی توجه دارد و به عقیده او انسان بر حسب هدایت تشریعی با کمک

واسطه‌های فیض الهی می‌تواند خود را به صفات الهی بیاراید و با تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام، دنیا و آخرت خود را نورانی کند. اشعار مهدوی مجاهدی به نوعی فرهنگ‌سازی برای انتظار منجی است. او با زبان اعتراض، در مقابل بدخواهان اهل هنر، ایستاد. مجاهدی در اشعار مهدوی مخاطب را دعوت به توسل و توکل می‌نماید و از او می‌خواهد برای دردهای روحی و جسمی به اهل بیت علیهم‌السلام پناه برد و در مشاهد شریف و مسجد مقدس جمکران، دست‌های انابت را به التجا و استغاثه بلند کند. او با زبان ساده بر مخاطب اثر می‌گذارد و دلتنگی خود را از غم جدایی حضرت حجة الله ابراز می‌کند. او پرورش دهنده شاعران ولایی و پژوهشگری اندیشمند در ادبیات آئینی است.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۴ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. ترجمه منصور پهلوان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون الاخبار الرضا*. تصحیح مهدی لاجوردی. بی‌جا: مؤسسه الاعلمی.
- برقعی، سید حمیدرضا؛ زمانی، محمد جواد (۱۳۹۱). *آزمون سرخ*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیات، رضا (۱۳۹۹). *عرشه شعر*. تهران: انتشارات محمل.
- ثقفی، محمد رضا (۱۳۹۳). *درسنامه مهدویت (مهدی موعود)*. قم: انتشارات حوزه علمیه.
- دارابی، شکوفه (۱۴۰۰). «بررسی مفهوم انتظار و وظایف منتظران در شعر شاعران انقلاب». *پژوهش‌های مهدوی*، سال نهم، شماره ۳۶.
- رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۱). *صحیفه سجادیه*. قم: انتشارات گاه سحر.
- رحمانی همدانی، احمد (۱۳۹۰). *فاطمه زهرا علیها‌السلام سرور دل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*. ترجمه مهدی

- جعفری. تهران: انتشارات منیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). *معانی و بیان*. تهران: انتشارات میترا.
 - شمیسا، سیروس (۱۳۹۵). *سبک شناسی*. تهران: انتشارات میترا.
 - طهماسبی بلداجی، اصغر، مرادی، فاطمه (۱۳۹۳). «قرآن و سبک زندگی مهدوی». *فصلنامه بینات*، شماره ۸۲ و ۸۳.
 - عزیزی، زینب (۱۳۹۹). «کارکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه منتظر از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای». *موعود پژوهی*، سال دوم، شماره ۳.
 - علوی، ریحانه سادات (۱۴۰۱). «تحلیلی بر انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت». *پژوهش‌نامه موعود*، سال چهارم، شماره ۷.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ق). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. قم: انتشارات اسوه.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۵). *در محضر لاهوتیان*. قم: انتشارات لاهوتیان.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۶۹). *خوشه‌های طلایی*. قم: انتشارات جمکران.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۱). *سیری در ملکوت*. قم: انتشارات اسوه.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۳). *آسمانی‌ها*. قم: انتشارات نصایح.
 - مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
 - محمد زمانی، جواد؛ برقعی، حمیدرضا (۱۳۹۱). *سوختن آفتاب*. گزیده شعر ولایی شاعران جوان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *انسان کامل*. قم: انتشارات صدرا.
 - نوری، میرزا حسین (۱۳۸۴). *نجم الثاقب در احوال امام الغائب*. قم: انتشارات جمکران.
 - هادی زاده، مجید (۱۳۸۵). *آب حیات*. قم: انتشارات المهدی.

- یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). الزام الناصب فی الباب الحجۃ الغائب. تصحیح علی
عاشور. قم: مؤسسۃ الاعلمی.

Metaphor and idealization in the waiting society: a dual role in unity and division

Dr. Reza Isania ¹

Abstract

In the society that awaits Imam Mahdi (PBUH), the concept of Mahdism is not only an ideological belief, but also an identity-building and socio-political movement-oriented framework that is formed through conceptual metaphors and transpersonal ideals and guides collective developments. This article aims to examine the dual role of metaphor and idealization in strengthening or weakening social solidarity in the waiting society, and analyzes how these two symbolic mechanisms affect Mahdist identity, active waiting, and collective behaviors. In this article, using the qualitative method of content analysis and utilizing the theoretical framework of conceptual metaphor by Lakoff and Johnson, it is shown that metaphors such as “waiting as jihad,” “Mahdi (PBUH) as the light of hope,” or “the world as a cradle and a grave” not only structure the collective mentality, but also provide the conditions for collective unity, prudence, and patience by creating a common image of the future. In contrast, negative or exaggerated metaphors-such as “the Mahdi’s (PBUH) radiance that shines only at the last moment” or “the world as an earth that is only purified by destruction”-can lead to unattainable or unrealistic ideals that, in turn, reinforce a sense of hopelessness, indifference, or even hasty and divisive actions. The findings of this study, while emphasizing the importance of redefining Mahdist concepts within a viable and hopeful framework, pave the way for designing cultural and educational strategies to strengthen national and social unity in Shiite societies. Keywords: Metaphor, Idealism, Waiting Society, Unity, Division

Keywords: metaphor, idealism, waiting society, unity, division

1. Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Sciences and Culture Research Institute, Institute of Political Science and Thought, Qom, Iran(r.eisania@isca.ac.ir)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

استعاره و ایده آل‌گزینی در جامعه منتظر: نقشی دوگانه در اتحاد و تفرقه*

رضا عیسی‌نیا^۱

چکیده

در جامعه منتظر، مفهوم مهدویت نه تنها یک باور عقیدتی، بلکه چارچوبی هویت‌ساز و حرکت‌گرای اجتماعی - سیاسی است که از طریق استعاره‌های مفهومی و ایده آل‌های فرافردی شکل می‌گیرد و تحولات جمعی را هدایت می‌کند. این مقاله با هدف بررسی نقش دوگانه استعاره و ایده آل‌گزینی در تقویت یا تضعیف همبستگی اجتماعی در جامعه منتظر، به تحلیل چگونگی تأثیرگذاری این دو مکانیزم نمادین بر هویت مهدوی، انتظار فعال و رفتارهای جمعی می‌پردازد. با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا و بهره‌گیری از چارچوب نظری استعاره مفهومی لیکاف و جانسون، نشان داده می‌شود که استعاره‌هایی مانند «انتظار به مثابه جهاد»، «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف به عنوان نور امید» یا «جهان به نگاه گهواره و گور»، نه تنها ذهنیت جمعی را ساختار می‌دهند، بلکه از طریق ایجاد تصویری مشترک از آینده، موجبات وحدت، تدبیر و صبر جمعی را فراهم می‌کنند. در مقابل، استعاره‌های منفی یا اغراق‌آمیز - مانند «فروغ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف که تنها در لحظه آخر می‌درخشد» یا «جهان به نگاه زمینی که فقط با نابودی پاک می‌شود» - می‌توانند به ایده آل‌های غیرقابل دستیابی و یا غیرواقع‌بینانه منجر شوند که در نتیجه، حس ناامیدی، بی‌تفاوتی یا حتی تحرکات شتاب‌زده و تفرقه‌انگیز را تقویت کنند. یافته‌های این پژوهش، ضمن تأکید بر اهمیت بازتعریف مفاهیم مهدوی در چارچوبی زیست‌پذیر و امیدوارکننده، راهگشای طراحی استراتژی‌های فرهنگی و تربیتی برای تقویت وحدت ملی و اجتماعی در جوامع شیعه‌نشین است.

واژگان کلیدی

استعاره، ایده آل‌گرایی، جامعه منتظر، اتحاد، تفرقه.

مقدمه

استعاره‌ها و ایده آل‌گزینی‌ها به عنوان مفاهیمی کلیدی در علوم اجتماعی و سیاسی،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، قم، ایران (r.eisania@isca.ac.ir).

نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر رفتارهای جمعی و تحولات اجتماعی - سیاسی به خصوص در قرن بیست و یکم ایفا می‌کنند. مثلاً ایده‌آل‌گزینی می‌تواند به مدل‌سازی رفتار جمعی و محرکی برای تحولات اجتماعی منجر شود و استعاره‌ها نیز این توانایی را دارند که موجب شکل‌دهی تفکر و تبلیغ ایده‌های فعالان اجتماعی - سیاسی شوند. خلاصه این‌که این دو، به عنوان ابزارهایی برای درک و هدایت تحولات اجتماعی، می‌توانند مسائل مهم امروز (مانند بحران‌های اجتماعی و پاسخ به چالش‌های جامعه معاصر) را شکل دهند و زمینه‌ساز کنش‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند.

مهدویت در جوامع شیعه، تنها یک باور به ظهور آخرالزمانی نیست، بلکه یک نظام هویت‌ساز، اخلاقی و اجتماعی است که از طریق استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها، جامعه منتظر را به سوی امید، مسئولیت و حرکت فرا می‌خواند این مقاله با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، به بررسی نقش دوگانه استعاره و ایده‌آل‌گزینی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و رفتارهای جمعی در جامعه منتظر می‌پردازد. سؤال اصلی این است: چگونه تفسیرهای مختلف از استعاره‌ها و ایده‌آل‌های مهدوی - مانند «انتظار»، «حیات طیبه»، «کشتی نوح» و «دروازه آمزش» - می‌توانند منجر به اتحاد یا تفرقه در جامعه منتظر شوند؟ فرضیه این است که استعاره‌های مثبت و ایده‌آل‌های واقع‌بینانه و مشترک، در گفتمان اجتماعی، موجب تقویت هویت اجتماعی و احساس همبستگی می‌شوند؛ در مقابل، استعاره‌های منفی و ایده‌آل‌های غیرقابل دستیابی، می‌توانند به تفرقه و نارضایتی اجتماعی منجر شوند.

این پژوهش با روش کیفی تحلیل محتوا و با تمرکز بر متون شیعی، سخنان ائمه و نظریه‌های فرهنگی، به دنبال آن است که نشان دهد چگونه مفاهیم مهدوی، از طریق زبان و تفکر استعاری، هویت جمعی را شکل می‌دهند و مسیر حرکت اجتماعی را تعیین می‌کنند. بر این اساس، مقاله با طرح دو سؤال فرعی زیر، به بررسی این موضوع می‌پردازد: کدام استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها بیشترین تأثیر را بر یکپارچگی اجتماعی در جامعه منتظر دارند؟

چگونه تفسیرهای متفاوت از استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها می‌توانند به بروز اختلافات و تفرقه در جامعه منتظر منجر شوند؟

پیشینه

در مورد پیشینه بحث و مزیت نسبی این مقاله، باید گفت که اگرچه در زمینه استعاره و ایده‌آل‌گرایی به صورت منفرد، متون و مقالات متعددی نگاشته شده است، اما مقاله حاضر از دو جنبه‌ی موضوع و روش، نوآوری دارد، و پژوهشی که هم زمان دو موضوع استعاره و ایده‌آل‌گزینی و مهدویت را مورد پژوهش قرار داد یافت نشد. هدف اصلی این مقاله، بررسی چگونگی تأثیر استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها بر ساخت هویت اجتماعی در جامعه منتظر می‌باشد و ضرورتش هم کمک کردن به درک بهتری از ویژگی‌ها، پویایی‌ها و چالش‌های جامعه منتظر خواهد بود.

الف) ایده‌آل‌گرایی

در بخش نخست مقدمه، به بررسی ابعاد مختلف ایده‌آل‌گرایی خواهیم پرداخت. این بررسی شامل مواردی همچون: مفهوم ایده‌آل‌گرایی، تفاوت‌های ایده‌آل‌گرایی مذهبی با ایده‌آل‌گرایی علمی و فلسفی، انواع ایده‌آل‌گرایی در جامعه منتظر و همچنین فواید و مضرات ایده‌آل‌گرایی برای افراد و جامعه خواهد بود. در این بخش، به این پرسش بنیادین خواهیم پرداخت که آیا امکان طراحی جامعه منتظری وجود دارد که در برابر تغییرات کوچک، پایداری خود را حفظ کند و از حرکت بین ایده‌آل‌گرایی مطلق و واقع‌گرایی مطلق مصون باشد؟ هدف این بخش، بررسی فاصله یا نزدیکی جامعه منتظر با جامعه ایده‌آل است. به عبارت دیگر، می‌خواهیم بدانیم آیا جامعه منتظر، عاری از ظلم، جنگ، جهل و فقر است و در عوض، با عدالت، صلح و دانایی همراه است؟ تاریخ اندیشه اجتماعی و سیاسی همواره با سه دیدگاه آرمان‌خواهی، واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه مواجه بوده است. این سه دیدگاه، اغلب در تقابل با یکدیگر قرار داشته‌اند؛ چرا که برخی آرمان‌گرایی را غیرکاربردی دانسته‌اند و برخی دیگر واقع‌گرایی را سطحی‌نگری انگاشته شده‌اند. با وجود این، ایده‌آل‌گزینی همواره موضوعی جذاب برای اندیشمندان بوده و دغدغه اصلی آنان، نزدیکی جامعه به ایده‌آل‌ها بوده است.

در تاریخ اندیشه، به طور کلی با سه نوع ایده‌آل‌گزینی یا آرمان‌گرایی مواجه هستیم: ۱. آرمان‌گرایی فلسفی؛ ۲. آرمان‌گرایی مذهبی؛ ۳. آرمان‌گرایی علمی. آرمان‌گرایی علمی نیز خود مراحل را طی کرده است: الف) آرمان‌گرایی فرانسویس بیکن که در کتاب *آتلانتیس*

جدید به آن پرداخته شده است؛ ب) آرمان‌گرایی توماس کامپانلا که در کتاب *شهر آفتاب* مطرح شده است؛ و ج) ایده‌های ژول ورن و جرج ولیز که به آرمان‌گرایی علمی پرداخته‌اند. جرج ولیز در سال ۱۸۴۴ به پیش‌بینی‌هایی مانند جنگ جهانی، ماشین زمان، جهش ژنتیکی و حمله موجودات ماورای زمینی اشاره کرده است. لازم به ذکر است که در این مقاله، ما بر ایده‌آل‌گزینی مذهبی تمرکز خواهیم کرد.

خلاصه این‌که، ایده‌آل‌گزینی یک مکانیزم دفاعی روانی است که در آن فرد، ویژگی‌های یک شخص، یک رابطه، یا حتی یک ایده را بیش از حد مثبت و بدون نقص می‌بیند و تمام جنبه‌های منفی، محدودیت‌ها و ایرادات آن را نادیده می‌گیرد یا انکار می‌کند. در واقع، فرد یک تصویر ذهنی "ایده‌آل" و کاملاً بی‌نقص از دیگری می‌سازد که با واقعیت آن شخص یا چیز تطابق ندارد. ایده‌آل‌گزینی مذهبی، قدرتمندترین نوع ایده‌آل‌گزینی است. این ایده‌آل‌گزینی، فرآیندی روانی-اجتماعی است که در آن، فرد یا گروه، یک شخصیت، متن، نهاد، یا دوره‌ی تاریخی مرتبط با دین را به جایگاهی مقدس، معصوم، و مطلقاً بی‌نقص ارتقا می‌دهد. در این فرآیند، تمام وجوه انسانی، محدودیت‌ها، پیچیدگی‌ها، و جنبه‌های قابل نقد آن پدیده حذف یا انکار می‌شود تا یک تصویر «آرامی» و «آسمانی» از آن ساخته شود که فراتر از هرگونه چون‌وچرا و نقد قرار گیرد. این فرآیند، آن پدیده‌ی مذهبی را از حوزه‌ی تاریخی و انسانی خارج کرده و به حوزه‌ی اسطوره‌ای و مقدس وارد می‌کند.

ب) استعاره مفهومی و مهدویت

با اذعان به تعریف متفاوت استعاره مفهومی یا نظریه استعاره مفهومی (Conceptual Metaphor Theory) میان کوچش و لیکاف/جانسون (زیرا کوچش، استعاره مفهومی را، مجموعه‌ای از تناظرهای نظاممند، یا نگاشت‌های بین دو حوزه تجربه می‌داند ولی لیکاف/جانسون استعاره مفهومی را درک یک حوزه براساس حوزه دیگر می‌داند) باید اظهار داشت که هر دوی این‌ها قبول دارند، در مطالعه استعاره‌ها ما با یازده عنصر یا مؤلفه مواجه هستیم که از میان آنها سه مفهوم حوزه مبدء، حوزه مقصد و نگاشت مفهومی، کلیدی‌ترین نسبت به بقیه عناصر هستند (کوچش، ۱۳۹۴: ۱۸).

در تعریف کلاسیک، استعاره را امری زائد، تزئینی و برای آرایش زبان و ویژگی کلمات

می‌دانند، ولی در تعریف جدید، استعاره را ابزاری شناختی، ویژگی مفاهیم و فرایندی اجتناب‌ناپذیر در اندیشه و استدلال انسان تلقی می‌کنند (کوچش، ۱۳۹۴: ۱۲). بر این اساس، استعاره به معنای «فهم یک حوزه مفهومی برحسب حوزه مفهومی دیگر» (کوچش، ۱۳۹۴: ۲۰) یا «فهم یک حوزه تجربه برحسب حوزه تجربه متفاوت دیگر» یا «نگاشت یک حوزه مفهومی بر حوزه مفهومی دیگر» است؛ به عبارت دیگر، استعاره نگاشتی بین حوزه-ای است که با استفاده از آن یک حوزه مفهومی از طریق حوزه مفهومی دیگری بیان و یا فهمیده می‌شود. دیدگاه جدید درباره استعاره که نخستین صورت‌بندی جامع آن در سال ۱۹۸۰ در کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» نوشته لی‌کاف و جانسون عرضه شد، همه مفروضات و بنیادهای نظریه سنتی استعاره را به چالش کشید (ربیعی‌کهندانی، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۷).

اگرچه استعاره در یک تقسیم‌بندی بر دو نوع؛ یکی استعاره زبانی و دیگری استعاره مفهومی تقسیم می‌شود و استعاره زبانی همان عبارت‌ها (واژه‌ها، جمله‌ها) است اما در نگاه لی‌کاف و جانسون، استعاره‌ها به سه دسته‌ی ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی، تقسیم می‌شوند (ربیعی‌کهندانی، ۱۴۰۰: ۳۳؛ کوچش، ۱۳۹۶: ۶۷). نظر زبان‌شناسان شناختی، استعاره پیوند تنگاتنگی با طرح‌واره تصویری (schema Image) دارد و بسیاری از استعاره‌ها ریشه در طرح‌واره‌های تصویری دارند. طرح‌واره تصویری یکی از ساختارهای مفهومی اساسی در ذهن انسان است که نوعی چارچوب مفهومی پایه‌ای برای درک و تفکر فراهم می‌آورد و ریشه در ادراک و تجربیات جسمانی ما دارد (غلام‌شاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۹). طرح‌واره‌های تصویری‌ای مانند مسیر (PATH)، ظرف (NTAINER) و نیرو (Force) می‌باشند که از باب مثال، می‌توان از میان طرح‌واره‌های تصویری مذکور به طرح‌واره تصویری «مسیر» به این سخن امام خمینی علیه السلام استناد کرد که می‌گوید:

ایران از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بوده، مسیر مسیر راه مستقیم نه شرقی نه غربی و جمهوری اسلامی بود تا کنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۵۵-۵۷).

تحلیل استعاری در عرصه اجتماعی و سیاسی می‌تواند به ما کمک کند تا به شبکه

پیچیده و مرتبط استعاره‌هایی که سیاستمداران با آنها می‌اندیشند، سیاست‌های خود را توجیه می‌کنند و براساس آنها موضع‌گیری‌ها و کنش‌های خود را تنظیم می‌کنند دست-یابیم (ربیعی کهندانی، ۱۴۰۰: ۴۰؛ لیکاف، جورج، ۱۳۸۴).

لیکاف و جانسون در استعاره به چهار اصل باور دارند که عبارتند از: اساس و پایه استعاره مفاهیم هستند نه واژه‌ها (استعاره‌ها واحدهای مفهومی هستند نه واژگانی)؛

استعاره‌ها عموماً براساس تشابه نیستند بلکه براساس زمینه‌های تجربه‌های محیطی مابین دو حوزه متفاوت شکل می‌گیرند؛

عمیق‌ترین مفاهیم ما از قبیل زمان، علیت، اخلاق و غیره از طریق استعاره‌های چندگانه استدلال و فهمیده می‌شوند

شیوه و نظام استعاره‌های مفهومی قراردادی و یا صرفاً دارای زمینه تاریخی نیست بلکه تا حد زیادی براساس وجه مشترک ماهیت جسمانی ما و رابطه آن با دنیای پیرامونی و تجربه‌های روزانه شکل می‌گیرد (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲).

نکته مهم در بحث از استعاره این است که استعاره در درجه اول نه به زبان، بلکه به نحوه اندیشیدن بشر مربوط می‌شود و تفکر اساساً خصلت استعاری دارد، بدین معنا که آدمی میان حوزه‌های مختلف، نگاشت‌های معرفت شناختی و هستی شناختی می‌یابد و به همین دلیل یک حوزه را براساس مفاهیم متعلق به حوزه دیگر می‌فهمد اگر سؤال شود که، جایگاه استعاره و مجاز در زبان‌شناسی سنتی کجا بود؟ در زبان‌شناسی-سنتی استعاره و مجاز صرفاً ابزارهایی برای زیبایی تعابیر زبانی بودند ولی در نگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره و مجاز، جزء اساسی تفکر بشر هستند (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱) خلاصه این که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، استعاره دیگر منحصر به بلاغت یا تخیل شاعرانه نیست، در این دوران افرادی چون لیکاف و جانسون سیستم ادراکی انسان را استعاری خواندند. در استعاره ما یک قلمرو مفهومی را براساس قلمرو دیگر بیان می‌کنیم (به عبارتی میان دو قلمرو مفهومی متفاوت ارتباط برقرار می‌کنیم)، یعنی میان حوزه مبدأ (source domain) و حوزه مقصد (target domain)، که حوزه مبدأ قلمرو معنای تحت اللفظی است و حوزه مقصد قلمرو معنای استعاری یا مفهومی سازی استعاری است؛ بنابراین وقتی می‌گوئیم شما را سر ساعت ۲ بعد از ظهر خواهم دید، در

این عبارت حوزه مبدأ واژه «سر» می‌باشد که به قلمرو موجود زنده تعلق دارد و حوزه مقصد یعنی به «وقت» توسعه داده شده است. لیکاف و جانسون برای نشان دادن ارتباط این دو قلمرو از تعبیر حوزه مبدأ و حوزه مقصد استفاده می‌کنند. استعاره نوعی شباهت میان دو قلمرو را پدید می‌آورد (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). لازم است به این نکته هم توجه داشته باشیم که استعاره‌ها از یک واژه یا عبارت ساخته نمی‌شوند، بلکه به تعبیر لیکاف، استعاره از شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان دو حوزه مبدأ و مقصد پیدا می‌شود از این رو استعاره به زبان بستگی ندارد بلکه به اندیشه‌ی بشر مربوط می‌شود البته باید توجه داشت که شباهت معرفت‌شناختی میان روابط عناصر یک قلمرو یا روابط عناصر قلمرو دیگر در کار است ولی شباهت هستی‌شناختی، میان عناصر دو قلمرو وجود دارد (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). لیکاف و جانسون برای نشان دادن این شباهت‌ها از اصطلاح «نگاشت» استفاده می‌کنند در نقد به نگاه سنتی، نسبت به استعاره، لیکاف و جانسون معتقدند که اولاً استعاره بالذات در دستگاه مفاهیم تحقق پیدا می‌کند سپس در واژه و جملات ثانیاً استعاره برپایه وجود شباهت‌ها استوار نمی‌شود بلکه استعاره به طور متعارف برپایه ارتباط متقابل دو حوزه در تجربه ما مبتنی می‌شود و این ارتباط است که شباهت‌هایی میان دو حوزه را در استعاره به وجود می‌آورد پس باید توجه داشت که استعاره نخست در قلمرو مفاهیم و تفکر بشر وجود می‌یابد سپس در زبان خود را نشان می‌دهد در نگاه جدید برخلاف نگاه سنتی، استعاره‌ها صرفاً ابزارهایی زبانی و صنایع ادبی در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه آنها صنایع فکری هستند که اندیشه آدمی را دگرگون می‌سازند (داوری اردکانی، و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸).

در این جا بی‌فایده نخواهد بود اگر به تفاوت یا عدم تفاوت میان استعاره و نماد پرداخته شود بنابراین اگر پرسش شود آیا استعاره با نماد تفاوت دارد باید اعلام داشت که، این سؤال یکی از نکات ظریف و کلیدی در ادبیات و ارتباطات است. تفاوت استعاره و نماد، با وجود شباهت‌های ظاهری، بسیار عمیق و بنیادین است. استعاره یک ابزار زبانی است که بر پایه‌ی «مقایسه» بنا شده است. در استعاره، ما یک چیز را «به جای» چیز دیگری به کار می‌بریم تا ویژگی‌های آن چیز دوم را به اولی منتقل کنیم و ویژگی‌های کلیدی استعاره عبارتند از:

موقتی و وابسته به متن: معنای استعاره در همان جمله یا متن ساخته می‌شود و خارج

از آن متن، آن مقایسه وجود ندارد.

عملکرد آن توصیفی است: هدف اصلی استعاره، ایجاد یک تصویر ذهنی قوی، روشن کردن یک ویژگی، یا انتقال یک حس به شیوه‌ای خلاقانه است.

رابطه شباهت: اساس استعاره، وجود یک شباهت (هرچند دور) بین دو چیزی است که با هم مقایسه می‌شوند.

اما نماد یک شیء، تصویر، یا مفهومی است که بر پایه‌ی «نماینده‌گی» بنا شده است. نماد «به جای» چیز دیگری نمی‌نشیند، بلکه آن را «نماینده‌گی می‌کند» و به مفهومی بزرگ‌تر و انتزاعی‌تر از خودش اشاره دارد. ویژگی‌های کلیدی آن عبارتند از:

پایدار و مورد توافق عمومی: معنای یک نماد معمولاً ثابت است و در یک فرهنگ یا حتی در سطح جهانی، شناخته شده و مورد توافق است. معنای آن خارج از یک متن خاص هم وجود دارد.

عملکرد آن ارجاعی است: هدف نماد، ارجاع دادن ذهن مخاطب به یک ایده‌ی بزرگ، یک مفهوم عمیق یا یک ارزش است.

رابطه تداعی: اساس نماد، یک ارتباط معنایی یا تداعی است که در طول زمان بین شیء و آن مفهوم انتزاعی شکل گرفته است.

با عنایت به تفاوت میان استعاره و نماد باید به نکته دقتی توجه کرد و آن هم این است که گاهی ممکن است یک نماد در یک استعاره به کار برود. اینجاست که موضوع کمی ظریف‌تر می‌شود. مانند این جمله: «ترازوی عدالت او همیشه به سمت ثروتمندان سنگینی می‌کرد».

نماد: «ترازو» در این جا یک نماد از پیش تعریف شده برای «عدالت» است. ما از قبل می‌دانیم ترازو یعنی عدالت.

استعاره: کل جمله یک استعاره برای بیان «قضاوت ناعادلانه» است. ما عمل «سنگینی کردن کفه ترازو» را به صورت استعاره برای نشان دادن جانب‌داری و بی‌عدالتی به کار برده‌ایم.

خلاصه این‌که؛ استعاره مانند یک چراغ قوه است؛ شما آن را روی یک چیز می‌گیرید تا چیز دیگری را برای لحظه‌ای روشن کنید و نشان دهید (مثلاً چراغ قوه را روی "شیر" می‌گیرید تا "شجاعت سرباز" را روشن کنید). اما نماد مانند یک تابلوی راهنمایی و

رانندگی است؛ یک تصویر ثابت (مثلاً تابلوی ایست) که معنای مشخص و پذیرفته شده‌ای دارد و همه می‌دانند که باید بایستند. یا استعاره یک مقایسه‌ی خلاقانه و گذراست، در حالی که نماد یک نماینده‌ی ثابت و ریشه‌دار برای یک مفهوم بزرگ‌تر است. نکته قابل توجه این است که نویسنده مقاله در سراسر این نوشتار عنایت به این تفاوت‌ها و یک‌جا استفاده کردن‌ها داشته است و معتقد است که نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که انسان نه با مفاهیم انتزاعی خالص، بلکه از طریق نگاشت‌های تجربی از حوزه‌های ملموس به انتزاعی فکر می‌کند. در جامعه منتظر، مفاهیمی چون «انتظار»، «غیبت» و «ظهور» از این طریق معنا می‌یابند. مثلاً:

استعاره «انتظار به مثابه جهاد»، یک حوزه فعالیت و مبارزه را بر حوزه انتظار نگاشت می‌کند و از یک وضعیت منفعل، یک عمل جمعی مثبت می‌سازد. استعاره «امام زمان به مثابه پزشک»، جامعه را به بیمار و ظهور را به شفا تشبیه می‌کند و چارچوبی برای درک تحولات تاریخی فراهم می‌آورد. استعاره «کشتی نوح»، نجات را به عضویت و پیوستن به اهل بیت علیهم‌السلام مربوط می‌کند و مرزهای هویتی را مشخص می‌سازد. این استعاره‌ها، صرفاً ابزارهای زبانی نیستند، بلکه سازوکارهای فکری هستند که چگونگی درک ما از مهدویت و وظایف منتظران را تعیین می‌کنند. همچنین، ایده‌آل‌گزینی در این چارچوب، به معنای شکل‌دهی به یک جامعه ایده‌آل - «حیات طیبه» - است که در آن عدالت، اخلاق و معرفت حاکم است. این ایده‌آل، نه تنها انگیزه‌بخش حرکت اجتماعی است، بلکه معیاری برای قضاوت درباره وضعیت فعلی جامعه می‌شود.

نقش استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها بر همبستگی اجتماعی در جامعه منتظر

استعاره‌ها و ایده‌آل‌هایی که بر روی امید، هویت مشترک، کنش جمعی و ارزش‌های انسانی تأکید دارند، می‌توانند به طور قابل توجهی بر یکپارچگی اجتماعی در جامعه منتظر تأثیر بگذارند. این عوامل نه تنها به شکل‌گیری هویت اجتماعی کمک می‌کنند بلکه می‌توانند منبعی برای تقویت همکاری و حیاتی اجتماعی گردند. در ادامه به تشریح

برخی از آنها می‌پردازیم.

الف) نقش استعاره در همبستگی اجتماعی جامعه منتظر (مطالعه موردی استعاره‌های امید و آرزو)

استعاره‌هایی مانند انتظار، آرمان‌شهر، و جامعه منتظر، اگر صحیح بیان شوند و امیدزا باشند می‌توانند جامعه منتظر را در سایه همبستگی به رشد و بالندگی برسانند بنابراین یکی از مباحث مهم جامعه منتظر، تبیین دوران غیبت و بحث از انتظار است اما سؤال این است که انتظار و فهم درست از انتظار چیست؟ چون بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل، بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خدا بخواهند و ما کاری نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد... ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم؛ برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیاید، ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد، یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۶۸). اگر شئون و شخصیت اسلامی و نیز شعائر اسلام و احکام آن، در جامعه کم‌رنگ شود یا مورد اهانت قرار گیرد، به یقین، کسی که از همه بیشتر نگران و آزرده خاطر می‌شود، شخص شخیص آن، ولی اعظم خداست. از این رو، باید در کاستی‌ها و کمبودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت ببندیم؛ زیرا این همه اسراف و تبذیر، این همه افراط و تفریط و این همه اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی، شایسته جامعه منتظر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). بدین جهت می‌توان گفت که انتظار صحیح دارای مختصات و ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. انتظار همراه با عمل؛ یکی از مختصات انتظار صحیح، انتظار همراه با عمل؛ می‌باشد چون همه انتظار داریم وجود مبارک بقیه الله اعظم را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۶۷) بلکه باید همراه با انتظار، گام‌هایی هم در این جهت برداشت.

۲. مبارزه با معصیت، گناه و ظلم: یکی دیگر از ویژگی‌های انتظار صحیح، عدم ترویج معصیت است «نگوئید بگذار تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید. [مگر] شما نماز را هیچ وقت

باز

می‌گذارید تا وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع آمد، بخوانید؛ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان بیاید؛ اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند» (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۷۰). انتظار درست و صحیح می‌گوید که اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانا لله و انا الیه راجعون. اصلاً حضرت صاحب تشریف می‌آورند برای چی؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را، ... برای اینکه فساد را از بین ببرند (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۷۱).

۳. تلاش جهت مهیا کردن زمینه عدالت جهانی را می‌توان سومین مختصه انتظار صحیح دانست که امام خمینی رحمه الله علیه درباره آن می‌گوید: قرآن و ضرورت اسلام و قرآن تکلیف کرده است ما را که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما باید ما فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا شود عالم برای آمدن حضرت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۱۷). اگر سؤال شود: برای رفع ظلم و آمادگی دولت کریمه، چه گام‌هایی و در چه وسعتی می‌توانیم برداریم؟ حضرت امام خمینی پاسخ این پرسش را در ایجاد حکومت در عصر غیبت می‌داند. بر این اساس می‌گوید: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آن که بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۴۶۱-۴۶۲). پس وجود حاکمی که برپا دارنده و نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد. از این رو، بنا به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زمان امیرمؤمنان علیه السلام لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان نیز در زمان ما لازم است. امام خمینی در ادامه بحث خود، پس از این که می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند بگوید که دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی و وطن اسلامی دفاع کنیم، وارد بحث مهم‌تری می‌شود و اعلام می‌دارد هر که اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۸).

مخلص کلام این که، انتظار صحیح به ما می‌گوید باید انتظار را مساوی با امید بدانیم چرا که انتظار مساوی با امید؛ جامعه را به حرکت می‌آورد و تقابل پیدا می‌کند با تفکراتی که انتظار را با جمود و بی‌حرکتی در زندگی اجتماعی معنا می‌کنند پس جامعه‌ای که خواهان جامعه‌ی منتظر است و می‌خواهد به سوی آن گام بردارد و آن را متحقق سازد لوازماتی را لازم دارد که یکی از آنها؛ اعتقاد به انتظاری مثبت یعنی انتظاری که نمی‌گذارد مردم تسلیم ظلم شوند.

در مورد جامعه منتظر، «انتظار» به عنوان یک مفهوم انتزاعی، برای فهم و تفسیر آن نیازمند استفاده از استعاره‌های گوناگون است. در ادامه به برخی از این استعاره‌ها اشاره می‌کنیم:

استعاره سفر: در این استعاره، حوزه مبدأ شامل عناصری چون سفر، مسیر، حرکت، راه، هدف، مقصد، مانع، توقف و همراهان است. حوزه مقصد نیز شامل انتظار، جامعه منتظر، ظهور، فرج، آمادگی، موانع ظهور و وظایف منتظران است. این استعاره، انتظار را به سفری طولانی و پرفراز و نشیب تشبیه می‌کند که در آن، جامعه منتظر، مسافران و ظهور، مقصد نهایی است. مفاهیمی چون «مسیر مستقیم»، «راه گمراهی»، «توشه سفر»، «مانع در راه»، «همسفران» و «مقصد نهایی» می‌توانند برای تحلیل نقش استعاره‌ها در ایجاد اتحاد یا تفرقه به کار روند.

استعاره نور و تاریکی: در این استعاره، حوزه مبدأ شامل نور، روشنایی، آفتاب، صبح، تاریکی، شب، ظلمت و سایه است. حوزه مقصد نیز شامل عدل، حق، ظهور، حکومت عدل، ظلم، ستم، دوران غیبت، فساد و گمراهی است. این استعاره، انتظار را به دوران تاریکی و غیبت تشبیه می‌کند که با ظهور، نور عدالت و روشنایی فرا می‌رسد. مفاهیمی مانند «طلوع صبح»، «پایان شب»، «نور حقیقت» و «تاریکی گمراهی» می‌توانند به تحلیل چگونگی شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌های منتظران کمک کنند.

استعاره بیماری و شفا: در این استعاره، حوزه مبدأ شامل بیماری، درد، رنج، درمان، شفا، پزشک و دارو است. حوزه مقصد نیز شامل ظلم، فساد، انحطاط اخلاقی، غیبت امام، ظهور، عدل الهی و امام مهدی است. این استعاره، وضعیت کنونی جامعه را به بیماری تشبیه می‌کند و ظهور امام را به عنوان درمان و شفای نهایی معرفی می‌نماید. مفاهیمی چون «درد و رنج»، «بیماری جامعه»، «انتظار درمان» و «پزشک دلسوز»

می‌توانند برای بررسی نقش استعاره‌ها در ایجاد احساس نیاز به ظهور و وظایف منتظران به کار روند.

استعاره جنگ و صلح: در این استعاره، حوزه مبدأ شامل جنگ، نبرد، مبارزه، دشمن، پیروزی، صلح و آرامش است. حوزه مقصد نیز شامل مبارزه با ظلم، جهاد با نفس، انتظار، ظهور، حکومت عدل و دوران صلح است. این استعاره، انتظار را به دوران مبارزه و جهاد تشبیه می‌کند که با ظهور، صلح و آرامش برقرار می‌شود. مفاهیمی چون «میدان نبرد»، «دشمنان حق»، «مبارزه با نفس»، «پیروزی نهایی» و «دوران صلح» برای تحلیل نقش استعاره‌ها در ایجاد انگیزه و تعیین وظایف منتظران قابل بررسی هستند.

علاوه بر نقش استعاره‌های امید و آرزو در ایجاد همبستگی در جامعه منتظر، باور به اصول مشترکی مانند عدالت، محبت و صداقت نیز می‌تواند این جامعه را به سوی همبستگی سوق دهد. همچنین، استعاره‌های قهرمانی و فداکاری و تصاویری از شخصیت‌های قهرمان‌پرور که برای اهداف بزرگ‌تر با فداکاری عمل می‌کنند، می‌توانند در ایجاد روحیه فداکاری و همبستگی در جامعه منتظر مؤثر باشند. اما به دلیل طولانی شدن متن، از بحث در مورد این موارد صرف نظر می‌کنیم.

ب) نقش ایده آل‌ها در همبستگی اجتماعی جامعه منتظر

واژه «اوتوپیا» برای نخستین بار در آثار افلاطون به کار رفت که به دنبال ترسیم یک بهشت زمینی بود. در زبان فارسی، این واژه (اوتوپیا) اغلب مترادف با «شهر خوب» در نظر گرفته می‌شود و در عربی نیز معادل «مدینه فاضله» است. با توجه به این معانی، می‌توان سه مفهوم اوتوپیا، مدینه فاضله و آرمان‌شهر را در زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی، تا حد زیادی هم‌معنا دانست؛ یعنی جامعه‌ای کمال مطلوب که در آن زندگی مردم توأم با سعادت و رستگاری است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که در جامعه‌ای که منتظر ظهور منجی است، ما به مسائل اجتماعی - سیاسی از چه منظری نگاه می‌کنیم؟ به نظر می‌رسد که بیشتر ایده آل‌گرایی‌ها، از افلاطون تا به امروز، ریشه در نارضایتی از وضعیت موجود داشته است. این نارضایتی خود را در قالب تلاش برای دستیابی به یک آرمان‌شهر ایده آل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که دلیل شکل‌گیری مفهوم جامعه منتظر آرمانی، گذر از

جامعه نامطلوب فعلی و رسیدن به جامعه ایده‌آل مطلوب است. در نگاه مذهبی، این مفهوم با استعاره‌هایی نظیر انتظار معنادار می‌شود.

بنابراین، جامعه‌ی منتظرِ مورد نظر، جامعه‌ای مبتنی بر نوع دوستی و محبت است؛ جامعه‌ای عادلانه که در آن ارزش افراد با همدردی و انسانیت با دیگران سنجیده می‌شود. معتقدان به جامعه منتظرِ ایده‌آل گرای واقع‌بین، تلاش می‌کنند تا فضایی را ایجاد کنند که در آن ارزش‌هایی چون احسان، مدارا، گذشت، عشق، ایثار، و احترام به حقوق دیگران مورد توجه و دسترسی باشد. جامعه‌ای که قوانین آن بر پایه دوستی و محبت بنا شده، روابط در آن سالم است، و ظلم و ستم از آن رخت بر بسته است. به بیان دیگر، چنین جامعه‌ای جایگزینی برای وضع موجود خواهد بود.

این آرمان (جامعه منتظرِ آرمانی مبتنی بر عدالت) زمانی محقق می‌شود که تربیت سیاسی به معنای واقعی کلمه صورت گرفته باشد. منتظران به دنبال حاکمی هستند که از سوی خداوند تأیید شده باشد و در عین حال، از حاکمی که زمینه‌ساز چنین حکومتی است نیز حمایت می‌کنند. در جامعه منتظرِ آرمانی، عدالت زمانی معنا پیدا می‌کند که تربیت و تربیت سیاسی به کمال رسیده باشد و تقسیم کار بر اساس استعداد و شایستگی انجام پذیرد. از آنجا که قرآن انسان را به ایده‌آل‌گزینی واقع‌بینانه تشویق می‌کند، می‌توان گفت که ایده‌آل‌گزینی واقع‌بینانه‌ای که جامعه منتظر به دنبال آن است، همان «حیات طیبه» است. خداوند متعال، زندگی ایده‌آل را با این نام می‌خواند، آن جا که می‌فرماید:

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [واقعی] می‌بخشیم؛ و مسلماً به آنان برحسب بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد (نحل: ۹۷).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند:

انسانی که حیات طیبه دارد، به واسطه علم و معرفت، امور را آنچنان که هستند می‌بیند و به تعبیری، قدرت تشخیص حق از باطل را داراست. حیات طیبه، در واقع، زندگی‌ای است که از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها و هرگونه رذیلت و پلیدی به دور است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۸، ۳۲۷).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان نتیجه گرفت که از میان سه معنای

ایده آلیسم (یا آرمان‌گرایی)، ۱. باور به تقدم شعور بر ماده و استقلال شعور از ماده؛ ۲. انکار جهان خارج از ذهن و واقعی دانستن تنها تصورات ذهنی؛ ۳. کمال مطلوب یا اهداف بسیار بلند و شاید دست نیافتنی - معنای منتخب ما، همان معنای سوم از ایده آل‌گرایی یا ایده آل‌گزینی است. همان‌طور که در فرهنگ عمید ۱۳۷۶: ۲۲۲). پس آرمان‌خواهی یا ایده آل‌گزینی نه تنها رویاپردازی نیست، بلکه دنبال کردن اهداف دست نیافتنی نیز نیست. بلکه وصول به آرمان‌ها و ایده آل‌ها منوط به توجه به واقعیت‌ها و کسب دستاوردهای ملموس است. به عبارت دیگر، دستیابی به اهداف بلندمدت در گرو تحقق اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. همان چیزی که ملاصدرا در این باره گفته است: حصول معاش به - منظور وصول به معاد (غایت نهایی) در صورتی ممکن است که بدن شهروندان، سالم (سلامت)، نسل آنها دائم (خانواده) و نوع آنها محفوظ (امنیت) باشد (صدرالدین محمد الشیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹۴).

انسان در طول تاریخ همواره دغدغه تشخیص مسیر درست زندگی (ایده آل‌گزینی) را برای موفقیت و رستگاری داشته است تا از افراط و تفریط پرهیز کند. قرآن کریم نیز همواره به این مهم توجه داشته و آیاتی را به ما یادآوری می‌کند که نشانگر این مطلب هستند که اگر انسان در مسیر تحقق ایده آل‌گزینی (آرمان‌ها) حرکت کند، واقعیت‌های موجود نیز با آن آرمان‌ها سازگار خواهند شد. در ادامه، به برخی از این آیات استناد خواهیم کرد.

قرآن کریم، در آیات متعددی، برتری و سرآمدی مؤمنان را مشروط به ایمان راسخ و عمل صالح می‌داند. در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

سست نشوید و اندوهگین نگردید که شما برترید اگر مؤمن باشید.

همچنین، آیه ۳۰ سوره فصلت نیز همین پیام را به ذهن متبادر می‌کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾

کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند: نترسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که به شما

و عده داده شده است، بشارت باد.

در واقع، قرآن کریم برتری مسلمانان را منوط به ایمان واقعی و پایبندی به دستورات الهی می‌داند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید:
 زیرا ایمان با برتری شما همراه است و به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود
 زیر دست کافران واقع شوید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ۲۷-۲۸).

علاوه بر این، در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، امت مسلمان به عنوان بهترین امت معرفی شده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾

شما بهترین امتی بودید که برای [هدایت] مردم پدیدار شدید.

این آیات، همگی این ایده را ترویج می‌کنند که سروری و سرآمدی مسلمانان رابطه مستقیمی با استحکام ایمان آنها دارد. به عبارت دیگر، این آیات مؤمنان را به سمت ایده‌آل‌گزینی مبتنی بر ایمان واقعی و عمل صالح سوق می‌دهند و تأکید می‌کنند که رسیدن به سرآمدی و برتری، تنها از طریق تقویت ایمان و پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی امکان‌پذیر است.

ایمان، رکن اصلی پیروزی قرآن کریم، در آیات متعددی، عامل ایمان را به عنوان اصلی‌ترین رکن پیروزی معرفی می‌کند. در آیه ۱۳ سوره آل عمران، به وضوح این نکته بیان شده است:

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾

قطعاً برای شما در دو گروهی که [در جنگ بدر با هم] روبه‌رو شدند، نشانه‌ای [از قدرت خدا] بود: گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروه دیگر کافر بودند، آنان [مؤمنان] را دو برابر خود، به چشم می‌دیدند. و خداوند، هر که را بخواهد، با یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این [رویداد]، برای صاحبان بصیرت عبرتی است.

این آیه به وضوح نشان می‌دهد که پیروزی لزوماً به برتری عددی یا مادی نیست، بلکه نصرت الهی در گرو ایمان و جهاد در راه خداست.
 آیه ۱۲۶ سوره آل عمران نیز بر این نکته تأکید دارد:

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾؛

و خداوند آن [یاری] را جز برای بشارت و اطمینان قلب‌های شما قرار نداد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.

در این آیه نیز روشن می‌شود که پیروزی حقیقی، موهبتی الهی است و تنها از جانب خداوند قادر و حکیم حاصل می‌شود و اطمینان قلبی مؤمنان از وعده یاری الهی، نقشی کلیدی در این پیروزی دارد. علاوه بر این، آیه ۱۶ سوره آل عمران ﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمْنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ نشان می‌دهد که مؤمنان واقعی، همواره در حال استغاثه به درگاه خداوند هستند و با تکیه بر ایمان خود، مغفرت گناهان و رهایی از عذاب الهی را طلب می‌کنند. این تضرع و بندگی، جلوه‌ای از ایمان راسخ آنان است که زمینه ساز نصرت الهی است. در نهایت، آیه ۱۶۰ سوره آل عمران ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ به روشنی بیان می‌کند که اگر خداوند یاری‌گر مؤمنان باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر آنان چیره شود و اگر خداوند آنان را تنها بگذارد، هیچ یآوری نخواهند داشت. پس تنها راه پیروزی و موفقیت، توکل بر خداوند و اتکا به ایمان است.

به طور خلاصه، تمام این آیات در بحث از علل و عوامل پیروزی، به طور ویژه بر عامل ایمان تمرکز دارند و نشان می‌دهند که ایمان، نه تنها یک باور قلبی، بلکه یک عامل تعیین‌کننده در نیل به پیروزی و موفقیت است علاوه بر موارد پیشین، قرآن کریم در موضوعات دیگری نیز به ایده‌آل‌گزینی و آرمان‌خواهی ترغیب می‌کند. به دلیل پرهیز از طولانی شدن مقاله، به برخی از آنها اشاره می‌شود: جهاد با دشمن و وعده پیروزی به مسلمانان (انفال: ۶۵-۶۶)، عبودیت و تقواگرایی (آل عمران: ۱۰۲) (به معنای خویشتن‌داری از هر عمل زشتی که خداوند نهی کرده و انجام هر عمل نیکی که خداوند به آن امر نموده است) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۶۴) و انفاق و گشاده‌دستی؛ در خصوص انفاق، سه رویکرد اخلاقی عمده قابل بررسی است: ۱. اخلاق حداکثرگرا؛ ۲. اخلاق اعتدال‌گرا؛ ۳. اخلاق حداقل‌گرا. در رویکرد اخلاق حداکثرگرا، مانند آنچه «شلی کیگان» مطرح می‌کند، فرد ملزم است به انجام عملی که بیشترین پیامد مثبت را به همراه داشته باشد. این رویکرد تمامی جنبه‌های زندگی فرد را در بر می‌گیرد و زمان، منافع

و برنامه های شخصی را تحت تأثیر قرار می دهد در مقابل، اخلاق اعتدال گرا به فرد اجازه می دهد که در کنار انجام وظایف اخلاقی، به علایق شخصی خود نیز بپردازد. در این نگرش، اخلاق محدودتر است و همه جنبه های زندگی فرد را در بر نمی گیرد. هر سه رویکرد، بر شدت مطالبات اخلاقی تأکید دارند، اما در مورد شمول این مطالبات (این که تا چه اندازه اخلاق بر زندگی فرد تأثیر بگذارد) اختلاف نظر دارند (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶).

با توجه به این سه رویکرد، این سؤال مطرح می شود که قرآن کدام رویکرد را تأیید و توصیه می کند؟ در پاسخ به این پرسش، می توان به آیاتی از قرآن استناد کرد که به انفاق و گشاده دستی تأکید دارند:

آیه ۲۷۴ سوره بقره:

﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛

کسانی که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

آیه ۲۶۱ سوره بقره:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛

مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه، صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد، آن را دو یا چند برابر می کند؛ و خداوند، گشایشگر داناست.

آیه ۲۶۵ سوره بقره:

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَشْيِئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ حَبَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛

و مثل کسانی که اموال شان را برای طلب خشنودی خدا و استوار گردانیدن [ایمان] خود انفاق می کنند، همچون بوستانی است بر پشته ای که باران فراوان بر آن بارد، پس محصول خود را دو چندان دهد، و اگر باران فراوان بر آن نیارد، باران اندک [کافی است]، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

آیه ۱۳۴ سوره آل عمران:

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛

آنان که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم درمی‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

در مقابل این آیات، قرآن کریم از افراط و تفریط در انفاق نیز نهی می‌کند:
آیه ۲۹ سوره اسراء:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»؛
دستت را به گردنت زنجیر مکن [بخل موز] و آن را به تمامی [نیز] مگشا [اسراف مکن] که [در نتیجه] ملامت شده و درمانده خواهی نشست.

آیه ۶۷ سوره فرقان:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؛

و کسانی که چون انفاق کنند نه اسراف ورزند و نه سختگیری کنند بلکه میان این دو، حد اعتدال را نگه می‌دارند.

این آیات نشان می‌دهد که انفاق در راه خدا، نوعی آرمان‌خواهی است، اما باید توجه داشت که مال و ثروت، مایه قوام زندگی است. بنابراین، نباید به گونه‌ای انفاق کرد که فرد انفاق‌کننده در تنگنا قرار گیرد. مخلص کلام این که قرآن کریم، ضمن تأکید بر اهمیت آرمان‌خواهی و ایده‌آل‌گزینی، بر ضرورت رعایت اعتدال و توجه به واقعیت‌ها نیز تأکید دارد. نادیده گرفتن واقعیت‌ها می‌تواند منجر به تفرقه و انشعاب شود، اما فراموش کردن آرمان‌ها نیز انسان را از اهداف اصلی خود دور می‌کند.

تفسیرهای مختلف از استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها و بروز اختلافات و تفرقه در جامعه منتظر

الف) چرایی تفسیرهای مختلف استعاره‌ها در جوامع

قبل از بررسی نمونه‌های مختلف تفسیر استعاره‌ها، بهتر است به این سؤال بپردازیم که چرا استعاره‌ها چنین متمایز و متنوع هستند. در پاسخ به این پرسش، می‌توان گفت که این تنوع ناشی از تفاوت‌های تجارب انسانی ماست. به عبارت دیگر، تجارب ما از یکدیگر متفاوت و متمایز است. همچنین، سلیقه‌ها و سبک‌های شناختی که برای

خلق افکار انتزاعی به کار می‌بریم، با یکدیگر فرق دارد. به طور خلاصه، عواملی که موجب این تمایز می‌شوند، شامل:

- تجارب متفاوت
- آگاهی از بافت
- محیط فیزیکی
- بافت اجتماعی
- فشار اجتماعی
- موقعیت ارتباطی

این عوامل به شکل‌گیری استعاره‌های متنوع و متفاوت کمک می‌کند و تأثیر آنها بر برداشت‌ها و تفاسیر ما از مفاهیم، قابل توجه است (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

برای نشان دادن نقش پر اهمیت و فرهنگ‌ساز استعاره در رفتارهای فرهنگی و اجتماعی می‌شود به موارد زیادی اشاره داشت مثلاً استعاره زندگی را چه بدانیم یا خلق کنیم که موجب پایداری زندگی باشد آیا از استعاره‌ی زندگی نمایش است یا زندگی جنگ است یا زندگی بازی و سرگرمی است یا زندگی تجارت است؟ کدامیک را بنابراین، در این مقاله فقط جهت بهتر روشن شدن بحث به ذکر چند مورد از آن بسنده می‌کنیم.

استعاره‌ی اخلاق، قدرت است در مقابل استعاره‌ی اخلاق، مهرورزی است؟ طبق الگوی استعاره‌ی اول از اخلاق، سلطان، قادر است بر شخصی درستکار تأثیر بگذارد و این موضوع یا منجر به سقوط شخص می‌شود و یا به درستکاری ادامه می‌یابد. اما طبق الگوی استعاره‌ی گروه دوم، اخلاق بیشتر به نظر، امری «دیگر-انگیخته» می‌آید تا «خود-انگیخته» در حالی که استعاره «قدرت» تنها یک عامل اخلاقی وجود دارد. در نمونه‌ی مهرورزی دو عامل وجود دارد یعنی افرادی که کمک نیاز دارند و افرادی که مسئول برآورده کردن آن نیاز هستند برای برخی از افراد، اخلاق در درجه اول براساس استعاره اخلاق قدرت است تعریف می‌شود درحالی‌که برای سایرین بیشتر براساس اخلاق مهرورزی است لذا بنابر نظر لیکاف اولویت‌های متفاوتی که افراد نسبت به این دو استعاره دارند باعث ایجاد دو رویکرد سیاسی مختلف در امریکا می‌شود یکی محافظه‌کاری و دیگری آزادی‌خواهی. اگر شخصی، استعاره اخلاق قدرت است را ارجح بداند این شخص احتمالاً در امر سیاست مجذوب عقاید و آرمان‌های محافظه‌کاران است در حالت

دیگر، اگر شخصی استعاره مهرورزی را در رابطه با اخلاق مهمتر از استعاره دیگر تلقی کند این شخص به احتمال زیاد در امور سیاسی آزادی خواه است (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۲۱).

استعاره‌ی «مرگ سفر است» می‌تواند معانی متفاوتی برای افراد مختلف با شرایط دینی گوناگون داشته باشد. برای مثال، برخی ممکن است زندگی را همچون تیری بدانند که به سوی هدفی مشخص پرتاب می‌شود، در حالی که برخی دیگر آن را بخشی از چرخه‌ای بی‌پایان می‌بینند. به این ترتیب، هر حوزه‌ی مبدأ (مانند سفر) با توجه به حوزه‌های مقصدی که به آن مرتبط می‌شود، مفاهیم ادراکی خاصی را ایجاد می‌کند. در اینجا، مفهوم اصلی سفر به عنوان حوزه‌ی مبدأ، دلالت بر پیشروی و حرکت دارد.

برای بررسی بهتر تفسیرهای مختلف از استعاره‌ها و نقش آنها در تحولات اجتماعی، مناسب است از دیدگاه‌های جورج لیکاف، از پیشگامان تحلیل گفتمان‌های سیاسی با رویکرد استعاره‌ای، بهره ببریم. لیکاف در آثار خود به مطالعه‌ی گفتمان سیاسی در آمریکا پرداخته و توانسته است بنیان‌های استعاره‌ی نظریات جناح‌های سیاسی این کشور را استخراج کند و درک دقیق‌تری از تفاوت‌های میان آنها ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین آثار لیکاف در این زمینه کتاب *سیاست/اخلاقی* است. او در این کتاب، با بررسی استعاره‌های به کار رفته از سوی دو جناح اصلی فعال در فضای سیاسی ایالات متحده، یعنی لیبرال‌ها و محافظه‌کاران، نشان داده است که چگونه این استعاره‌ها به شکل‌گیری جهان‌بینی‌های سیاسی متفاوت و در نتیجه، سیاست‌گذاری‌های متفاوت منجر شده‌اند. لیکاف، استعاره‌ی بنیادی «ملت به مثابه خانواده» را استعاره‌ای مهم در تعیین خط‌مشی سیاسی این دو جناح می‌داند، با این تفاوت که نوع نگاه آن‌ها به مفهوم خانواده با یکدیگر متفاوت است. لیبرال‌ها خانواده را با مفهوم «والدین پرورش دهنده» و محافظه‌کاران خانواده را با مفهوم «پدر سخت‌گیر» درک می‌کنند. همین تفاوت در درک، سبب اختلاف دیدگاه آن‌ها در موضوعات سیاسی مانند حدود قدرت و اختیارات حکومت شده است (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۲۱).

استعاره‌ی «جامعه خانواده است» در فرهنگ آمریکایی به اشکال مختلفی تفسیر می‌شود. برخی افراد از مفهوم «خانواده‌ی پدرسالار» استفاده می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر «خانواده‌ی حامی و پشتیبان» را در ذهن دارند. جورج لیکاف به شکلی منطقی استدلال می‌کند که تصور افراد از خانواده، تأثیرات عمیقی بر نوع تفکر آن‌ها در مورد

مسائل اجتماعی و سیاسی دارد. برداشت فرد از جامعه به این بستگی دارد که آیا او به خانواده‌ای با یک سرپرست تام‌الاختیار که بر اساس نظام جزا و پاداش اداره می‌شود، باور دارد یا برعکس، به خانواده‌ای که بر پایه‌ی مساعدت، مراقبت و همدردی اعضا نسبت به یکدیگر استوار است. لیکاف نشان می‌دهد که این تصورات متفاوت از خانواده، بر نوع برداشت افراد از بسیاری مسائل اجتماعی نظیر وام‌های تحصیلی، سقط جنین و نقش دولت در جامعه تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، برخی حوزه‌های مبدأ می‌توانند تفاسیر کاملاً متمایزی داشته باشند و این تفاوت‌ها در برداشت ما از یک حوزه مبدأ می‌تواند دلیلی بر ایجاد استعاره‌های مفهومی مختلف باشد. حوزه مبدأ «خانواده» در ظاهر یک حوزه مبدأ واحد به نظر می‌رسد، اما این حوزه مبدأ دارای دو تفسیر است. در نتیجه، این تفاسیر مجزا برای یک حوزه مقصد واحد، در واقع دو استعاره‌ی مفهومی ایجاد می‌کنند که نشان‌دهنده‌ی تنوع درون فرهنگی است (زولتان، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

آیا ساختار سیاست و جامعه‌ی منتظر عمدتاً بر پایه‌ی استعاره‌هایی نظیر «سیاست جنگ است»، «سیاست تجارت است» یا «جامعه یک خانواده است»، «جامعه یک فرد است» و «انتخابات ریاست جمهوری یک مسابقه است» بنا شده است؟ آیا می‌توان گفت «زندگی به مثابه بازی است»؟ و یا حتی «زندگی به مثابه یک نمایش»؟ این استعاره‌ی «زندگی نمایش است» استعاره‌ای است که بر اساس مجموعه‌ای از نگاشت‌ها شکل گرفته است: ۱. بازیگر (شخصی که زندگی می‌کند)؛ ۲. هم‌بازی‌ها (اشخاصی که با آنها در تعامل است)؛ ۳. نحوه بازی بازیگر (رفتار شخصی که زندگی می‌کند)؛ ۴. نقش‌ها (نقش‌های فرد در زندگی)؛ ۵. نقش‌های اصلی (افرادی که نقش مهمی در زندگی فرد ایفا می‌کنند)؛ ۶. آغاز نمایش (تولد)؛ ۷. پایان نمایش (مرگ)؛ ۸. نمایشنامه (داستان زندگی). در قرن بیستم در آمریکا، استعاره‌ی «نمایش» تدریجاً گسترش یافت و به شکل فراگیرتری درآمد. مفهوم زندگی دیگر نه تنها در قالب نمایش، بلکه در قالب اشکال متنوعی از سرگرمی مفهوم‌سازی شد؛ مانند انواع نمایش‌ها، تماشای ورزش و غیره. به تدریج، سرگرمی در جنبه‌های مختلف زندگی نفوذ کرد (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۲۵). کم‌کم، به جای استعاره‌ی «نمایش»، استعاره‌ی «سرگرمی» در زندگی آمریکایی‌ها جا افتاد و مرزی بین سرگرمی و خرید باقی نماند. این دو با یکدیگر ادغام شده و به یک استعاره مفهومی همه‌جانبه در توصیف فروشگاه‌های بزرگ دهه هشتاد قرن بیستم تبدیل شدند. در

استعاره‌ی «خرید به مثابه یک نوع سرگرمی یا نمایش»، خریدار معمولی به شخصی سرشناس تبدیل می‌شد و محصولاتی نظیر عینک‌های ری‌بن و شکلات‌های گودیوا مشهور می‌شدند.

جوانب دیگر زندگی نیز از این روند تأثیر پذیرفتند. سیاست نیز به عنوان حوزه‌ی مقصد در قالب نمایش درک می‌شد و این موضوع تا حدودی متفاوت از سایر کشورهایی بود که دارای ساختار سیاسی مشابه بودند. مبارزات انتخاباتی از بارزترین نمونه‌های آن است که در آن نامزدها همان ستاره‌های مشهور هستند، دور نخست انتخابات همان فراخوان انتخاب بازیگر، مبارزات همان تست بازیگری، خود انتخابات، انتخاب بازیگر نقش اول و دست‌اندرکاران همان مدیران برنامه، فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانان هستند. در چنین فضای سیاسی‌ای، هدف سیاست تقریباً چیزی نیست جز ارائه‌ی یک برنامه‌ی سرگرم‌کننده‌ی جالب توجه (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۳۵). در دنیای امروز، شاید بتوان گفت که بیشتر استعاره‌ها، همانند انتخابات، از استعاره‌ی «نمایش و سرگرمی» عبور کرده و به استعاره‌ی «تجارت یا خرید» رسیده‌اند. مواردی نظیر تدریس (که بدون بازیگری و اجرای نقش قابل تصور نیست)، قرارهای عاشقانه (که با سرگرمی عجین شده‌اند)، عشق که به یک بازی تبدیل شده است، ورزش و حتی جنگ (که با مفهوم استعاره‌ی سرگرمی دنبال می‌شود)، همگی گویای این تغییر هستند.

ب) تفسیرهای مختلف از استعاره‌ها در جامعه منتظر و تأثیر آنها

در این مقاله، استعاره را نه تنها به عنوان یک صنعت ادبی، بلکه به عنوان یکی از صنایع اندیشگی که شکل‌دهنده‌ی ادراک و تعامل اجتماعی است، بررسی می‌کنیم. ادراک ما که سرشتی استعاری دارد، زمان‌مند و مکان‌مند نیز هست و این زمان‌مندی و مکان‌مندی استعاره‌هاست که روایت‌ها و به تعبیری، تفاوت‌ها (یعنی تفرقه و وحدت) را ایجاد می‌کند. به همین دلیل، معتقدیم استعاره نه تنها برای تبیین واقعیت، بلکه برای «خلق» آن نیز به ما کمک می‌کند. همان‌طور که در بخش مقدمه در تشریح نکته‌ی دوم گفته شد، استعاره در زبان‌شناسی شناختی (یعنی فهم یک حوزه‌ی مفهومی در قالب یک حوزه‌ی مفهومی دیگر) حداقل از سه عنصر تشکیل شده است: حوزه مبدأ، حوزه مقصد و نگاشت. در حوزه مبدأ، ماهیتی عینی‌تر و درحوزه مقصد، ماهیتی انتزاعی دارد. با

ملاحظه‌ی این سه مؤلفه، می‌توان گفت استعاره‌های مفهومی حوزه مقصد در جامعه منتظر نقشی بسیار مهم و حساس دارند (زولتان، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳). این استعاره‌ها می‌توانند هم ابزاری برای ایجاد اتحاد و هم وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه باشند. نقش دوگانه‌ی آنها به ماهیت استعاره‌ها و نحوه‌ی تفسیر و کاربرد آنها در جامعه بستگی دارد. استعاره‌هایی که بر مبنای اصول و ارزش‌های مشترک بنا شده‌اند، می‌توانند به ایجاد یک هویت جمعی واحد در جامعه منتظر کمک کنند. به عنوان مثال، استعاره‌ی «کشتی نجات» که در روایات مذهبی به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده می‌شود، می‌تواند همه‌ی منتظران را در یک کشتی واحد در برابر امواج فتنه و گمراهی قرار دهد و حس اتحاد و همبستگی ایجاد کند. با استناد به حدیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرمایند: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ قَوْمِهِ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» یعنی «مثل اهل بیت من در میان شما، چونان کشتی نوح در میان قوم اوست. هر که بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که از آن باز ماند، غرق گشت» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۰). می‌توان نتیجه گرفت که پیروی و تأسی از اهل بیت علیهم‌السلام موجب نجات در زندگی دنیا و آخرت خواهد شد، زیرا ایشان به مثابه کشتی نجات معرفی شده‌اند. همان‌طور که در تاریخ دین، کشتی حضرت نوح علیه‌السلام نماد نجات دانسته شده و هر کس بر آن سوار شد، از هلاکت رهایی یافت، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز اهل بیت علیهم‌السلام خود را به کشتی نوح علیه‌السلام تشبیه کرده‌اند. از این رو، تأکید می‌فرمایند که برای دستیابی به نجات، لازم است با اهل بیت علیهم‌السلام همراه و هم‌جهت بود. این حدیث بر ضرورت معیت و پیوند با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای رسیدن به رستگاری دلالت دارد. یا استعاره‌ی «دروازه آمزش» البته اگر به معنای همراهی با امام معصوم باشد، موجب همبستگی اجتماعی خواهد شد، ولی اگر به معنای این باشد که هر گناهی خواستی انجام بده، امام دروازه آمزش تو هست، می‌تواند عاملی برای تفرقه باشد. در باره این استعاره گفته شده که در روایات متعددی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل گردیده که ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را به «باب حطه بنی اسرائیل» تشبیه کرده و ورود از این دروازه را سعادت و سبب بخشش گناهان امت خود قرار داده است. روایتی که آن را ابوذر، صحابی جلیل‌القدر نقل نموده است: «مثل أهل بيتي فيكم كمثل سفينة نوح في قوم نوح، من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك و مثل باب حطه في بني إسرائيل» (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۱۰) نتیجه و خروجی این شد که؛ از این استعاره‌ها دو تفسیر کرده‌اند:

تفسیر مثبت که پیوستن به اهل بیت علیهم‌السلام به معنای پیوستن به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی ایشان است. این تفسیر، جامعه منتظر را به سوی همبستگی و هم‌سویی فرا می‌خواند.

تفسیر منحرف: پیوستن به اهل بیت علیهم‌السلام فقط به معنای وفاداری فردی و تکلیف رسمی است، بدون تعهد به عدالت و اخلاق. این تفسیر، می‌تواند به انزوا و توجیه بی‌عدالتی منجر شود.

به همین ترتیب، استعاره «دروازه آمزش» - که اهل بیت علیهم‌السلام را به «باب حطه بنی اسرائیل» تشبیه می‌کند - نیز دو تفسیر دارد:

تفسیر صحیح: ورود از دروازه، به معنای همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام در مبارزه با ظلم و فساد است.

تفسیر منحرف: ورود از دروازه، به معنای این است که «هرگناهی خواستی انجام بده، امام دروازه آمزش تو هست». این تفسیر، می‌تواند به توجیه گناه و بی‌مسئولیتی منجر شود.

استعاره‌هایی که آینده‌ای روشن و پیروزی نهایی را نوید می‌دهند، می‌توانند به تقویت امید و انگیزه‌ی منتظران برای تلاش و پایداری در راه آرمان‌های مهدوی کمک کنند. برای نمونه، استعاره‌هایی مانند «صبح پیروزی» یا «بهار ظهور» نمادهای پایان شب تاریک ظلم و آغاز دوران عدل و داد هستند و می‌توانند انگیزه‌ای برای حرکت به سوی هدف‌های آرمانی ایجاد کنند. علاوه بر این، استعاره‌هایی چون «عدالت اجتماعی» یا «رفاه عمومی» که برای توصیف جامعه مهدوی به کار می‌روند، نیز قادرند درک مشترکی از آرمان‌های جامعه منتظر در میان عموم مردم شکل دهند و همگان را به آن آرمان‌ها نزدیک‌تر کنند. یا استعاره «انتظار به مثابه جهاد»، و هویت فعال منتظر؛ یکی از مهم‌ترین نگاشت‌های مفهومی در گفتمان مهدوی است. این استعاره، با استناد به روایتی چون «انتظار فرج مثل جهاد در راه خدا است»، نه تنها انتظار را از یک حالت سلبی خارج می‌کند، بلکه آن را به حرکتی فعال و اخلاقی تبدیل می‌کند. امام خمینی رحمه‌الله می‌فرمایند:

قرآن و ضرورت اسلام تکلیف کرده است ما را که باید برویم همه کار را بکنیم... باید ما فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را

همچو بکنیم که مهیا شود عالم برای آمدن حضرت (موسوی خمینی، ج ۲، ۱۷).

این نگرش، انتظار را به یک وظیفه اجتماعی تبدیل می‌کند: منتظر نباید بنشیند و منتظر رهشایی باشد، بلکه باید با مبارزه با ظلم، گناه و فساد، زمینه ظهور را فراهم کند. اما از سوی دیگر، تفسیرهای متفاوت از این استعاره‌ها می‌توانند منجر به شکل‌گیری گروه‌های مختلف با برداشت‌های متضاد از مفهوم انتظار شوند و در نهایت باعث تفرقه و اختلاف گردند. و به تعبیری تفسیر «انتظار به مثابه بی‌کاری» - که در برخی گفتمان‌های عامیانه دیده می‌شود - می‌تواند به توجیه سکون، بی‌تفاوتی و تحمیل مسئولیت بر امام منجر شود: «بگذار امام بیاید، خودش درست می‌کند». یا مثلاً، استعاره‌ی «شمشیر انتقام» ممکن است برای عده‌ای به عنوان نماد مبارزه با ظلم و فساد تلقی شود، در حالی که برای گروهی دیگر می‌تواند نمایانگر خشونت و انتقام‌جویی باشد. همچنین، استعاره‌ی «یاران خاص» اگر به درستی تفسیر نشود و به گونه‌ای به کار رود که به برتری یک گروه بر دیگری (بدون داشتن دلیلی موجه) بینجامد، می‌تواند موجب تفرقه در جامعه منتظر شود. در این راستا، اگر از ظهور و حکومت مهدوی یا آن جامعه آرمانی به گونه‌ای تصویرسازی شود که دستیابی به آن غیرقابل دسترس یا دور از ذهن باشد، این تصورات می‌توانند موجب ناامیدی و سرخوردگی در جامعه منتظر گردند. چنین احساسی از عدم تحقق آرمان‌ها، می‌تواند به تفرقه و اختلافات بیشتر منجر شود و در نهایت به جای تقویت وحدت، موجب فروپاشی همبستگی اجتماعی شود. بنابراین، لازم است تا از استعاره‌ها به عنوان ابزاری برای ایجاد همبستگی و اتحاد استفاده شود، به ویژه زمانی که این استعاره‌ها به طور صحیح و بر مبنای ارزش‌های مشترک تفسیر و به کار گرفته شوند. همچنین، باید توجه داشت که سوءتفسیر یا بهره‌برداری نادرست از این استعاره‌ها می‌تواند پیامدهای منفی همچون تفرقه و اختلاف را به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مقاله به دنبال بررسی نقش دو مفهوم استعاره و ایده‌آل‌گزینی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و رفتارهای جمعی در جامعه منتظر بوده است. استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها می‌توانند به طور همزمان باعث تقویت اتحاد و همبستگی و یا ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه منتظر شوند. همانطوری که؛ انتخاب استعاره‌های مثبت و ایده‌آل‌های واقع‌بینانه می‌تواند

به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. تفسیرهای متفاوت و ناصحیح از استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها می‌توانند به ایجاد اختلافات و تفرقه در جامعه منجر شوند.

بر مبنای ایده‌ی مذکور تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیل محتوا و چارچوب نظری استعاره مفهومی، به درک عمیق‌تری از این مفاهیم دست یافته و به شکل‌دهی استراتژی‌های اجتماعی و فرهنگی برای کاهش تنش‌های اجتماعی کمکی کرده و گامی برداشته باشیم لذا با بررسی چگونگی تأثیر استعاره‌ها و ایده‌آل‌ها بر ساخت هویت اجتماعی در جامعه منتظر، با استناد به آیات و روایات چنین امر مهمی پیگیری شد تا با بررسی دقیق و نظام‌مند استعاره‌ها و ایده‌آل‌گزینی‌ها، به دنبال روشن‌سازی نقش آنها در ایجاد وحدت یا تفرقه در جامعه منتظر است و تأکید می‌کند که درک درست این مفاهیم و انتخاب آگاهانه آنها، می‌تواند به بهبود وضعیت جوامع کمک کند. بنابراین مقاله؛ مزیت نسبی و نوآوری‌اش را در ترکیب موضوع استعاره و ایده‌آل‌گزینی با هم و بررسی تأثیرات آنها بر جامعه منتظر، از نظر موضوعی و روشی دنبال نمود تا بتواند بواسطه آنها به جامعه منتظر متحد و همبسته گامی برداشته باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استعاره و ایده‌آل‌گزینی در جامعه منتظر، تنها ابزارهای بیانی نیستند، بلکه سازوکارهای بنیادین شکل‌گیری هویت مهدوی هستند. استعاره‌هایی مانند «انتظار به مثابه جهاد» یا «امام به مثابه پزشک»، نه تنها تفکر جمعی را ساختار می‌دهند، بلکه تعیین می‌کنند که منتظر چه کسی است و چه وظیفه‌ای دارد. این در حالی است که سوء تفاهم یا سوء استفاده از این استعاره‌ها - مانند تفسیر انتظار به معنای بی‌کاری یا ظهور به معنای نیاز به فساد - می‌تواند به تفرقه، ناامیدی و توجیه بی‌عدالتی منجر شود.

بنابراین، بازتعریف مفاهیم مهدوی در چارچوبی واقع‌بینانه و امیدوارکننده، نه تنها ضروری، بلکه ضامن وحدت و حرکت جامعه منتظر است. این بازتعریف، باید از طریق گفتمان‌های فرهنگی، تربیتی و رسانه‌ای، در جهت تقویت هویت فعال، مسئول و امیدوار منتظران شکل گیرد.

منابع

قرآن مجید

- پیک حرفه، شیرزاد (۱۳۸۸)، میزان مطالبه اخلاق، تبیین سه رویکرد اخلاقی جدید به و تحلیل و نقد رویکرد اخلاقی اعتدال‌گرا، مجله پژوهش‌های فلسفی.
- داوری اردکانی، رضا و همکاران (۱۳۹۱)، زبان استعاره‌ای و استعاره‌های مفهومی، هرمس.
- ربیعی کهندانی، محمد (۱۴۰۰)، استعاره، امر سیاسی و امکان گفتگو در ایران (۱۳۶۰ - ۱۳۵۷) [رساله برای دریافت درجه دکتری]، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- رحیم‌پور، فروغ السادات (۱۳۸۱)، تبیان (آثار موضوعی)، دفتر چهل و دوم (امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۵)، الشواهد الربوبیه، (ترجمه و شرح جواد مصلح)، سروش.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۷) گفت‌وگو: سخنانی‌های گفتمان سوم، چاپ سوم، بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی التفسیر القرآن، چاپ پنجم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، دارالحرمین للطباعة والنشر والتوزيع.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، دار الثقافة.
- عمید، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ عمید، چاپ دهم، انتشارات امیرکبیر.
- غلام‌شاهی، احلام و همکاران (۱۴۰۲)، استعاره‌های جنگ بر بستر فرهنگ (مطالعه موردی کتاب «وقتی مهتاب گم شد»، زبان شناخت.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۴)، استعاره در فرهنگ جهانی‌ها و تنوع (ترجمه نیکتا انتظام)، انتشارات سیاه‌رود.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق)، کتاب‌البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



Seeking justice and anti-tyranny in the Mahdavi Poetry Media(Case Study: Poems of Ali Jafar Al-Ibrahim Al-Qataifi)

Dr. Hojatollah Fasanghari ¹
Ensiyeh Bargi ²

Abstract

Abstract

Belief in a savior, drawing a bright future, and establishing justice are natural and accepted by all Abrahamic and non-Abrahamic religions, and are not limited to a particular time, place, or nationality. The issue of Mahdism and the effort to spread Mahdist culture have caused literature to play a significant role in promoting it and to be a comprehensive mirror of people's beliefs and thoughts. Therefore, considering the dimensions of the global mission of Imam Mahdi (PBUH) and its reflection in Mahdist poems that encompass the political, social, cultural, and ideological dimensions of human life, in this study, which was conducted using a descriptive-analytical method, an attempt was made to examine the religious beliefs and convictions of the freedom-loving Shiite poet of Saudi Arabia and the Qatif region, Ali Ja'far Al-Ibrahim Al-Qatifi, who openly shouts out his beliefs, and to address the reasons for the poet's inclination toward Mahdist poetry, to help understand the effects of this belief. The results of the research showed that by drawing a pure picture of Mahdavi's utopia, the poet plants the seeds of hope in hearts and ignites the desire to move to fight oppression and create grounds for emergence in the hearts and minds of those waiting who believe in justice, and strengthens the hope and belief in victory within the indomitable justice seekers.

Keywords: Anti-tyranny, seeking justice, Mahdism, the medium of poetry, Ali Jaafar Al-Ibrahim Al-Qataifi

-
1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran(Corresponding Author)(h.fasanghari@hsu.ac)
 2. Master's degree in Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (bargiensiyeh58@gmail.com)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

نوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

عدالت خواهی و ظلم ستیزی در رسانه شعر مهدوی (مورد مطالعاتی: اشعار علی جعفر آل ابراهیم القطیفی)*

حجت اله فسقري^۱

انسبه برگی^۲

چکیده

اعتقاد به منجی و ترسیم آینده ای روشن و برقراری عدالت، امری فطری و مورد پذیرش همه ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی است و منحصر به زمان، مکان و ملیت خاصی نیست. مسئله مهدویت و تلاش برای گسترش فرهنگ مهدوی سبب شده تا ادبیات در ترویج آن نقش به سزایی داشته باشد و آئینه تمام نمای اعتقادات و افکار مردم باشد؛ از این رو با توجه به ابعاد رسالت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بازتاب آن در اشعار مهدوی که ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی زندگی انسان را در بر می گیرد، در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، تلاش بر این بود که با بررسی باورها و اعتقادات دینی و مذهبی شاعر شیعی آزادی خواه علی جعفر آل ابراهیم القطیفی، کشور عربستان و منطقه قطیف و پرداختن به علت های گرایش شاعر به شعر مهدوی، به شناخت آثار این باور رسید. نتایج پژوهش نشان داد شاعر با ترسیم تصویری ناب از آرمان شهر مهدوی، بذرا امید را در دل ها می نشاند و اشتیاق به حرکت برای مبارزه با ظلم و ایجاد زمینه های ظهور را در قلب و ذهن منتظری که به عدالت اعتقاد دارد، شعله ور می سازد و امید و باور به پیروزی را درون عدالت خواهان ستم ناپذیر تحکیم می بخشد.

واژگان کلیدی

ظلم ستیزی، عدالت خواهی، مهدویت، رسانه شعر، علی جعفر آل ابراهیم القطیفی، عربستان.

مقدمه

اعتقاد و انتظار شیعیان برای تشکیل حکومت جهانی توسط انسان کامل، عادل،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول) (h.fesanghari@hsu.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (bargiensiye58@gmail.com).

قیام‌کننده برای احیاء همه فضائل انسانی تأثیرات مختلفی بر روح و رفتار و تفکرات و گرایش‌های آنان خواهد داشت و برایشان عقیده‌ای متفاوت رقم زده است و موجب شده که این حالت روحی و درونی به بیرون سرایت کرده و شیعیان دست روی دست گذاشته و در جهت رسیدن به چیزی یا کسی که انتظارش را دارند با جدیت تمام اقدام کنند. از جمله اعتقادات بنیادین مذهبی که از منزلت خاصی در بین شیعه و سنی برخوردار است، اعتقاد به مهدویت و مسئله انتظار است (موسوی گیلانی، ۱۳۸۷: ۱۲). مهدی باوری در میان تمامی ادیان مطرح شده و در این میان دین اسلام آنها در قالب کامل‌ترین تصویر بنام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شناسد و امروزه در دنیا از آن بنام فوتوریسم (اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار منجی مصلح) بحث می‌کنند (سلیمیان، ۱۳۸۵: ۱۲).

در این سیر تحولی جامعه و شکل‌گیری حکومت شیعی و رواج مذهب تشیع، فعالیت و تلاش برای گسترش فرهنگ و عقیده مهدوی سبب شده است تا ادبیات جدای از مباحث فنی و تکنیکی و ساختاری در ترویج این فرهنگ نقش بسزایی ایفا نماید.

ادبیات حاصل اندیشه، باورها و آداب و رسوم و در مجموع آینه‌ای از فرهنگ زمان خود بوده است و بیشتر متون ادبی بازتاب باور مردم هستند و بدیهی است مذهب غالب، در زمان خلق اثر ادبی و اعتقاد گوینده یا نویسنده در چگونگی نشان دادن اندیشه و باورهای دینی بسیار مؤثر بوده است که یکی از این باورهای بنیادین مهدویت و انتظار موعود است.

جریان قدرتمند و گسترده بیداری اسلامی باعث ظهور ادبیات متعهد همان ادبیاتی که در خدمت دین و مذهب است شد و شعر آئینه تمام‌نمای جامعه گردید (زارعی و نظری، ۱۳۹۵: ۶۵).

در شعر ولایی شاعر به دلیل محبت و علاقه به خاندان اهل بیت علیهم السلام اشعاری در مدح و وصف و فضایل و سیره عملی ایشان می‌سراید و نشان‌دهنده میزان معرفت و ارادت او به اهل بیت علیهم السلام است و موضوعاتی از قبیل شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی و... و شعر مهدوی را در بر می‌گیرد (زارعی، ۱۳۹۵: ۵۵).

از سال‌های پیش از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفته است و نه تنها کم‌رنگ

شده بلکه روز به روز رنگ می گیرد و در دوران معاصر باب جدیدی در شعر و ادب بنام (ادبیات انتظار) گشوده است که امام را به عنوان منجی حقیقت جوین و حاکم و سردار عادل و در یک کلام انسان کامل و محقق آرزوهای بشر معرفی می نماید. شعر مهدوی مجموعه ای از نام، لقب، صفات، ویژگی ها، میلاد، غیبت، انتظار، ظهور، فرج، حکومت عدل، وظایف منتظران و... را در برمی گیرد (سیفی و سلطانی فرد، ۱۳۹۲: ۲۵).

انتظار موعود در شعر معاصر به ویژه در جهان عرب که جامعه تحت سیطره حکام احساس کرامت و عزت نفس خویش را از دست داده می تواند قوه محرکه برای انقلاب بر علیه ظلم و جور باشد امروزه در برخی از کشورهای عربی که تحت فشار و تهدید و حمله نظامی هستند آثار یأس و ناامیدی و انفعال مشهود است و شاعر عرب با این درد آشناست و آن را در اشعارش به تصویر می کشد تا فریاد استغاثه اش را به گوش منجی نجات بخش برساند و به صورت محسوس یا نامحسوس اعتراضش از زمانه را بیان کند و خواستار صلح و آرامش است. او می خواهد با تمسک به منجی به مطلوب دست یابد و با موعود مصلح، شرایط را متحول کند؛ او سعی دارد با به تصویر کشیدن سیمای حضرت، امید را در دل و جان جامعه خویش زنده کند و مردم را به تکاپو و قیام و پایداری در برابر حکومت ظالم فراخواند (یاور صفت، ۱۳۹۳: ۵۴).

یکی از شاعران معاصر حوزه ادبیات متعهد اهل بیت که دیوان اشعارش را مزین به نام اهل بیت کرده و در زمینه انتظار، فراوان شعر سروده، شاعر اهل قطیف عربستان، «علی جعفر آل ابراهیم القطیفی» است یکی از شاعران معاصر حوزه ادبیات متعهد اهل بیت که دیوان اشعارش را مزین به نام اهل بیت کرده و در زمینه انتظار، فراوان شعر سروده، شاعر اهل قطیف عربستان، «علی جعفر آل ابراهیم القطیفی» است.

این شاعر اهل سرزمینی است که پیشینه کهن اسلامی شیعی دارد و عالمان بزرگی از جمله شیخ نمر باقر النمر را که در سال (۱۳۹۴) اعدام شد، در خود پرورانده است. این شهر به دلیل علما و مدارس متعدد دینی به «نجف صغری» مشهور است و شیعیان این منطقه در طول ادوار گذشته تا به امروز بخصوص از زمانی که وهابیت قدرت را در عربستان به دست گرفته است تحت فشار مذهبی و سیاسی دولت آل سعود بوده است (آل سنبل، ۲۰۰۳ م: ۴۸-۴۳). با توجه به ابعاد رسالت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و بازتاب آن در اشعار مهدوی که تمامی ابعاد زندگی انسان را در برمی گیرد، بررسی باورهای اعتقادی

و دینی یک شاعر شیعی آزادی خواه در کشور عربستان و نزدیکی نگاه و اندیشه او به اندیشه شیعیان ایران ضروری به نظر می رسد. از دگر سو پرداختن به علت ها و دلایل گرایش شاعر به معارف مهدوی نیازما در پاسخ به این پرسش که اشعار مهدوی چه آثاری در پی دارد و شاعر از سرودن این اشعار چه اهدافی را دنبال می کند را برطرف می سازد. بررسی و تحلیل مضامین مهدویت، به عنوان اصلی محوری در بیداری اسلامی و تبیین وظایف منتظران در عصر حاضر امری ضروری است و راهگشای ما در سختی ها و مصائب دوران غیبت خواهد بود و زمینه ساز ظهور است. او با اشعارش در اعماق وجود مخاطب برای مقاومت و حرکت به سوی عدالت و ظلم ستیزی نوری می افروزد. شاعران عرب در کشورشان که امروزه تحت سلطه متجاوزان اند ندای آزادی سر می دهند چرا که از ظلم و ستم به تنگ آمده اند و خواستار قدرت و نیرویی هستند که آنان را رهایی بخشد. از این جهت شعر آئینه افکار دردهای اوست و از جور به تنگ آمده و می نالد و امید آزادی را در سایه انتظار موعود دارد و در کلامش بر زبان می آورد. در این پژوهش به بررسی آثار مهدویت و انتظار از جمله ظلم ستیزی و عدالت خواهی در شعر شاعر معاصر عرب علی جعفر آل ابراهیم القطیفی پرداخته ایم، با توجه به این که در زمینه مضامین مهدویت پژوهش های بسیاری صورت گرفته اما در خصوص اشعار وی تاکنون پژوهش مستقلی با این موضوع صورت نگرفته است.

مفهوم شناسی

شعر در نقش رسانه

معنای لغوی: کلمه "رسانه" در زبان فارسی به معنای وسیله ای است که اطلاعات، اخبار و محتوا را به دیگران منتقل می کند. این واژه از ریشه "رساندن" به معنای انتقال و ارسال گرفته شده است. در لغت نامه ها، رسانه به عنوان ابزاری برای ارتباط و انتقال اطلاعات تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۸: ج ۸، ۱۲۰۱۰).

معنای اصطلاحی: در اصطلاح، "رسانه" به مجموعه ای از ابزارها و نهادهایی اطلاق می شود که وظیفه انتقال اطلاعات و اخبار به عموم مردم را بر عهده دارند. رسانه ها می توانند شامل مطبوعات، رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه های اجتماعی باشند. رسانه ها نقش مهمی در شکل دهی به افکار عمومی، اطلاع رسانی و ایجاد ارتباطات

اجتماعی ایفا می کنند (محمودی، ۱۴۰۰: ۹۰).

شعر کهن ترین و در عین حال سرزنده ترین و انسانی ترین رسانه فرهنگی است. زبان شعر در ضمن شکوه و ضخامتی که دارد برای همگان قابل فهم است و می تواند در موقعیت های گوناگون تاریخی و اجتماعی مسئولیت بخش عمده ای از رساندن پیام را به عهده گیرد و همین موضوع آن را به رسانه ای تمام عیار بدل می سازد.

آدمی از دیرباز توانسته است آرمان ها و آرزوهای خود را در قالب نظم الفاظ متجلی سازد و این موهبتی است که خداوند تنها در نهاد او گذاشته است. شعر در کنار بلاغت همراه با ظرافت گویی و نکته سنجی است و از گذشته های دور به عنوان بهترین و تنهاترین وسیله تبلیغات در دست افراد و گروه ها و حکام بوده است. نقش شاعر در میان مردم و اجتماع مربوط به يك ملت و گروه خاصی نیست و وظیفه شعر در تمامی اعصار بیان حقیقت است برای شاعر سرودن شعر تسخیر جهان به كمك واژه هاست (قبانی، ۱۳۵۶: ۷۲).

شعر معاصر عربی به عنوان یک فرم هنری و ادبی، تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه قرار گرفته است. مهدویت در شعر معاصر عربی به عنوان یک عنصر قدرتمند در ابراز عدالت خواهی و ظلم ستیزی عمل کرده است می تواند با بیان احساسات و تجربیات شخصی موجب جلب توجه مردم به مسائل اجتماعی و سیاسی شود و به عنوان یک عنصر مشترک فرهنگی به تبلیغ ارزش های مشترک جوامع اسلامی پرداخته و ایجاد اتحاد و همبستگی نماید و به ایجاد یک هویتی پایدار و معنادار برای جامعه کمک می کند که بر مبنای اصول عدالت و حمایت از مظلومان استوار شود و در مسیر بیداری جوامع قدم بردارد.

مفهوم مهدویت

مهدویت مصدر جعلی مهدی به معنای «مهدی امام منتظر بودن است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۳۳۱).

در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است (تونه ای، ۱۳۸۷: ۷۱۱).

«مهدی» اسم مفعول و به «معنای هدایت شده» است. کلمه مهدویت نیز برگرفته از همین ریشه است، این واژه بین اهل سنت از شهرت بیشتری برخوردار است و به گونه ای که آن حضرت بیشتر با این واژه نزد آنان شناخته می شود. گاهی در معنای فاعلی به معنای "هدایت کننده" بکار رفته است. محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

قائم را از آن جهت مهدی گفته اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند هدایت می کند؛ اما بیشتر آنچه در روایات آمده همان معنای نخست است.

یکی از نویسندگان از این باور به نام «فوتوریسم» یاد کرده است:

فوتوریسم^۱، یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است. فوتوریسم عقیده ای است که در کیش های آسمانی: زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و بودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت: کاتولیک، پروتستان، ارتودکس و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق بشارت ظهور همچو مصلحی را داده اند... (خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۵۵).

مهدویت از اصول اعتقادی، اجتماعی، سیاسی اسلام است در جهان کنونی که جوامع به دنبال ارزش های انسانی و عدالت اجتماعی هستند، اعتقاد به منجی زمینه ساز تحقق آرزوی دیرینه بشر در طول تاریخ است. این گرایش فطری انسان ها به ظهور منجی، سبب شده که پیروان همه ادیان با تمام اختلاف در اندیشه امید به آینده ای روشن داشته باشند و در انتظار روزی که بساط ظلم برچیده شود و عدالت جهان را در بر گیرد و تلاش برای رسیدن به جهانی عاری از ستم و سرشار از عدالت می تواند عامل وحدت جهانیان برای رسیدن به این آرمان باشد و اختصاص به اسلام و مکتب تشیع ندارد؛ بلکه ادیان دیگر مانند هندوها، مسیحیت، زرتشتی ها، یهودی و بودایی و... نیز به آن اعتقاد دارند.

مفاهیم ظلم ستیزی و عدالت خواهی مقدمه مهدویت و از مفاهیم کلیدی در

1. Futurism

باورهای اسلامی است که به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری عدالت در زمین اشاره دارد. این مفهوم در دوران معاصر، به ویژه در شعر عربی، نه تنها به عنوان امید به رستگاری، بلکه به عنوان ابزاری برای مبارزه با ظلم و احقاق حقوق مورد استفاده قرار گرفته است.

مفاهیم ظلم ستیزی و عدالت خواهی در شعر مهدوی شعر معاصر عربی به وضوح تأثیرپذیری خود را از مفهوم مهدویت در زمینه ظلم ستیزی و عدالت خواهی نشان می دهد. شاعران از این مفهوم برای نقد اجتماعی و اشاره به مظالم موجود استفاده می کنند. ظلم ستیزی در این شعرها به معنای اعتراض به وضعیت های ناهنجار اجتماعی و اقتصادی است. شاعران با استفاده از نماد مهدویت، آرزوی آزادی و برقراری عدالت را به تصویر می کشند و در این مسیر، ظلم های مختلف را زیر سؤال می برند. به همین دلیل، شعر مهدوی در عصر معاصر به یک ابزار مؤثر برای برقراری پیوند بین امید به تغییر و نقد ساختارهای ظالمانه اجتماعی تبدیل شده است (میکانی، ۲۰۱۴م: ۱۲۰).

مفهوم ظلم

کلمه «ظلم» در زبان عربی و فارسی معانی و کاربردهای مختلفی دارد. در ادامه به بررسی معنای این کلمه در لغت و اصطلاح می پردازیم:

معنای لغوی: ظلم مصدر عربی در لغت در لغت به معنای وضع شیء در غیرموضع خود، ستم، ستم کردن و بیداد آمده است (سیاح، ۱۳۳۰: ج ۳، ۵۵).

«ظلم» به معنای نادیده گرفتن حق و تجاوز به حقوق دیگران است. این کلمه از ریشه «ظلم» به معنای تاریکی و عدم نور گرفته شده است. در این معنا، ظلم به معنای قرار دادن چیزی در جای نادرست و یا نادیده گرفتن حقایق است (دهخدا، ۱۳۷۸: ۱۲۳۴).

واژه ظلم در اصل به معنای از بین بردن حق و عدم پرداخت آنچه که حق است، می باشد. جدا از این که درباره خود انسان یا دیگری و یا حقوق الهی باشد، چه دارای عقل باشد یا نباشد و چه حقوق مادی باشد یا معنوی و یا روحانی ظلم به طور مطلق یعنی تضییع حقوقی که بین انسان و خودش و خداوند و مردم نهاده شده است. ظلم به خود گسترده ترین نوع ظلم است چراکه همه ظلم ها به آن برمی گردد، کوتاهی در حق نفس و

تباه کردن آن است و مانع شدن از رسیدن نفس به کمال، با گرایش به امور مادی دنیوی است... (المصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۷۲-۷۱۷).

معنای اصطلاحی: در اصطلاح، اما آنچه در اصطلاح و عرف مردم از ظلم ذکر می شود بیشتر مصادیق آن است که ظلم به معنای اخص است و به معنای هر نوع بی عدالتی، ستم و تجاوز به حقوق دیگران است. این مفهوم در متون دینی و فلسفی به ویژه در قرآن و احادیث اسلامی به طور گسترده ای مورد بحث قرار گرفته است. ظلم می تواند شامل ظلم به نفس (خودآزاری) و ظلم به دیگران (سایر انسان ها) باشد و به عنوان یک عمل ناپسند و گناه بزرگ معرفی شده است.

آنچه در اصطلاح و عرف از ظلم ذکر می شود بیشتر مصادیق آن است، از آن موارد می توان به؛ شرک، گناه، عصیان، بغی، کفر، نفاق و... اشاره نمود. بزرگ ترین ظلم شرک و نفاق است که خداوند در سوره لقمان می فرماید «... إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳) (مروتی، ۱۳۹۴: ۱۶).

ظلم ستیزی در اشعار مهدوی به معنای اعتراض به وضعیت های ناهنجار اجتماعی و اقتصادی است. شاعران با استفاده از نماد مهدویت، آرزوی آزادی و برقراری عدالت را به تصویر می کشند و در این مسیر، ظلم های مختلف را زیر سؤال می برند.

عدل و عدالت

در لغت، واژه «عدل» به معنای توازن، انصاف و برابری است. این واژه از ریشه «ع د ل» به معنای «برابری» و «اعتدال» برگرفته شده است. به عبارت دیگر، عدل به حالتی اشاره دارد که در آن افراد به طور یکسان و عادلانه مورد رفتار و قضاوت قرار می گیرند (دهخدا، ۱۳۷۸: ۵۶۷۸).

معنای اصطلاحی عدل: در اصطلاح به رعایت حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی اشاره دارد. همچنین، اعطاء کل ذی حق حقه، این تعریف مشهوری است در تفکرات مذهبی به عنوان یک صفت الهی و اصل بنیادین در نظام های اجتماعی و سیاسی مذهبی شناخته می شود که در آن به بررسی صفات حق و مفهوم عدل پرداخته است. رعایت تناسب و ظرفیت ها و استعدادها و میدان دادن به آن ها برای رشد و بهره وری از حقوق خود و استفاده به جا از هر چیزی نکته ای است که از عدل مفهوم

می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۸۰-۸۲).

عدالت خواهی در شعر معاصر عربی از طریق تجسم ایده مهدویت به عنوان نماد عدالت اجتماعی و رهایی از ظلم معرفی می‌شود. شاعران بر این باورند که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای پایان ظلم و تحمیل تضادهای اجتماعی است. به همین دلیل، شعر مهدوی در عصر معاصر به یک ابزار مؤثر برای برقراری پیوند بین امید به تغییر و نقد ساختارهای ظالمانه اجتماعی تبدیل شده است (میکانی، ۲۰۱۱م: ۲۴).

درباره شاعر علی جعفر آل ابراهیم القطیفی

شاعر علی بن جعفر بن ترکی آل ابراهیم در تاریخ (۱۳۹۲/۱۱/۱۲) در قطیف به دنیا آمد بعضی از کتاب‌های زبان و منطق و بلاغت را در طول سال‌های ۱۴۰۸-۱۴۱۱ هـ ق را تحت تعلیم برخی علمای دین در سیهات گذراند و در سال (۱۴۱۷ق) دبیرستان را به پایان رساند او کارمند اداره پست سعودی می‌باشد و برای او تألیفاتی از جمله: مع الورد و القمر (همراه با گل و ماه) با موضوع شعر منوع در سال (۱۴۱۸ق) سروده است.

سبیل اللقاء (راه دیدار)، شعر در موضوع امام زمان در سال (۱۴۲۴ق) مدرسه الشعر الحسینی (مدرسه شعر حسینی)، با موضوع نقد ادبی در سال (۱۴۲۵ق) من بیوتی فی الجنة (از خانه‌ام در بهشت) شعر درباره دوستی و مدح اهل بیت علیهم السلام (۱۴۲۲ق)

و شرکت در مجالس شعر ولایی و در فضای مجازی خواندن اشعار و به تحدی طلبیدن شاعران برای سرودن اشعار درباره اهل بیت (سرودن قصیده بدون نقطه درباره حضرت علی علیه السلام).

شاعر با اعتقاد عمیق مذهبی خود و شرایط سیاسی ظالمانه حاکم در منطقه با تمسک و استغاثه به منجی مصلح به ترسیم تصویری زیبا از مهدویت و مضامین مرتبط با آن پرداخته است، او در اشعارش گاهی در عین ناامیدی و پریشانی، زمانی را به تصویر می‌کشد که نتیجه پایداری و استقامت او است تا شاید بارقه‌ای از امید را در دل مخاطبش روشن گرداند و او را به آگاهی برساند و از جهل و تاریکی و ترس حاکم بر جامعه رها کند و انگیزه حرکت به سوی روشنائی فراخواند. او به طلوع فجر ظهور منجی

موعود ایمان دارد؛ همان موعودی که از مهم‌ترین اقداماتش پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد است و با یقین خویش مردم را در مسیر نور و امید قرار می‌دهد و به ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی دعوت می‌نماید.

ریشه تشیع در این منطقه؛ به دوران صدر اسلام و امام علی علیه السلام نسبت می‌دهند که ایشان از نخستین شیعیان و پیروان حضرت علیه السلام محسوب می‌شوند که در زمان حضرت در رکاب ایشان در بسیاری از جنگ‌ها علیه مخالفان حضور داشتند (بحرینی، ۱۳۹۰: ۲۰-۳۰).

یک ناحیه شیعه‌نشین و با تاریخ فرهنگی غنی، میزبان بسیاری از شاعران و ادیبان عرب بوده است. شعر در این ناحیه همواره نقش مهمی در اعتبار و تأثیرگذاری اجتماعی داشته‌اند این شهر به دلیل علما و مدارس متعدد دینی به «نجف صغری» مشهور است و شیعیان این منطقه در طول ادوار گذشته تا به امروز به خصوص از زمانی که وهابیت قدرت را در عربستان به دست گرفته است تحت فشار مذهبی و سیاسی دولت آل سعود بوده است (آل سنبل، ۲۰۰۳ م: ۴-۴۳).

سیهات در تاریخ خود جنگ و سیاست و عهدنامه‌های زیادی را ثبت نموده، ساکنان سیهات در تاریخ، موضع‌گیری‌های بارز و مشهودی به‌ویژه در مقاومت و جنگ داشته‌اند. حمله‌های وحشیانه بارها مردم این شهر را به مخاطره انداخته است به‌ویژه دولت اول و دوم سعودی چندین بار برای انتقام از ساکنان این منطقه کشتار به راه انداخته است. «آل سعود پیوسته کوشیده‌اند این جمعیت با سابقه تاریخی را درخشان را منزوی و طرد کنند و به واسطه تبعیض‌ها آزار ببینند؛ تبعیض مذهبی، فرهنگی، قانونی، اقتصادی که از آثار این تبعیض‌ها، ضایع شدن حقوق فردی و اجتماعی شیعیان است. یکی از طوایف مطرح در قطیف آل ابراهیم است که علی جعفر آل ابراهیم از این طایفه هستند...» (انصاری بویراحمادی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۴۱).

جایگاه مهدویت در شعر معاصر عربی

شعر عربی معاصر در مواجهه با شرایط سیاسی و اجتماعی سخت جامعه عرب، به جستجوی مفاهیم عمیق انسانی پرداخته و مهدویت به‌عنوان یک نمادی از عدالت و آزادی به کار رفته است. شاعران معاصر به‌ویژه در قرن ۲۰ میلادی تحت تأثیر جنگ‌ها و

بحران های منطقه، به بیان آرمان های خود برای آزادی و عدالت از طریق مفهوم مهدویت می پردازند. شعر معاصر عربی به ویژه در دوران پس از استعمار و در شرایط سیاسی ناپایدار، به ابراز نگرانی از ستم و فساد پرداخته است. شاعران معاصر از نماد مهدویت به عنوان امیدی برای تغییر و بهبود اوضاع استفاده می کنند.

شاعران معاصر با تأکید بر ارزش های مهدوی، پیام های عدالت اجتماعی را نیز به تصویر می کشند. عدالت به عنوان یکی از ویژگی های کلیدی دوران مهدوی، در اشعار شاعران به چشم می خورد. این شاعران معمولاً به انتقاد از ظلم و فساد می پردازند و بر ضرورت تحقق عدالت تأکید می کنند. شعر معاصر عربی به خوبی رنج ها و ستم های مردم را توصیف و منعکس می کند. شعر مهدوی به یک مآمن معنوی و سیاسی برای شاعران تبدیل شده است تحولات جامعه باعث شده شاعران با الهام از مهدویت به جست و جوی عدالت و رهایی از ستم پردازند به ویژه در سال های اخیر بازتابی از واقعیت های تلخ اجتماعی و امید به آینده ای عادلانه تر است.

حقیقت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شاعر شیعی مذهب جعفر آل ابراهیم القطیفی، شاعر متعهد که افکار و اندیشه و عقایدش با سرشت او درآمیخته، در عصر حاضر که عصر بیداری اسلامی است با رویکرد مهدویت مشتاقانه از رسیدن روزی که هیچ ستم و تبعیضی نباشد سخن می گوید سعی می کند با دفاع از عقاید خویش مخاطب را در عرصه مهدویت در مسیری هدایت کند که به او هویت ببخشد و با استفاده از ظرفیت و شرایط موجود در جامعه گامی مؤثر در رشد و آگاهی سیاسی و دینی و فرهنگی مخاطب بردارد. او در این مسیر معرفتی عواطف و نگرش و اعتقادات مخاطب را برانگیخته تا در جهت پویایی و تحرک و رسیدن به آمال و رؤیاهایش قدم بر دارد و با آگاهی و معرفت کامل، با شوق و امید و ایستادگی در برابر ظلم و ستم زمینه را برای حکومت مصلح الهی جهان فراهم آورد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۱).

او به معرفی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد تا مخاطب امام و منجی مصلح را بشناسد و وظیفه دینی خود که آگاهی و تذکر به مردم است را به درستی انجام دهد. بارزترین اثر شناخت امام محبت و دوستی امام است که باعث انقیاد و تسلیم در برابر اوامر اوست.

در روایاتی از پیامبر اسلام ﷺ نیز بدین وظیفه اشارت رفته است؛ همانند روایتی که می‌فرماید: «هر کس بمیرد به حالی امام زمان مان خویش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۵۸).

در اشعار زیر شاعر به اثبات وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با استناد به آیات قرآن و روایات پرداخته است:

القائم المهدی یملأ ذکره	سُورَ الْكِتَابِ قَصِيرَهَا وَطَوِيلَهَا
اللیل غیبتُهُ إذا یغشی الوری	وَالضُّبْحُ طَلَعَتْهُ تَبْتُ هَدَايَهَا
وَبِسُورَةِ الْقَصَصِ اقْرَأْ (وثرید أن)	وَبِیُونُسَ (انتظروا) وَعُدَّ مَثِیْلَهَا
وبـ (قاف) یومُ خروجه یعنی به	فِی صِیْحَةٍ حَتَمَ الْإِلَهُ حَصُولَهَا
(ولقد کتبنا فی الزبور) صریحه	فِی (الأنبیاء) وذاک شِبْهُ دَلِیلِهَا
صَدَّقْتُ آلَ مُحَمَّدٍ فِی قَوْلِهِمْ	عَنْهَا وَكَذَّبْتُ الْغَبِیَّ جَهْلَهَا

(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۱۲۴)

ترجمه اشعار

مهدی قائم یادش سوره‌های بزرگ و کوچک قرآن را آکنده کرده است. / شب، غیبت اوست هنگامی که دنیا را فرامی‌گیرد و صبح، طلوع چهره نورانی اوست که صدای کبوتران را برمی‌انگیزد. / در سوره قصص «وثرید أن» می‌خوانند و در سوره یونس «انتظروا» و از این دست بسیار است. / در سوره قاف روز خروج و ظهور او اراده می‌شود در آن بانگ آسمانی که پدید آمدنش وعده حتمی الهی است. / و در سوره انبیاء «ولقد کتبنا فی الزبور» آشکارا به آن اشاره دارد. / گفته‌های آل محمد درباره ظهور او را تصدیق و تأیید و گفته‌های نادانان و بی‌خردان را تکذیب کردم.

شاعر در این ابیات به وضوح به موضوع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مفاهیم مرتبط با مهدویت و همچنین امید به برقراری عدالت و مبارزه با ظلم پرداخته‌اند. شاعر با استفاده از ارجاعات قرآن و نمادهای دینی، تأکید بر اهمیت عدالت و انتظار ظهور را در مرکز پیام خود قرار داده است.

تفکیک مضامین

در ابیات اول و دوم، شاعر به غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می‌کند. غیبت شب بر

جهان تاریکی و سختی‌ها را نشان می‌دهد و صبح، نمادی از ظهور و روشنایی است. این کنایه به امیدی است که مؤمنان به ظهور مهدی علیه السلام دارند تا در سایه او عدالت برقرار شود.

قرآن کریم همواره یکی از منابع مهم مورد اقتباس و الهام بخش شعرا بوده است، شاعر معاصر عرب با اشاره مستقیم به نام سور و آیات قرآنی اولین قدم را در مسیر انتظار برمی‌دارد یعنی شناخت منجی؛ او آگاه است که تا شناخت اتفاق نیفتد محبت و دوستی و اشتیاق و انتظاری در کار نخواهد بود و آگاهی و شناخت حقیقت را برای مخاطب روشن می‌کند و در مسیر انتظار با آگاهی قدم برمی‌دارد و محبت و اشتیاق او منجر به حرکت و اطاعت و انقیاد او امر حجت می‌گردد با او سنخیت یافته و در مسیر پیروزی بر استبداد قدم برمی‌دارد. شاعر با اشاره مستقیم به آیه «استضعاف» حکومت حضرت را در عصر ظهور به تصویر می‌کشد.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمُوتَ عَلَىٰ الَّذِيْنَ اسْتَضَعِفُوا...﴾ (قصص: ۵)؛

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین مَوت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه می‌فرماید:

این آیه مخصوص به صاحب امری است که در آخرالزمان ظهور کرده و جباران و فرعونیان را نابود خواهد کرد او شرق و غرب را مالک می‌شود پس زمین را پر از عدل می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم شده باشد.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)
در «زبور» بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد».

امام باقر علیه السلام:

﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ منظور از آن خاندان محمد هستند و با توجه به اطلاق کلمه (الارض) این حکمرانی تمام کره زمین را شامل شده و با توجه به اینکه در گذشته اتفاق نیفتاده نوید آینده را می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۲۴).

شاعر در این ابیات با استفاده از اعتقادی که با جانش آمیخته و با استفاده از آموزه‌های دینی و صنعت تلمیح به زیبایی دست به اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌زند

و مخاطب را با خود همراه می‌سازد. او با آوردن آیات درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان نشانه‌های ظهور (صیحه آسمانی) این فریاد، نمادی از آغاز دوره‌ای جدید، پراز عدالت و نیکی است و با بیان علائم ظهور در پی آیات مهر تأییدی بر وعده الهی و روایات ائمه می‌زند او از نشانه‌های ظهور می‌گوید و به مستضعفین وعده الهی که همان پیروزی حق بر باطل است را یادآوری می‌کند. نوید می‌دهد که حضرت با ظهورش ضعیفان و آنان که مظلوم واقع شده‌اند را با بزرگ‌ترین نهضت آزادی بخش بر یایان و جباران پیروز و آنان را از صفحه روزگار محو می‌کند. او با استعانت از قرآن و کلام ائمه قصد دارد سخن مدعیان دروغین امامت را رد کند و به مخاطبش حق و حقیقت را نشان دهند و قدم به قدم در مسیر شناخت منجی مخاطبش را یاری کند. او ظهور حجتش را به طلوع خورشید همانند کرده که تاریکی و ظلمت شب را پایان می‌دهد و آواز کبوتران را نوید صبح می‌داند، او نیز طلوعی است بر ظلمت و تاریکی جور و ستم حاکم بر مستضعفین که با آمدنش صدای آزادی و رهایی‌شان از جور حاکم را به گوش می‌رساند. او در این اشعار اشاره به این دارد که حتی در کتب آسمانی دیگر نیز به ظهور و آمدنش اشاره شده است و شاعر تأکید می‌کند که آل محمد صلی الله علیه و آله در گفته‌های‌شان راجع به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف راست گو بوده‌اند. در مقابل، نادانی کسانی که از این موضوع غافل هستند، محکوم می‌شود. این بیت نه تنها بر اهمیت آگاهی تأکید دارد؛ بلکه نادانی را به عنوان مانع درک حقیقت و ظلم شناخته می‌کند. این ابیات به روشنی به دو میدان کلیدی اشاره دارند: انتظار عدالت و ظلم‌ستیزی. انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی و برقرارکننده عدالت، پیام اصلی این اشعار است. شاعر با ارجاع به مفاهیم دینی و قرآن، پیامی از امید و انتظار به مؤمنان می‌دهد تا در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی کنند. شعر با تأکید بر ضرورت آگاهی از وعده‌های الهی، به مؤمنان یادآوری می‌کند که آگاهی از نشانه‌ها و آینده، در مقابل جهل و غفلت باید قرار گیرد. این شعر نشان‌دهنده امید به آینده‌ای روشن، پراز عدالت و برقراری وضعیت مناسب برای بشر است و به نوعی دعوتی به خودآگاهی و عمل در برابر ظلم و فساد است.

مهدویت نماد عشق و امید

مهدویت مهم‌ترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در

حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی، شجاع و دلیر می کرد و هسته مرکزی انقلاب ها علیه نظام های استعمارگر و اوضاع ظالمانه بوده وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است. با این که می بینیم زورمندان و استضعاف گران، مخالفان رژیم خود را می کوبند، در بند می کنند، به زندان می اندازند در خاک و خون می کشند باز هم استضعاف شدگان به پا می خیزند و مسیر تاریخ را عوض می کنند؛ مسلمانان و به ویژه شیعیان در طول تاریخ علیرغم همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده مستمراً به تلاش خود ادامه داده اند؛ می بینیم مقاومت از ویژگی های اصلی مهدویت است که به صبر و کوشش و دفاع از ارزش های شیعی و آمادگی برای ظهور و اتحاد در مقابل دشمن به ویژه کشورهای ستمگر اروپایی دعوت می کند.

با بررسی اشعار این شاعر می فهمیم که استواری و مقاومت از مهم ترین ویژگی های آن است.

أَمْسِيْتُ لَا أَهْوَى سِوَاكَ وَلَيْسَ لِي	إِلَّا لِقَاءَكَ حَاجَةً يَا مَوْعِدِي
أَمْسِيْتُ أَكْرَهُ كُلَّ مَجْلِسٍ شِيعَةٍ	مَا فِيهِ ذِكْرُكَ يَا مُنْأَى وَمَوْرِدِي
وَعَلِمْتُ أَنِّي لَوْ بَكَيْتُ لَدَيْكَ يَا	أَمَلِي فَيَتَضَخُّ مِنْكَ أَعْطَرُ مُرْفِدِي
لَكِنْ سَأَصْبِرُ مِثْلَ صَبْرِكَ مَالِئاً	أَفُقَّ السَّمَاءِ بِحَبِّ نَابِضِكَ النَّدِي

(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۱۲۳)

ترجمه اشعار

صبح را به شب رساندم بدون عشق غیر از تو و فقط دیدار تو حاجت و مراد من است ای وعده گاهم./ صبح را به شب رساندم از هر مجلس شیعه ای که نام و یاد تو برده نشود کراحت دارم ای آرزو و خواسته ام./ و می دانم اگر گریه کنم برای تو، ای آرزویم، پس از تو خوش ترین و طراوت بخش ترین عطر مشهود و محسوس می شود./ ولیکن صبر خواهم کرد مثل صبر تو درحالی که افق آسمان را از عشق قلب تپنده تو پر می کنم.

شاعر با بیانی زیبا بین عشق و احساسات عمیق انسانی و موضوع عدالت و ظلم ستیزی ارتباط برقرار می کند. در برابر ظلم و بی عدالتی از زبان عشق و دل تنگی استفاده می کند و با ابراز عشق خود به محبوبش در حقیقت به دنبال عدالت است و از

این طریق صدای ظلم ستیزی خود را به گوش دیگران می‌رساند.

پایداری و مقاومت (ظلم ستیزی و عدالت خواهی) از ویژگی‌های مهدویت

لَمْ يُبْقِ مِنْ بَعْضِ دُمَى قَطْرَةً وَإِنَّهُ عَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ
كَمْ يُتَعَبُّ الْعَاشِقُ مِنْ هَجَرِهِ وَيُتَعَبُّ الْحَاسِدُ مِنْهُ السُّتُورُ
إِنْ كُنْتَ لَا أَصْبِرُ عَنْ حُجْبِهِ فَإِنَّهُ كَانَ عَلَيْنَا صَبُورُ
إِلَى مَتَى أَقْتُلُ فِي حُبِّهِ وَأَكْتُمُ الْأَمْرَ لِيَوْمِ الظُّهُورِ
القَائِمِ الْمَهْدِيِّ غَوِثُ الْوَرَى سِرَاجُ عَمْرِي وَمَعِينُ الْحَبُورِ
(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۸۶-۸۵).

ترجمه اشعار

جز قطره‌ای از خونم باقی نمی‌ماند و اینکه او عدل است و جفا نمی‌کند. / چقدر عاشق از هجرت و دوری خسته می‌شود و حسود و بداندیش از این پرده‌ها خسته می‌شود. / اگرچه من بر غیبت او شکیبایی نمی‌کنم؛ اما او بر من (گناهان من) شکیبا است. / تا به کی از عشق او کشته شوم این امر را تا روز ظهور پنهان کنم؟! ای مهدی قائم یاری دهنده جهانیان، چراغ زندگی‌ام و جاری کننده شادی‌ها و سرور.

او از عشق و صبر در برابر ظلم و جور سخن می‌گوید و به صبری که در برابر ظالم دارد افتخار می‌کند و به روزی اشاره دارد که عدالت به طور کامل ظهور خواهد کرد و انتظار برای چنین روزی به انسان قدرت و امید می‌بخشد که هر ظلمی پایان می‌یابد. بررسی این اییات ثابت می‌کند که اندیشه مقاومت و استواری در برابر ظلم و تهاجم - در عصر غیبت - یکی از مهم‌ترین باورهای شاعر است چراکه تأکید می‌کند در این راه تا آخرین قطره خونس برای نجات مظلوم در برابر بی‌عدالتی و ظلم می‌ایستد و مقاومت می‌کند و برای برقراری عدالت تلاش می‌کند.

بَهْجَةُ الْقَلْبِ وَنَهْرُ الصَّفَا وَجَنَّةُ تَسْجُدُ فِيهِ الْعُطُورُ
لَقَدْ وَعَدْنَا يَرْجُوْعُ الْهُوَى وَثَاقَتِ النَّفْسِ وَمَرْتِ عَصُورُ
تَكَلَّمُ الْقَرَأْنُ عَنْ يَوْمِهِ وَقَبْلَهُ كَانَ كَلَامُ الزَّبُورُ
حَتْمًا سِيَاتِي بِعَظِيمِ النَّدَى لِعَالَمٍ عَاشَ ظَلَامُ الدَّهْورُ
وَرَفَّ أَعْلَامُ الْهُوَى وَاسْتَوَى سُكْنَى الْعِمَارَاتِ وَسُكْنَى الْقُبُورِ

بسم الله الرحمن الرحيم

علائمُ والناسُ فی غفلةٍ فهمُ سُكاری بمسلاه و دور
(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۸۶)

ترجمه اشعار

با شادی دل و رودخانه صفا و بهشتی که در آن عطرها سجده می کنند. / به ما وعده‌ی بازگشت عشق و استواری نفس داده شده و قرن‌ها گذشته است. / قرآن از آن روز سخن می گوید و قبل از آن در زبور آمده بود. / حتماً خواهد آمد به بزرگ‌ترین ندا برای جهانی که روزهای تاریک را زندگی کرد. / پرچم‌های عشق و عدالت در تمام جهان برافراشته می گردد و ساکنان منزلگاه‌های آبادان و ساکنان قبرها یکسان می گردند. / پرچم‌ها به اهتزاز درمی آید درحالی که مردم در غفلت اند پس آنها به لهو و لعب مست اند.

در این ابیات شاعر متعهد به زیبایی نوید آینده‌ای روشن تر و عدالت محور و تحقق وعده الهی را از زبان شاعرانه و تصاویر معنوی و با اشاره به اهمیت آموزه‌های الهی در قرآن و دیگر کتب آسمانی را ترسیم می نماید و مخاطب را به عدم غفلت از ارزش‌های معنوی فرامی خواند و هشدار می دهد و اهمیت بیداری روحی و معنوی را گوشزد می کند و این بیداری را برای رسیدن به عدالت و از بین بردن ظلم و ستم حاکم بر جوامع عربی لازم می داند و امید می دهد با وجود وضعیت تاریک کنونی بشر در تغییر سرنوشت خود توانمند است به این شرط که به ندای دل گوش دهد و چشم اندازهای مقدس را دنبال نماید.

پیروزی حق بر باطل (حکومت عدل)

عقاید مسلمین برحسب تعدادی آیات قرآن (انبیاء: ۱۸) پیروزی حق بر باطل برای مسلمانان حتمی است همان طور که خداوند وعده داده «ان الارض یرثها...» (انبیاء: ۱۰۵) امام باقر درباره آیه شریفه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) فرمود: (زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید، دولت باطل از بین خواهد رفت).

این عقیده در ادبیات متعهد اسلامی و بخصوص ادبیات متعهد شیعی نقش برجسته‌ای دارد اشعار مهدوی این ادعا را ثابت می کند.

دولت ظالم سعودی تجاوزات خود را به شیعیان در جهان به ویژه در کشور خود از

پیش آشکار می‌کند و مجاهدان و علمای متعهد کشور خود مثل شیخ نمر را می‌کشد و تغییر در شرایط موجود از مهم‌ترین موضوعاتی است که شاعران سعودی و اعتراضات اخیر به دنبال دارد.

از آن جا که جهان به مانند دهکده‌ای کوچک درآمده و هر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، لذا با به دست گرفتن نقطه‌های کلیدی و با استعانت از خداوند متعال حکومت جهانی تحقق خواهد یافت.

بک و الدوله الکریمه وعد	اعظم القسّم فی عطاء منیل
نعم الخیر مریعاً فی جماها	و مشی العدل فاخسراً بالأصول...
انقضت ساعه الظلام أخیراً	فإذا اللیل مؤتمهراً بالحلول
ووفینا بحجّه اللّه فینا	ماؤعدنا بمُحکم التنزیل...
هكذا عادت الحیاة صفاء	فعدت سنّه بلا تبدیل
ورث الصالحون والحمد لله	لإنجاز وعده المأمول

(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۱۰۷)

ترجمه اشعار

«که به تو و دولت کریمه وعده داده شده‌ایم و این بزرگ‌ترین قسمت در یک هدیه سخاوتمندانه است./ تمام نعمت‌های خوب نزد توست و فخر عدالت به شما است./ بالاخره زمان تاریکی و ظلمت پایان یافت پس آن هنگام شب با لبخندی که دندان‌هایش نشان داده می‌شود حلول می‌کند./ به حجت خدا در بین ما وفا شده است ما به استوارترین نازل شده وعده داده شدیم./ زندگی به صفا آمده و سنت بلا تبدیل محقق خواهد شد./ و تمام زمین توسط صالحان و پاکان به ارث برده می‌شود و سپاس خدا را برای تحقق وعده داده شده.»

آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور: ۵۵) ترجمه آیه شریفه: «خداوند به کسانی از شما (مسلمانان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در روی زمین جانشین (خود) کند و (حکومت بخشد) همان‌گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند، جانشین ساخت و...».

خبر می‌دهد شاعر به منتظران که وعده حق بر باطل حتمی است؛ زیرا خداوند در

قرآن به مؤمنین و مستضعفین در روی زمین وعده داده است. او از سنت بلا تبدیل الهی می گوید: طبق آیه (۴۳) سوره فاطر و آیات دیگر، سنت الهی تغییرناپذیر است. این باعث اطمینان و دلگرمی همه مؤمنین است و وحدت انبیاء و یکپارچگی نظام آفرینش را نشان می دهد که شاعر با صنعت تلمیح به آن اشاره کرده است.

آل ابراهیم بر این باور است که حکومت امام پیروز خواهد شد بر کفار و ظالمین و منحرفین در عالم و ظلم در این کشور پایان خواهد یافت و عدالت سراسر شرق را فرامی گیرد و مردم تحت این عدالت به رفاه می رسند او به تحقق آرمانی هدفی بزرگ که در سایه عدالت به دست آمده اشاره دارد.

او دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بی نظیر و آن را به عنوان مقامی که بشر در طول تاریخ خود ندیده است معرفی می کند از ویژگی های اصلی این حالت برای شاعر عدالت همه جانبه که شیطان را از وسوسه ناامید می کند و مژده می دهد به منتظران همان گونه نه که سحر پس از تاریکی شب می آید پس حق نیز پیروز می شود بر باطل وعده خدا حق است. شاعر با بیانی دغدغه مند و امیدوار به تحقق عدالت، وعده های آینده را به تصویر می کشد و شاعر بر این باور است که با اجرای عدالت الهی و استقرار حکومت حضرت رفاه، امنیت و صلح در جامعه برقرار خواهد شد.

و در جای دیگر با عنوان (آرمان شهر مهدوی) به توصیف مدینه فاضله بعد از ظهور می پردازد. بشر هیچ گاه از اندیشه رؤیای بهتر زیستن فارغ نبوده است و همیشه مورد ظلم و ستم بوده در این میان شیعیان در طول تاریخ اسلام منتظر وعده الهی برای تحقق این مدینه فاضله بوده اند که تنها با ظهور حضرتش محقق می شود. بر طبق آیه ۵ سوره قصص «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!» در تفسیر این آیه آمده است که این گروه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. خداوند مهدی آن ها را بعد از فشاری که به آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۹).

چیزی که در این مدینه نمود دارد عدلی است که در زیر لوای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می پذیرد. در زیارت ایشان می خوانیم «السلام عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ...» سلام بر امام قائم منتظر خلق و بر سلطان عادل مشهور... (قمی، ۱۳۷۹:

۱۴۰۱) و ویژگی خاص حکومت ایشان عدالت است. عدالتی که در زیر سایه اش امنیت و فراوانی و ریشه کن شدن ظلم را در پی دارد.

لسیدی دولته کریمه
کأنهـا جئـة المعـاد
بغیر جـور و بغیر فقر
ولا همـوم ولا فـساد
نسیـر فیـها بلا حـدود
ومن بلاد الی بلاد
الارض للـه کلـها
تحت رایـة العـدل والرشـاد...

(ابومکارم، ۲۰۱۰م: ج ۵، ۱۲۴)

ترجمه اشعار

«برای آقام دولت کریمه ای است که گویی بهشت جاودان است./ بدون ستم، بدون فقر، بدون اندوه و بدون هیچ فسادی./ در حکومت ایشان، بدون محدودیت و بدون هیچ مرزی، از کشوری به کشور دیگر حرکت می کنیم./ همه زمین خدا زیر پرچم عدل و رشد و هدایت است.»

بر اساس آیه (۵ و ۶) سوره قصص آنچه گفته شده بیانگر یک قانون کلی است بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان عدل که به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد و شاعر مستقیم اشاره دارد به اینکه این عدالت مایه خوشبختی و سعادت بشر او به رنج جوامع عرب زیر یوغ بی عدالتی اشاره دارد و آرزویش وضعیتی عاری از این بلاها است. شاعر با توصیف جنتی بر روی زمین تصویری از نظامی عادلانه ترسیم می کند که در آنجا ظلم و جور نیست و غم و فساد وجود ندارد و در آن امنیت و رفاه برای همه فراهم است مرزها که نمادی از محدودیت های اجتماعی و سیاسی هستند در این حکومت ایده آل معنایی ندارند و مردم آزادانه امکان ارتباط و تبادل فرهنگی را دارا هستند.

در روایات آمده است که: اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی سازد تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد سازد پس از آنکه از ظلم و جور و ستم پر شده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۲۶۹). شاعر در این ابیات شاعر یک شبکه پیچیده از آرزوها و ایده آل هایی حول محور عدل و آزادی را به تصویر می کشد و به عنوان یک دعوت برای ایجاد جامعه ای عادلانه و خدمتگزار عمل می کند.

شماره ۴۱

سال هجدهم، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

نتیجه گیری

فرهنگ انتظار از مهم ترین موضوعات است که مورد توجه مسلمانان بوده و دارای ارزش عظیمی است. شاعر معاصر عرب از دیرباز به این مسئله پرداخته؛ اما در عصر حاضر شاعر معاصر باب تازه ای در زمینه شعر و ادب به عنوان ادبیات مهدوی گشوده است و از دریچه شعر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان شخصیتی مقدس و اصلاح طلب که با حضور خود دین اسلام را به حقیقت و عدل هدایت می کند و از ظلم و جور رهایی می بخشد و منجی آخر الزمان می باشد معرفی نموده است. شاعر علی جعفر آل ابراهیم القطیفی متولد منطقه ای در عربستان که با حب اهل بیت رشد یافته است و به خاطر شرایط حاکم و در زیر فشار حاکمان ظلم و جور سعی دارد رسالتش را با استفاده از زبان شعر به سرانجام برساند، با خلق تصاویری بی بدیل از آرمان هایی چون عدالت خواهی و ظلم ستیزی می زند او با اشعارش تأثیری عمیق بر مخاطب می گذارد و چون عالمی دینی عقاید و آموزه های دینی اش را منتقل می نماید و مسیری معرفتی را برای خواننده ایجاد و او را به تأمل وامی دارد. تأملی که نتیجه اش انقلاب و جنبش و پویایی است و آماده سازی زمینه برای ظهور و خلق آرمان شهر مهدوی که بنابر روایات جایی جز حکومت جهانی و عادلانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

منابع

قرآن کریم

- ابومکارم، الحاج عبدالقادر الشیخ علی (۲۰۱۰ م)، الموسوعة الشعرية المهدوية، دارالعلوم.
- آل سنبل، الشیخ نزار (۲۰۰۳ م)، اهل بیت علیهم السلام فی الشعر القطیفی المعاصر، المركز الثقافي للنشر والتوزيع.
- انصاری بویراحمادی، علی (۱۳۹۱)، شیعیان عربستان، انتشارات آشیانه مهر.
- بحرینی، مجتبی (۱۳۹۰)، حدیث قبل از میلاد، انتشارات منیر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹)، انتظار در اندیشه ها، بنیاد فرهنگی حضرت

- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۹۳)، *مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت*، انتشارات اطلاعات.
- زارعی، جمیله. (۱۳۹۵). پویایی شعر انتظار «با تکیه بر شعر علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه». *مطالعات ادبیات، عرفان فلسفه*، ۲(۱)، ۵۴۹-۵۶۴.
- نظری، نجمه، زارعی، جمیله (۱۳۹۵)، *ویژگی های شعر انتظار علیرضا قزوه*، فصل نامه علمی پژوهشی عصر آدینه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸)، *لغت نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۵)، *پرسمان مهدویت*، شباب الجنه.
- سیاح، احمد (۱۳۳۰)، *فرهنگ جامع*، کتاب فروشی اسلام.
- سیفی، محسن؛ سلطانی فرد، اسماء (۱۳۹۲)، *تجلی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ در آینه شعر معاصر عربی*، پژوهش های مهدوی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۵)، *اسرار و فلسفه غیبت*، دفتر آیت الله علی گلپایگانی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۳)، *آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی*، انتشارات سخن.
- قبانی، نزار (۱۳۵۶)، *داستان من و شعر* (مترجمان: غلامحسین یوسفی و یوسف بگار)، انتشارات توس. (اثر اصلی در سال ۱۹۷۰ م منتشر شده است).
- قمی، عباس (۱۳۷۹)، *منتهی الآمال*، (محقق: ناصر باقر بیدهندی، محقق)، انتشارات دلیل.
- محمودی، سارا (۱۴۰۰)، *رسانه و شعر*، انتشارات سمت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار* (گروه مترجمان برای نهاد کتابخانه های

- عمومی کشور)، کتاب نشر.
- مروتی، سهراب؛ محمدی، روح الله (۱۳۹۴)، *ظلم و ظلم ستیزی*، بینات، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، *مجموع آثار*، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب اسلامی.
- موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۸۷)، *دکترین مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- میکانی، عزیز (۱۳۹۰)، *شعر مهدوی*، انتشارات سروش.
- میکانی، عزیز (۱۳۹۳)، *شعر مهدوی در عصر حاضر*، انتشارات معارف.
- یاور صفت، یلدا (۱۳۹۳)، *سیمای امام مهدی در اشعار معاصر عربی* [پایان نامه کارشناسی ارشد]، دانشگاه سیستان و بلوچستان. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).